

? اگر خاصی معین باشد : الف) کلاف است در صورت دعوا رسیدگی کند مطلقاً

✓ ب) بایه به دعوا رسیدگی کند (ج) پرونده برای رسیدگی قانونی و رسیدگی قضایی به دادگاه ارسال می شود

د) پرونده با صورتی که قرار است از رسیدگی به شعبه دیگری برای رسیدگی ارسال می شود

چون گفته شده خاصی معین باشد و قانون احکامات شرعی بایه (با جمع است)

? اگر خاصی قانونی احکامات شرعی بایه : الف) کلاف است به دعوا رسیدگی بایه ✓

ب) با صورتی که قرار است از رسیدگی پرونده به شعبه دیگری ارجاع می شود

ج) پرونده برای رسیدگی قانونی و رسیدگی قضایی به دادگاه ارسال می شود

د) تخفیف رسیدن حوزه قضایی پرونده مطلقاً است به شعبه دیگری برای رسیدگی ارسال می شود

? خیار ص خاصی معین و قانونی احکامات شرعی بایه : (سوال ۹۷)

الف) می تواند از رسیدگی امتناع کند و نوع دعوا تاثیر ندارد

ب) فقط در دعاوی غیر مالی

ج) بایه از رسیدگی امتناع کند و در باره اصل نطح یا طلاق باشد

د) بایه از رسیدگی امتناع کند حتی اگر دعوا در باره اصل نطح یا طلاق باشد ✓

۱. کلمه با عاصب خورد توافق می کند که مبلغ شخصی به عنوان اجرت القبل پرداخت شود در صورت

استماع عاصب از پرداخت اجرت مورد توافق و طرح دعوا از سوی ملک دعوی فرزند یا بیخ که ام اموال همین که توافق شد ← مقول حکمی

است وجه داره یعنی صالح است ؟

الف ( غیر مقول یعنی - محل وقوع ملک ) ✓ - مقول حکمی - محل اقامت خواننده

ب ( " " - محل وقوع ملک )

ج ( " " - محل اقامت خواننده )

د ( " " - محل وقوع ملک )

۲. در قراردادی که در شیراز منعقد شده شخصی که مقیم تهران است بعهده بستن که این مبلغ در اصفهان به طرف قرارداد تحویل دهد اما از تحویل آن خودداری می کند در این صورت طرف قرارداد در کدام دادگاه یا دادگاه می تواند اقامه دعوا کند ؟

الف دادگاه تهران به دادگاه شیراز یا اصفهان

ب دادگاه تهران به دادگاه شیراز یا اصفهان

ج دادگاه تهران به شیراز یا اصفهان

د دادگاه تهران یا شیراز

محل وقوع قرارداد

دعوی تجاری (م ۱۳)

۳. شخصی در تهران چس را در نزد تحویل شخص ب می دهد و شخص ب در زاهدان آن را از بانک مطالبه و گواهی عدم پرداخت دریافت می کند در این صورت شخص ب در کدام دادگاه (دادگاه ع)

الف تهران - زاهدان - نزد ✓

ب تهران - نزد

ج نزد

د تهران

رای وحدت رویه ۶۸۸

۱. اگر شعبه شرکت در تبریز که مرکز اصلی آن تهران است طلبی در تبریز غصب کند طلب دعوی را در کدام دادگاه اقامه کند؟

الف) تبریز ب) تبریز ج) تهران د) هیئت ارداد ۴۱ تبریز

قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی ۳۱

مرکز اصلی شرکت اقامه خواهد شد.

**ماده ۲۴** - رسیدگی به دعوی اعسار به طور کلی با دادگاهی است که صلاحیت رسیدگی نخستین به دعوی اصلی را دارد یا ابتدا به آن رسیدگی نموده است.  
**ماده ۲۵** - هرگاه سند ثبت احوال در ایران تنظیم شده و ذی نفع مقیم خارج از کشور باشد رسیدگی با دادگاه محل صدور سند است و اگر محل تنظیم سند و اقامت خواهان هر دو خارج از کشور باشد در صلاحیت دادگاه عمومی شهرستان تهران خواهد بود.<sup>۲</sup>

خبر  
خبر  
م

۱. رأی وحدت رویه شماره ۷۲۲-۱۳/۱۰/۱۳۹۰: «استفاد از صدر ماده ۲۴ قانون آیین دادرسی

؟ **دارخواست اعسار از معلوم ب رایی که توسط دیوان عالی کشور**

اقرار شده به کدام دادگاه ارائه شود؟

الف) دادگاه نخستین یا دادگاهی که اقراریه صادر کرده ✓

ب) دادگاه تجدیدنظر

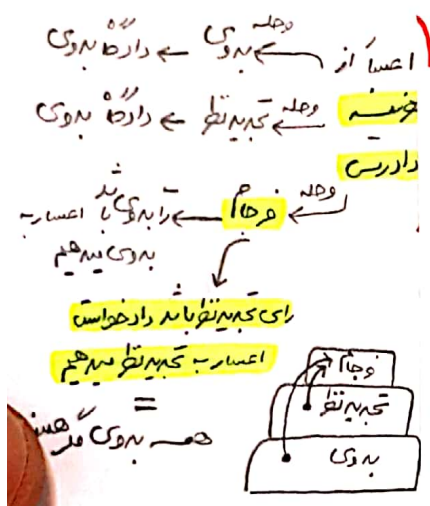
ج) دادگاه نخستین

د) دیوان عالی کشور

م ۱۳ قانون نحوه اجراء معلومت های مالی

در این حالت	محل اقامت خواهان	محل صدور سند	دادگاه صالح
حالت اول	ایران	ایران	دادگاه محل اقامت خواهان
دوم	ایران	خارج	" " " "
سوم	خارج	ایران	دادگاه محل صدور سند
چهارم	خارج	خارج	دادگاه تهران - ایران

م ۲۵ خلیه خلیه هم ۱۰۰ سوال



زیر مطالبه سوم اکتاف... رسیدن خود را اعلام کرده اند...

میلر تا به دعوی اثبات زوجیت رسیدن خود (در دادگاه خانواده) و دادگاه حقوقی تا نتیجه آن دادگاه

۳۰. مشاهیر دادآفرین رسیدن را متوقف نمی نماید (استثنا به صورتی طرح دعوی)

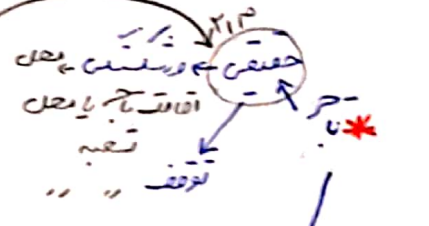
مستطرفین ۵۵ رسیده نیامده قرار رد دعوی

به نظر دکتر شمس در این حالت  
توازی بین دادگاه صادره صورت  
(همان انطباق کیفری)  
در رویان عدالت اداری هم زمین  
عالی و ارتباط صادره (۵۰م)

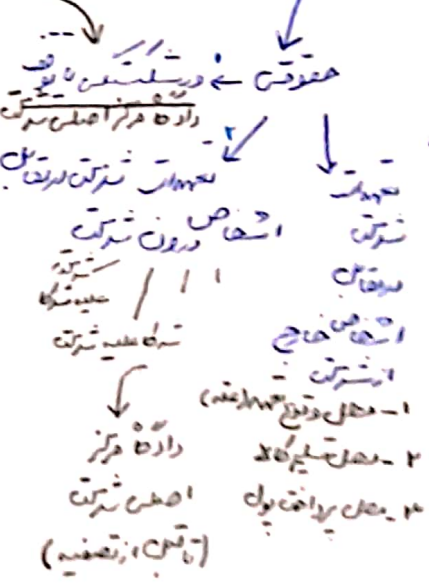
**ماده ۱۹-** هرگاه رسیدگی به دعوا منوط به اثبات ادعایی باشد که رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه دیگری است، رسیدگی به دعوا تا اتخاذ تصمیم از مرجع صلاحیت دار **متوقف** می شود. در این مورد، خواهان مکلف است ظرف یک ماه در دادگاه صالح اقامه دعوا کند و رسید آن را به دفتر دادگاه رسیدگی کننده تسلیم نماید، در غیر این صورت **قرار رد دعوا** صادر می شود و خواهان می تواند پس از اثبات ادعا در دادگاه صالح مجدداً اقامه دعوا نماید.

خواننده در این جا وراثت را قانونی نداند  
نصف ناقص از تقسیم برود  
اتفاقه - وقت ترک تقسیم شد  
طبق ماده ۳۱۳ به راجع صالح مراجع  
می بینیم

**ماده ۲۰-** دعاوی راجع به **ترکه** می متوقفاً اگر چه خواسته، دین و یا مربوط به وصایای متوقفاً باشد تا زمانی که **ترکه تقسیم نشده** در دادگاه محلی اقامه می شود که آخرین اقامتگاه متوقفاً در ایران، آن محل بوده و اگر آخرین اقامتگاه متوقفاً معلوم نباشد، رسیدگی به دعوی یادشده در صلاحیت دادگاهی است که آخرین محل سکونت متوقفاً در ایران، در حوزه ی آن بوده است.



**ماده ۲۱-** دعاوی راجع به توقف یا ورشکستگی باید در دادگاهی اقامه شود که شخص متوقف یا ورشکسته، در حوزه آن اقامت داشته است و چنانچه در ایران اقامت نداشته باشد، در دادگاهی اقامه می شود که متوقف یا ورشکسته در حوزه آن برای انجام معاملات خود شعبه یا نمایندگی داشته یا دارد.



**ماده ۲۲-** دعاوی راجع به **ورشکستگی** شرکت های بازرگانی که مرکز اصلی آنها در ایران است، همچنین دعاوی مربوط به **اصل شرکت** و **دعوی بین شرکت و شرکا** و **اختلافات حاصله بین شرکا** و **دعوی اشخاص دیگر علیه شرکت** تا زمانی که شرکت باقی است و نیز در صورت انحلال تا وقتی که تصفیه امور شرکت در جریان است، در مرکز اصلی شرکت اقامه می شود.

**ماده ۲۳-** دعاوی ناشی از تعهدات شرکت در مقابل اشخاص خارج از شرکت، در **محل وقوع عقد** (محل وقوع عقد) محلی که تعهد در آنجا واقع شده یا محلی که کالا باید در آنجا تسلیم گردد یا جایی که بول باید پرداخت شود اقامه می شود. اگر شرکت دارای شعب متعدد در جاهای مختلف باشد دعاوی ناشی از تعهدات هر شعبه یا اشخاص خارج باید در دادگاه محلی که شعبه طرف معامله در آن واقع است اقامه شود، مگر آنکه شعبه یاد شده برجیده شده باشد که در این صورت نیز دعاوی در

**نکته:** \* دعاوی راجع به شرکت در مرکز اصلی شرکت اقامه می شود اما در موضوع دعاوی اموال غیر منقول باید در محل وقوع مال غیر منقول واقع می شود. در مرکز اصلی شرکت. (رای وحدت رویه)

کیفیت ۱ - تهران  
کیفیت ۲ - تهران

ذاتی ← قانون به وزارت داره برای رسیدن  
صلاحیت  
کاملاً

ذاتی ← هیئت دیوان  
وضع حل اصلاً

در استان  
در استان

ذاتی  
صنف  
نوع  
اداری  
قضایی  
عمومی  
استثنایی  
رسمی  
نہی

حکومت و نوع درجه بندی بود (هم اسم بودنه) اصناف و صلاحیت ذاتی دارند  
حکومت ۲ داره وقت داشت ← اصناف ذاتی است.

اصناف بین \* خانوار تهران  
عمومی حقوق تهران

ریوان	خانوار کرج	خانوار تهران	ریوان (ذاتی)
تجارت	کیفیت ۲ تهران	کیفیت ۱ تهران	ریوان
ریوان	کیفیت ۲ تهران	کیفیت ۱ شیراز	ریوان
ریوان	داره برای نظام کرج	داره برای اقباب کرج	ریوان

اصناف بین نظام ۱ و ۲ ← تفاوت  
۱ تبع است (همچنین بین نظام ۱ و ۲ زمان چند و روز زمان چند ← تفاوت)  
زمان چند

کیفیت ۱ و ۲ نوشته اصناف کنند  
در استان  
ریوان  
تجارت

در مواردی که طفل ناشی از زنا باشد و زانی اقدام به اخذ شناسنامه ننماید با استفاده از عموماً و اطلاق مواد یاد شده و مسأله ۳ و مسأله ۴۷ از موازین قضائی از دیدگاه حضرت امام خمینی رضوان الله تعالی علیه، زانی پدر عرفی طفل تلقی و نتیجه کلیه تکالیف مربوط به پدر از جمله اخذ شناسنامه برعهده وی می باشد و حسب ماده ۸۸۴ قانون مدنی صرفاً "موضوع توارث بین آنها متغی است ..."  
- رأی وحدت رویه شماره ۵۹۹ - ۱۳۷۴/۴/۱۳: «براساس ماده واحده قانون حفظ اعتبار اسناد سجلی و جلوگیری از تزلزل آنها مصوب بهمن ۱۳۶۷، تغییر تاریخ تولد اشخاص به کمتر از پنج سال ممنوع می باشد و رسیدگی به درخواست تغییر سن بیش از پنج سال نیز به تجویز تبصره همین قانون منحصرأ به عهده کمیسیون مقرر در آن محول شده است. بنا به مراتب به نظر اکثریت اعضای هیئت عمومی دیوان عالی کشور، رأی شعبه ششم که مرجع رسیدگی و اظهار نظر نسبت به درخواست تغییر تاریخ تولد کمتر از پنج سال را دادگاه های دادگستری اعلام نموده است ...»  
- رأی وحدت رویه شماره ۵۱۲ - ۱۳۶۷/۸/۲: «دعوی راجع به ابطال واقعه فوت یا رفع این واقعه از اسناد ثبت احوال علاوه بر اینکه متضمن آثار حقوقی می باشد از شمول ماده ۳ قانون ثبت احوال مصوب تیرماه ۱۳۵۵ خارج و رسیدگی به دعوی مزبور در صلاحیت دادگاه های عمومی دادگستری است ...»  
- رأی وحدت رویه شماره ۵۰۴ - ۱۳۶۶/۲/۱۰: «درخواست تغییر نام صاحب سند سجلی از حیث جنس (ذکور به اناث یا بالعکس) از مسائلی است که واجد آثار حقوقی می باشد و از شمول بند ۴ ماده ۳ قانون ثبت احوال خارج و رسیدگی به آن در صلاحیت محاکم عمومی دادگستری است ...»  
- رأی وحدت رویه شماره ۲۷ - ۱۳۶۶/۲/۱۰: «... نظر به این که ادعای خواهان مبنی بر عدم تعلق شناسنامه موجود به وی مورد قبول اداره آمار نبوده و به همین جهت برای ابطال آن ناچار به مراجعه به دادگاه شده است دعوی عنواناً اختلاف در اسناد سجلی است و بر طبق ماده (۴۴) قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۱۹ رسیدگی به آن در صلاحیت محاکم دادگستری می باشد ...»

تفاوت: صلاحیت داره  
خانوار نسبت به داره حقوقی  
ذاتی است =

مرجع مرجع الیه خود را صالح بنامند : در صورتی که  
 مرجع مرجع الیه را صالح بنامند : در صورتی که  
 مرجع مرجع الیه را صالح بنامند : در صورتی که

در صورت عقیده  
 عدم صلاحیت جعلی

مرجع مرجع الیه خود را صالح بنامند : در صورتی که  
 مرجع مرجع الیه را صالح بنامند : در صورتی که  
 مرجع مرجع الیه را صالح بنامند : در صورتی که

در صورت عقیده  
 عدم صلاحیت ذاتی

مرجع غیر قضایی را صالح بنامند : در صورتی که  
 مرجع غیر قضایی را صالح بنامند : در صورتی که  
 مرجع غیر قضایی را صالح بنامند : در صورتی که

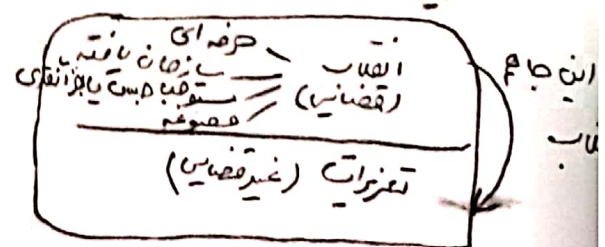
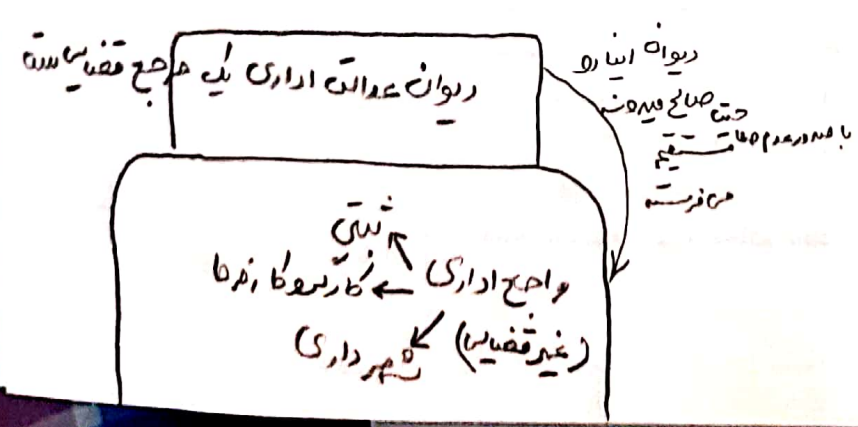
**\* هیچ وقت بین مرجع قضایی با غیر قضایی اختلاف نمی آید \***

- در صورتی که مرجع قضایی عقیده بر صلاحیت مرجع غیر قضایی داشته باشد ؛ قرار عدم صلاحیت صادر می شود ؟
- الف) پرونده را برای حل اختلاف به دیوان عالی کشور ارسال می کند
  - ب) اصولاً پرونده را برای تعیین مرجع صالح به دیوان عالی کشور ارسال می کند ✓
  - ج) پرونده را به مرجع غیر قضایی ارسال می کند
  - د) پرونده را برای تعیین و تعیین مرجع صالح به دیوان عالی کشور ارسال می کند

استناد

\* آیه انقیاب (قضایی) تعزیرات

(غیر قضایی) را صالح بنامند پرونده  
 را با صدور قرار عدم صلاحیت می فرستد  
 تعزیرات



تعیین وقت ... با مدیر دفتر  
دستور تعیین وقت ... با مدیر دفتر

### فصل سوم : جریان دادخواست تا جلسه رسیدگی

#### مبحث اول - جریان دادخواست

ماده ۶۴ - مدیر دفتر دادگاه باید پس از تکمیل پرونده، آن را فوراً در اختیار دادگاه قرار دهد. دادگاه پرونده را ملاحظه و در صورتی که کامل باشد پرونده را با صدور دستور تعیین وقت به دفتر اعاده می نماید تا وقت دادرسی (ساعت و روز و ماه و سال) را تعیین و دستور ابلاغ دادخواست را صادر نماید. وقت جلسه باید طوری معین شود که فاصله بین ابلاغ وقت به اصحاب دعوا و روز جلسه کمتر از پنج روز نباشد. (ماده ۵۵ ق.ا.م.د) از طریق آیین مبحث هدایتی ماه است در مواردی که نشانی طرفین دعوا یا یکی از آنها در خارج از کشور باشد فاصله بین ابلاغ وقت و روز جلسه کمتر از دو ماه نخواهد بود.

ماده ۶۵ - اگر به موجب یک دادخواست دعاوی متعددی اقامه شود که با یکدیگر ارتباط کامل نداشته باشند + دادگاه نتواند ضمن یک دادرسی به آنها رسیدگی کند، دعاوی اقامه شده را از یکدیگر تفکیک و به هر یک در صورت صلاحیت جداگانه رسیدگی می کند و در غیر این صورت نسبت به آنچه صلاحیت ندارد با صدور (قرار عدم صلاحیت) پرونده را به مراجع صالح ارسال می نماید.

ماده ۶۶ - در صورتی که دادخواست ناقص باشد و دادگاه نتواند رسیدگی کند جهات نقص را قید نموده، پرونده را به دفتر اعاده می دهد. موارد نقص طی اختطاریه به خواهان ابلاغ می شود، خواهان مکلف است ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ، نواقص اعلام شده را تکمیل نماید وگرنه دفتر دادگاه به موجب صدور قرار، دادخواست را رد خواهد کرد. این قرار ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ قابل شکایت در همان دادگاه می باشد، رأی دادگاه در این خصوص قطعی است.

۶۵ م - ارتباط کامل نداشته باشد  
حالت اول - دادگاه نتواند ضمن یک دادرسی رسیدگی کند  
دعاوی را از هم تفکیک و در صورت صلاحیت جداگانه رسیدگی می کند  
حالت دوم - دادگاه نتواند ضمن یک دادرسی رسیدگی کند  
در آن صورت آن دعاوی را هم رسیدگی و دادگاه در صورت صلاحیت جداگانه رسیدگی می کند (هر چند صلاحیت فصلی نداشته باشد)  
رسیدگی می کند

اب، ابا، ابى	الصب	
✓	✓	صبا
X	✓	صبا صبا
X	X	صبا صبا



**نکتہ:** ۱) نوع ابلاغ داریم ابلاغ واقعی: در صورتی است که مرتب قضایای حقوق تشریفات قانونی،

در مورد اشخاص حقیقی به شخص مخاطب در جدول اشخاص حقوقی به شخصی که صلاحیت وصول

برگ را دارد توسط قانون ابلاغ **قولی و رسمی** در صورتی که ابلاغ قانونی چنانچه تسلیم

برگ قضایای به اشخاص فریبور منتقل نبوده و آماده کردن آنها از مفاد برگ حقوق تشریفات دیگری که

در قانون پیش بینی شده انجام شود ابلاغ قانونی خواهد بود مثل انتشار آبی پیش قولی به استناد

وضاحت، الصاق و ...

← برگ قولی ← **واقعی یا قانونی**

← استناد و ضمانت ← **قانونی**

← غیر طرفه ← الصاق ← **قانونی**

← **واقعی یا حقیقی**

← کارشناسی دولت ← **قانونی** یا **واقعی یا کارشناسی**

← صلاحیت طرف مایه اوراق را ← **قانونی**

← اصل کار ← **قانونی** یا **واقعی یا کارشناسی**

← ابلاغ به زک بود دار ← **قانونی** یا **واقعی یا قانونی**

← ابلاغ به خواننده مقیم کشور ← **واقعی یا قانونی**

← ابلاغ به خوانندگان غیر مقیم ← **واقعی یا قانونی**

← ابلاغ به ورثه ← **واقعی یا قانونی**

ابلاغ

**عمومی:** درین دفتر آن مرجع یا قائم مقام او **واقعی یا قانونی**

← **واقعی یا حقیقی**

← **خاصی:** قائم مقام **واقعی**

← ابلاغ به مسئول دفتر ← **قانونی**

← در صورت ورثه ← **واقعی یا قانونی**

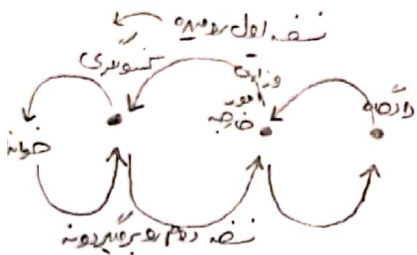
← در صورت اجرائی شرکت ← **واقعی یا قانونی**

← (ب غیر از ورثه و شرکت) ← **واقعی یا قانونی**

ماده ۷۰ - چنانچه خواننده یا هر یک از اشخاص یادشده در ماده قبل در محل نباشند یا از گرفتن برگ‌های اخطاریه استنکاف کنند، مأمور ابلاغ این موضوع را

در نسخ اخطاریه قید نموده نسخه‌ی دوم را به نشانی تعیین شده الصاق می‌کند  
یعنی هر وقت نسخه دوم برگ ابلاغ  
نسخه ختم (اول) را باید

و برگ اول را با سایر اوراق دعوا عودت می‌دهد. در این صورت خواننده می‌تواند تا جلسه رسیدگی به دفتر دادگاه مراجعه و با دادن رسید، اوراق مربوط را دریافت نماید.



ماده ۷۱ - ابلاغ دادخواست در خارج از کشور به وسیله مأموران کنسولی یا سیاسی ایران به عمل می‌آید. مأموران یادشده دادخواست و ضمایم آن را وسیله مأمورین سفارت یا هر وسیله‌ای که امکان داشته باشد برای خواننده می‌فرستند و مراتب را از طریق وزارت امور خارجه به اطلاع دادگاه می‌رسانند. در صورتی که در کشور محل اقامت خواننده، مأموران کنسولی یا سیاسی نباشند این اقدام را وزارت امور خارجه به طریقی که مقتضی بداند انجام می‌دهد.

اگر طرفین محل را برای ابلاغ تعیین کرده باشند در همان محل ابلاغ می‌شود (اقامتگاه ابرقاسم)

ماده ۷۲ - هرگاه معلوم شود محلی را که خواهان در دادخواست معین کرده است نشانی خواننده نبوده یا قبل از ابلاغ تغییر کرده باشد و مأمور هم نتواند نشانی او را پیدا کند باید این نکته را در برگ دیگر اخطاریه قید کند و ظرف دو روز اوراق را عودت دهد. در این صورت برابر ماده (۵۴) رفتار خواهد شد مگر در مواردی که اقامتگاه خواننده برابر ماده (۱۰۱۰) قانون مدنی تعیین شده باشد که در همان محل ابلاغ خواهد شد.

ماده ۷۳ - در صورتی که خواهان نتواند نشانی خواننده را معین نماید یا در مورد (خواننده مجهول الصاق)

ماده قبل پس از اخطار رفع نقص از تعیین نشانی اعلام ناتوانی کند بنا به درخواست خواهان و دستور دادگاه (مفاد دادخواست) یک نوبت در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار به هزینه خواهان آگهی خواهد شد. تاریخ انتشار آگهی

تا جلسه رسیدگی نباید کمتر از یک ماه باشد. (ضمائم اجراء م ۵۵: دفتر و آرد در درخواست صادر می‌گردد که قابل درستی محلی با کبر الی است. راجع)

۱. رأی وحدت رویه شماره ۲۳-۱۳۶۰/۴/۶: مستنبط از مقررات مواد ۴۹۱، ۴۹۶، ۵۳۱، ۵۳۴ اصلاحی قانون آیین دادرسی مدنی است که قانونگذار سابقه ابلاغ در مرحله بدوی دادرسی را برای ابلاغ دادخواست‌های پژوهشی و لرجامی کافی ندانسته و مقتضی دانسته است که در هر یک از مراحل دادرسی نشانی اقامتگاه طرف دعوی تعیین شود و از همین نظر است که

درخواست و ضمیمه و ضوابط اختصاری

**ماده ۶۸-** مأمور ابلاغ مکلف است حداکثر ظرف دو روز اوراق را به شخص

**خوانده** تسلیم کند و در برگ دیگر اختطاریه رسید بگیرد. در صورت امتناع خوانده از گرفتن اوراق، امتناع او را در برگ اختطاریه قید و اعاده می‌نماید.

بزرگ اول را محول خوانده داره و در برگ دوم رسید نوشت می‌رود

**تبصره ۱-** ابلاغ اوراق در هر یک از محل سکونت یا کار به عمل می‌آید. برای ابلاغ در محل کار کارکنان دولت و مؤسسات مأمور به خدمات عمومی و شرکت‌ها، اوراق به کارگزینی قسمت مربوط یا نزد رئیس کارمند مربوط ارسال می‌شود. اشخاص یادشده مسئول اجرای ابلاغ می‌باشند و باید حداکثر به مدت ده روز اوراق را اعاده نمایند، در غیر این صورت به مجازات مقرر در قانون رسیدگی به تخلفات اداری محکوم می‌گردند.

**تبصره ۲-** در مواردی که زن در منزل شوهر سکونت ندارد ابلاغ اوراق در محل سکونت یا محل کار او به عمل می‌آید.

**ماده ۶۹-** هرگاه مأمور ابلاغ نتواند اوراق را به شخص خوانده برساند باید در

**نشانی تعیین شده** به یکی از بستگان یا خادمان او که سن و وضعیت ظاهری آنان برای تمیز اهمیت اوراق یادشده کافی باشد، ابلاغ نماید و نام و سمت گیرنده‌ی اختطاریه را در نسخه دوم قید و آن را اعاده کند.

نسخه رسید

#### فصل ششم: مقررات عمومی و امنیتی

**ماده ۲۶ -** ارتباطات و اقدامات الکترونیکی موضوع این آیین‌نامه باید با رعایت حفظ محرمانگی و حریم خصوصی، صحت و تمامیت انجام شود.

**ماده ۲۷ -** مرکز موظف است در ثبت نام و دسترسی به حساب کاربری و سامانه ابلاغ، سازوکارهای امنیتی لازم را تأمین نماید.

**ماده ۲۸ -** مسئولیت حفظ شناسه و رمز مربوط به حساب کاربری اشخاص بر عهده دارنده آن است.

**ماده ۲۹ -** کاربران سامانه‌های مندرج در این آیین‌نامه موظف‌اند کلیه اطلاعات مربوط به پرونده‌های قضایی را به‌طور کامل، صحیح و به فوریت در سامانه‌های قضایی مربوط ثبت کنند.

**ماده ۳۰ -** معاونت اول قوه قضاییه با همکاری مرکز موظف است با نظارت مستمر بر حسن اجرای این آیین‌نامه، عملکرد و تخلفات احتمالی را جهت اقدام مقتضی به مراجع ذیربط گزارش نماید.

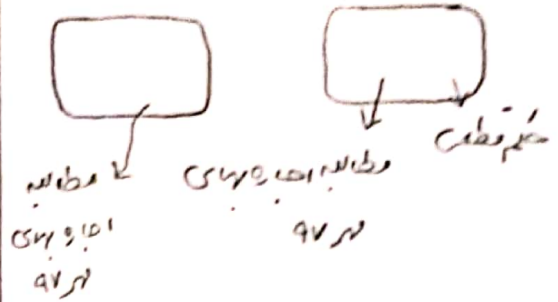
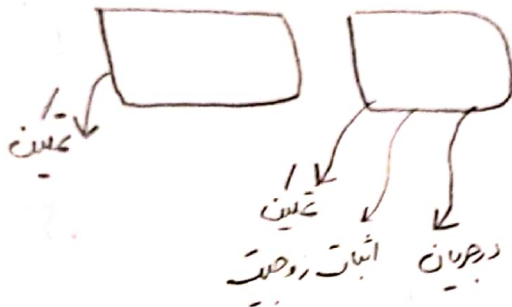
**ماده ۳۱ -** دولت مکلف است در اجرای ماده ۵۶۷ قانون آیین دادرسی کیفری اعتبارات مورد نیاز اجرایی این آیین‌نامه را در ردیف مستقل در بودجه سالیانه قوه قضاییه پیش‌بینی و درج نماید.

**ماده ۳۲ -** این آیین‌نامه در ۳۲ ماده و ۱۹ تبصره توسط وزیر دادگستری و با همکاری وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات تهیه و در تاریخ ۱۳۹۵/۵/۲۴ به تصویب رئیس قوه قضاییه رسید.

صادق آملی لاریجانی

اعتبار امر و طوع

تفاوت اعتبار امر و معلوم



یا اقتناع از رسیدن یا رسیدن توأم  
(با دعوا در نتیجه تفاوت)

تصدیق دائره در این جا به و اورد دعوا

حکم قطع فرم خواهد

نیاید موضوع عین است

انزاعاً موضوع عین است نمی خواهد همین که ارتباط با امر باشد

دعوا خلع بی - استناد سند مالکیت علیه شخصی اقامه صورتور ، خواننده دعوا در اولین جلسه  
اعلام می کند که در ملک هیچ تصرف ندارد یا بیخ خواننده چیست ؟ تصدیق دائره چیست ؟

امر از است - صورت قرار در دعوا  
(دعوا قنونه من نسبت)

خواننده را به خوردن کما حق الله امر است  
اما اگر بگوید من نمیخوردم یا به من زهر در دماغ

کسی از آن بگوید من گند نیوت

حکم که آن عدل است نه آن عدل

قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی ۶۵ و در ماده ۱۱۵ با این شرایط

### تفاوت ایراد با دفاع در مفهوم اخف: ایرادات دفاعیات کسرهاست که قبل از ورود دایحه - ماهیت

دعوا مطرح می شود و هدف آن یا جلوگیری از ورود دایحه به ماهیت آن است و هدف ای هستی در دفاع ماهوی و صافاً موجب می شود خواننده از دفاع ماهوی بی نیاز شود اما دفاع در مفهوم اخف انکار هویت حقوق ادعای خواهان در ماهیت دعواست و ایراد قبول تورب دعوا اعتبار امر مختومه (چون قرار است)

### مبحث سوم - ایرادات و موانع رسیدگی

ماده ۸۴ - در موارد زیر خواننده می تواند **ضمن** (پاسخ) نسبت به ماهیت دعوا ایراد کند: **اگر دایحه ایرادات را بپذیرد به جز مواد ۱ و ۲** در دعوا می پذیرد

- ۱- دادگاه صلاحیت نداشته باشد. (عدم صلاحیت) مثل طرح دعوا خانواده در دادگاه عمومی
- ۲- دعوا بین همان اشخاص در همان دادگاه یا دادگاه هم عرض دیگری قبلاً اقامه شده و تحت رسیدگی باشد و یا اگر همان دعوا نیست دعوایی باشد که با ادعای خواهان ارتباط کامل دارد.

۳- خواهان به جهتی از جهات قانونی از قبیل صغر، عدم رشد، جنون یا ممنوعیت از تصرف در اموال در نتیجه حکم ورشکستگی، اهلیت (قانونی) یا عدم اهلیت

برای اقامه دعوا نداشته باشد. و قلم ۸۶ خواننده اهلیت نداشته باشد و قرار دعوا صادر شود بلکه دایحه از طرف باقیم او ادعا متوجه شخص خواننده نباشد. (مثلاً برادر علی به زن ده میزند به همکار است)

۴- کسی که به عنوان نمایندگی اقامه دعوا کرده از قبیل وکالت یا ولایت یا قیمومت و بیعت او محرز نباشد. **ع ایراد عدم احراز سبب (هم برادر خواندن یا خواندن)**

۵- دعوای مطرح شده سابقاً بین همان اشخاص یا اشخاصی که اصحاب دعوا قائم

مقام آنان هستند، رسیدگی شده نسبت به آن حکم قطعی صادر شده باشد. اعتبار امر مختومه

۶- دعوا بر فرض **ثبوت** اثر قانونی نداشته باشد از قبیل وقف و هبه بدون قبض. مورد دعوا مشروع نباشد.

۷- دعوا جزمی نبوده بلکه ظنی یا احتمالی باشد.

۸- خواهان در دعوای مطروحه ذی نفع نباشد.

۹- دعوا خارج از موعد قانونی اقامه شده باشد.

ماده ۸۵ - خواهان حق دارد نسبت به کسی که به عنوان وکالت یا ولایت یا قیمومت یا وصایت پاسخ دعوا را داده است در صورتی که سیمت او محرز نباشد، اعتراض نماید.

ماده ۸۶ - در صورتی که خوانده اهلیت نداشته باشد می تواند از پاسخ در ماهیت دعوا امتناع کند.

ماده ۸۷ - ایرادات و اعتراضات باید تا پایان اولین جلسه دادرسی به عمل آید مگر این که سبب ایراد متعاقباً حادث شود.

دفاع سلسله ایراد خواهان  
 و اعتراضات

ماده ۸۸ - دادگاه قبل از ورود در ماهیت دعوا، نسبت به ایرادات و اعتراضات وارد شده اتخاذ تصمیم می نماید. در صورت مردود شناختن ایراد، وارد ماهیت دعوا شده رسیدگی خواهد نمود.

ماده ۸۹ - در مورد بند (۱) ماده (۸۴) هرگاه دادگاه، خود را صالح نداند مبادرت به صدور قرار عدم صلاحیت می نماید و طبق ماده (۲۷) عمل می کند و در مورد بند (۲) ماده (۸۴) هرگاه دعوا در دادگاه دیگری تحت رسیدگی باشد، از رسیدگی و ایراد دعوا از رسیدگی صادر می شود که دعوا خودداری کرده پرونده را به دادگاهی که دعوا در آن مطرح است می فرستد و در سایر موارد یاد شده در ماده (۸۴) قرار رد دعوا صادر می نماید.

ماده ۹۰ - هرگاه ایرادات (تا پایان جلسه اول دادرسی) اعلام نشده باشد دادگاه مکلف نیست جدا از ماهیت دعوا نسبت به آن رأی دهد.

مهلت طرح ایراد  
 ایراد را به دفاعیات ترحیم کند  
 بعداً میباید از جهات ترحیم نظر باشد

ماده ۹۱ - دادرسی در موارد زیر باید از رسیدگی امتناع نموده و طرفین دعوا نیز می توانند او را رد کنند:

الف - قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم از هر طبقه بین دادرس با یکی از اصحاب دعوا وجود داشته باشد.

ب - دادرس قیم یا مخدوم یکی از طرفین باشد و یا یکی از طرفین مباشر یا متکفل امور دادرس یا همسر او باشد.

ج - دادرس یا همسر یا فرزند او، وارث یکی از اصحاب دعوا باشد.

د - دادرس سابقاً در موضوع دعوای اقامه شده به عنوان دادرس یا داور یا کارشناس یا گواه اظهار نظر کرده باشد. چون آنها را نمی باید با هم تا مسعود

در مقام حل اختلاف (سلسله)  
 نظر داده باشد مشغول نمی شود

ه - بین دادرس و یکی از طرفین و یا همسر یا فرزند او دعوای حقوقی یا جزایی

تصمیم

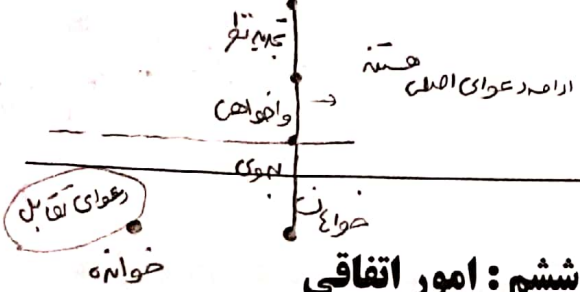
تصمیم	خواننده	خواننده	حالت اول
اگر دارنده بتواند با رایج موجود رای دهی که رای من دهی و این <b>و این رای را در خواست صادر می شود</b>	نه ---	نه ---	حالت اول
رای دهی ... <b>و این رای را در خواست</b> ...	نه ---	نه ---	حالت دوم
رای دهی اراده و حسب مورد رای به صند خواننده یا رای عیناً علیاً خواننده	نه ---	نه ---	حالت سوم
رای دهی اراده و حکم حضوری صادر می شود	نه ---	نه ---	حالت چهارم











\* در فرجه خواهی نمی توان تقاضای تأمین خواسته کرد.  
در اعتراض ثالث و اعاده دادرسی هم نمی توان ۷۲ مشاهیر داد آفرین

**فصل ششم: امور اتفاقی**

\* مرتب تأمین خواسته ۱- اجرای آیین رای  
۲- خواسته از تصحیح و ترمیم در همان است.

**مبحث اول - تأمین خواسته**

خواهش دعا و دعا اصل است. در درخواست تأمین خواسته دعا  
و ارزشش هم حق تأمین خواسته دارد. در خواست تأمین در خواست دعا اصل است  
ماده ۱۰۸ - خواهان می تواند قبل از تقدیم دادخواست یا ضمن دادخواست راجع به  
اصل دعا یا در جریان دادرسی تا وقتی که حکم قطعی صادر نشده است در موارد  
زیر از دادگاه درخواست تأمین خواسته نماید و دادگاه مکلف به قبول آن است:

- الف - دعا مستند به سند رسمی باشد.
- ب - خواسته در معرض تصحیح یا ترمیم باشد.
- ج - در مواردی از قبیل اوراق تجاری و خواست شده که به موجب قانون، دادگاه مکلف به قبول درخواست تأمین باشد.
- د - خواهان، خساراتی را که ممکن است به طرف مقابل وارد آید **تقدماً** به صندوق دادگستری بپردازد. **خسارت احتمالی**

تبصره - تعیین میزان خسارت احتمالی، با در نظر گرفتن میزان خواسته به نظر دادگاهی است که درخواست تأمین را می پذیرد.

**صدور** قرار تأمین موقوف به ابداع خسارت خواهد بود. بعد م ۱۸ م ۱۱ است  
ماده ۱۰۹ - در کلیه دعاوی مدنی اعم از دعاوی اصلی یا طاری و درخواست های

مربوط به امور حسبی به استثنای مواردی که قانون امور حسبی مراجعه به دادگاه را مقرر داشته است، خوانده می تواند برای تأدیه خسارات ناشی از هزینه دادرسی و حق الوکاله که ممکن است خواهان محکوم شود از دادگاه تقاضای تأمین نماید. دادگاه در صورتی که تقاضای مزبور را با توجه به نوع و وضع دعا و سایر جهات موجه بداند، قرار تأمین صادر می نماید و تا وقتی که خواهان تأمین دعاوی ندهد، دادرسی متوقف خواهد ماند و در صورتی که مدت مقرر در قرار دادگاه برای دادن تأمین منقضی شود و خواهان تأمین ندهد به درخواست خوانده قرار رد دادخواست خواهان صادر می شود.

تبصره - چنانچه بر دادگاه محرز شود که منظور از اقامه دعا تأخیر در انجام تعهد یا ایدای طرف یا غرض ورزی بوده، دادگاه مکلف است در ضمن صدور حکم یا قرار، خواهان را به تأدیه سه برابر هزینه دادرسی به نفع دولت محکوم نماید.

این تأمین اتباع و اقامه در این اولین جلسه دادرسی است.  
مطلب: با تقاضای نفع دولت در دعاوی مدنی و اولی جلسه دادرسی است.  
مطلب: جهت درخواست: در دعاوی مدنی و اولی جلسه دادرسی است.  
مطلب: با تقاضای نفع دولت در دعاوی مدنی و اولی جلسه دادرسی است.

حالت تأمین دعوی واهی موعده قضای است (هائیک تعیین می کند)

قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی ۷۳

تأمین دعوی واهی

اسناد تجاری (ص) و خواسته شده (ص)

**ماده ۱۱۰** - در دعوایی که مستند آنها چک یا سفته یا برات باشد و همچنین در سه خواننده در این مورد دعوی را مورد دعوی مستند به اسناد رسمی و دعوی علیه متوقف خوانده نمی تواند واهی نماید.  
 برای تأمین خسارات احتمالی خود تقاضای تأمین نماید. تجاری که از پرداخت بدهی اش بازمانده است.

**ماده ۱۱۱** - درخواست تأمین از دادگاهی می شود که صلاحیت رسیدگی به اصل

دعوی را دارد. در حال رسیدن به دعوی است. (نه الزاماً محل وقوع مال) کاری نه ایم حال که حاصل است -

**ماده ۱۱۲** - در صورتی که درخواست کننده تأمین تا ده روز از تاریخ صدور قرار تأمین نسبت به اصل دعوی دادخواست ندهد، دادگاه به درخواست خوانده، قرار تأمین را لغو می نماید. (درباره تأمین خواسته قبل از تقدیم درخواست)

**ماده ۱۱۳** - درخواست تأمین در صورتی پذیرفته می شود که میزان خواسته معلوم یا عین معین باشد.

**ماده ۱۱۴** - نسبت به طلب یا مال معینی که هنوز موعد تسلیم آن نرسیده است، با جمع این دو شرط در صورتی که حق مستند به سند رسمی و در معرض تضییع یا تفریط باشد می توان درخواست تأمین نمود. در این حالت نیاز به پرداخت خسارت احتمالی ندارد چون مستند دعوی رسمی و در معرض تضییع و تفریط است.

**ماده ۱۱۵** - در صورتی که درخواست تأمین شده باشد مدیر دفتر مکلف است پرونده را فوری به نظر دادگاه درخواست کننده رسیدگی نمود.

**ماده ۱۱۶** - قرار تأمین به طر ده روز به این قرار اعتراض نماید و نسبت به آن تعیین تکلیف م

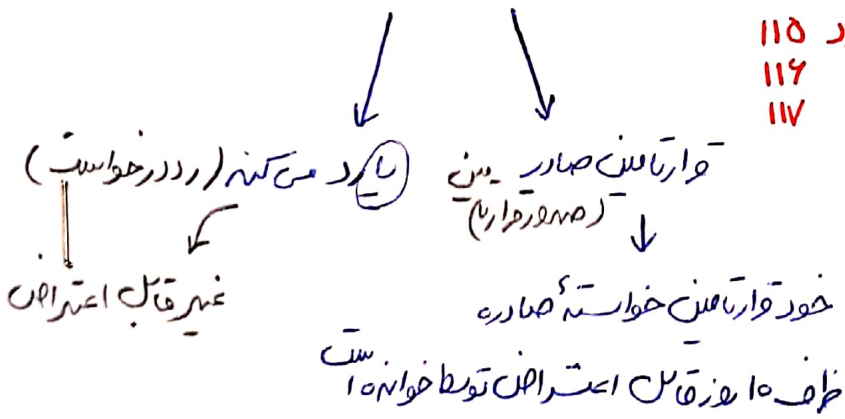
**ماده ۱۱۷** - قرار تأمین باید (ف) مواردی که (ابلاغ فوری ممه خواسته گردد) ابتدا قرار تأمین

**ماده ۱۱۸** - در صورتی که خواه داد. در صورت صد دادخواست، تأمین خود به خود مرتفع می شود.

**ماده ۱۱۹** - قرار قبول یا رد تأمین، قابل تجدیدنظر نیست.

**درخواست تأمین :** دادگاه رسیدگی کرده و

- مواد ۱۱۵
- ۱۱۶
- ۱۱۷



بعد از ۲۰ روز هم حق توان مطالبه کنه اما در طول ۲۰ روز اگر درخواست کنه ؟

۱- خسارت احتمالی در رست داده است و اجرائی آن است  
۲- پرداخت هزینه ندارد ۳- درخواست و تشریفات ندارد

دعوات رست

شرط استفا از خسارت توسط خواننده :

- ۱- تأمین اجرائه باشد
- ۲- خواهان مخلوق به برحق شده باشد
- ۳- رای قطعی صادر شده باشد
- ۴- خواننده ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ رای قطعی درخواست استفاده از خسارت احتمالی داده باشد
- ۵- ب خواننده خسارت وارد شده باشد

**ماده ۱۲۰-** در صورتی که **قرار تأمین اجرا گردد** و خواهان به موجب **رای قطعی** محکوم به **بطلان دعوا** شود و یا حقی برای او به اثبات نرسد، خواننده حق دارد ظرف **بیست روز** از تاریخ ابلاغ حکم قطعی خسارتی را که از قرار تأمین به او وارد شده است با تسلیم دلایل به دادگاه صادر کننده قرار، مطالبه کند. مطالبه خسارت در این مورد بدون رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی و پرداخت هزینه دادرسی صورت می گیرد. مفاد تقاضا به طرف ابلاغ می شود تا چنانچه دفاعی داشته باشد ظرف **ده روز** از تاریخ ابلاغ با دلایل آن را عنوان نماید. دادگاه در وقت فوق العاده به دلایل طرفین رسیدگی و رأی مقتضی صادر می نماید. این رأی قطعی است. در صورتی که خواننده در مهلت مقرر مطالبه خسارت ننماید وجهی که بابت خسارت احتمالی سپرده شده به درخواست خواهان به او مسترد می شود.

## ۲- اقسام تأمین

**ماده ۱۲۱-** تأمین در این قانون عبارت است از توقیف اموال اعم از منقول و غیر منقول.

**ماده ۱۲۲-** اگر خواسته، عین معین بوده و توقیف آن ممکن باشد، دادگاه نمی تواند مال دیگری را به عوض آن توقیف نماید.

**ماده ۱۲۳-** در صورتی که خواسته عین معین نباشد یا عین معین بوده ولی توقیف آن ممکن نباشد، دادگاه معادل قیمت خواسته از سایر اموال خواننده توقیف می کند.

**ماده ۱۲۴-** خواننده می تواند به عوض مالی که دادگاه می خواهد توقیف کند و یا توقیف کرده است، وجه نقد یا اوراق بهادار به میزان همان مال در صندوق دادگستری یا یکی از بانکها و دیعه بگذارد. همچنین می تواند درخواست تبدیل مالی را که توقیف شده است به مال دیگر بنماید مشروط به این که مال پیشنهاد شده از نظر قیمت و سهولت فروش از مالی که قبلاً توقیف شده است کمتر نباشد. در مواردی که عین خواسته توقیف شده باشد تبدیل مال منوط به رضایت خواهان است.

**ماده ۱۲۵-** درخواست تبدیل تأمین از دادگاهی می شود که **قرار تأمین را صادر**

کرده است. دادگاه مکلف است ظرف **دو روز** به درخواست تبدیل رسیدگی کرده، قرار مقتضی صادر نماید.

انواع تعین مال توقیف  
وجود دارد اما با  
سزا (صفحه بعد)

قبول قرار  
رد قرار  
قرار مقتضی صادر نماید

دادگاه که به دعوی  
اصلی رسیدگی کرده

توقیف به نفع  
بازگشته در صورت تا ۱/۳

ماده ۱۲۶- توقیف اموال اعم از منقول و غیر منقول و صورت برداری و ارزیابی و

حفظ اموال توقیف شده و توقیف حقوق استخدامی خواننده و اموال منقول وی

که نزد شخص ثالث موجود است، به ترتیبی است که در قانون اجرای احکام

مدنی پیش بینی شده است. که اگر منقول باشد عین مال توقیف می شود اما غیر منقول است

ماده ۱۲۷- از محصول املاک و باغها به مقدار **دوسوم سهم خواننده** توقیف

می شود. اگر محصول جمع آوری شده باشد مأمور اجرا سهم خواننده را مشخص

و توقیف می نماید. هرگاه محصول جمع آوری نشده باشد برداشت آن خواه،

دفعاً و یا به دفعات با حضور مأمور اجرا به عمل خواهد آمد. خواننده مکلف است

مأمور اجرا را از زمان برداشت محصول مطلع سازد. مأمور اجرا حق هیچ گونه

دخالت در امر برداشت محصول را ندارد، فقط برای تعیین میزان محصولی که

جمع آوری می شود حضور پیدا خواهد کرد. خواهان یا نماینده او نیز در موقع

برداشت محصول حق حضور خواهد داشت.

تبصره- محصولاتی که در معرض تضییع باشد فوراً ارزیابی و بدون رعایت

تشریفات با تصمیم و نظارت دادگاه فروخته شده، وجه حاصل در حساب

سپرده دادگستری تودیع می گردد.

اگر کسی مالش توقیف شود و در نتیجه تور توقیف مال رفع و تصفیه

ماده ۱۲۸- در ورشکستگی چنانچه مال توقیف شده **عین معین مورد ادعای**

در طلبکاران او قرار گیرد

**مقتضای تأمین باشد** درخواست کننده تأمین بر سایر طلبکاران حق تقدم دارد.

\* با برتسگی تا توقیف رفع می شود اما اگر عین معین مورد ادعای طلبکاران باشد رفع نمی شود

۱. رأی وحدت رویه شماره ۲۲۵-۱۳۱۸/۲/۱۲: هرای دیوان عالی کشور با ملاحظه اصول و

قوانین مربوطه محرز است که مقصود از حق تقدم دولت در ماده ۱۹ قانون متمم بودجه سال

۱۳۱۳ نسبت به اموال طلق مدیون است نه مالی که مقید و عینا متعلق حق دیگر است و طبق

قانون ثبت هم مبیع، به شرط ملک طلق بایع نمی باشد و محل مقید استیفاء اصل ثمن و اجور

آن است بنابراین قبول کننده معامله شرطی عنوان طلبکار را حائز نیست تا به موجب ماده

مزبور برای دوست از بایع مشارط نسبت به ملک مورد بیع شرط حق تقدم فرض شود...

- رأی وحدت رویه شماره ۳۲۷۱-۱۳۳۹/۱۰/۱۹: (چون موافق ماده (۵۸) قانون تصفیه امور

ورشکستگی استفاده از اموال متوقف برای دیان ترتیبی خاص مقرر داشته که به همان نحو

باید خاتمه یابد و موافق مدلول همین ماده حق تقدم هر طبقه بر طبقه دیگر تصریح و تعیین

شده و از بستن کارانی که از اموال متوقف طلب خود را به وسیله دادگاه تأمین کرده اند قیدی

دیده نمی شود بنابراین کلیه دیان بجز کسانی که قانون صریحاً استثنا نموده از اموال متوقف

حق استفاده دارند و منطبق ماده (۲۶۹) قانون (قدیم) آیین دادرسی (ماده ۱۲۸ جدید) ناظر به

\* این خواست حق تقدم ایجاد می کند

حقیق  
۳۷

برای توقیف مال رعایت مستثنیات دین لازم نیست اما اگر مستثنیات به فروش نرسد  
 باب ۱۰ بینیم مستثنیات دین هستند یا نه  
 ۷۶ مشاهیر دادآفرین

صلح ۳۲

خواست  
**ماده ۱۲۹-** در کلیه مواردی که تأمین مالی متبھی به فروش آن گردد رعایت  
 مقررات فصل سوم از باب نهم این قانون (مستثنیات دین) الزامی است.

**؟ در صورتی که خواسته عین بعین بوده و قابل توقیف نباشد در این صورت:**

الف) اموال صدوق را تا این خواسته نیست / ب) از سایر اموال خوانده به میزان خواسته توقیف می شود

ج) در صورت توانایی مال تأمین خواسته صورت می گیرد

د) از سایر اموال خوانده به میزان اموالی خواسته توقیف می شود

نکته: به غیر از خواسته توقیف می شود از بقیه خواسته.

تبدیل با پول: بارضایت خواندن

خواست عین بعین بوده و عین  
 معین توقیف شده باشد

**تغییر مال توقیف شده**

تبدیل با مال دیگر: بارضایت خواندن

تبدیل با پول: بی قید و شرط معین است

از سایر اموال توقیف شده باشد

ک) با مال دیگر: مال معین از توقیف از قبل کفایت می کند

پ) بهوش فروش داشته باشد

\* نکته: اعتبار تأمین خواسته: تا صدور حکم قطعی است.

مهم \* تبصره ۱ م ۳۵ اجرای احکام دین: در وجه اجرای تقاضای صدوق را تا این

خواست که در کم نیاز به خسارت احتمالی نیست

آقای عیدانی ضمایم به تحریری فروخته و تحریری سکون دارد نصف ثالثی مبارک است تحریری آن است دعوی صرفی است  
 میان (روز تحریری) عیدانی رو به دعوی است که تا به تاریخ ۱۳۸۳ روم  
 ۸۰ مشاهیر دادآفرین

خواهان (خواننده) طالب خواص  
 مطالب ثالث → ثالث  
**مبحث سوم - جلب شخص ثالث**

ماده ۱۳۵ - هر یک از اصحاب دعوا که جلب شخص ثالثی را لازم بدانند، می توانند تا پایان جلسه اول دادرسی جهات و دلایل خود را اظهار کرده و ظرف سه روز پس از جلسه با تقدیم دادخواست از دادگاه درخواست جلب او را بنمایند، چه دعوا در مرحله نخستین باشد یا تجدیدنظر.  
 واحواه

ماده ۱۳۶ - محکوم علیه غیابی در صورتی که بخواهد درخواست جلب شخص ثالث را بنماید، باید دادخواست جلب را با دادخواست اعتراض تواماً به دفتر دادگاه تسلیم کند، معترض علیه نیز حق دارد در اولین جلسه رسیدگی به اعتراض، جهات و دلایل خود را اظهار کرده و ظرف سه روز دادخواست جلب شخص ثالث را تقدیم دادگاه نماید.

ماده ۱۳۷ - دادخواست جلب شخص ثالث و رونوشت مدارک و ضمایم باید به تعداد اصحاب دعوا به علاوه یک نسخه باشد.  
 جریان دادرسی در مورد جلب شخص ثالث، شرایط دادخواست و نیز موارد رد یا ابطال آن همانند دادخواست اصلی خواهد بود.

ماده ۱۳۸ - در صورتی که از موقع تقدیم دادخواست تا جلسه دادرسی، مدت تعیین شده کافی برای فرستادن دادخواست و ضمایم آن برای اصحاب دعوا نباشد (باشد) دادگاه وقت جلسه دادرسی را تغییر داده و به اصحاب دعوا ابلاغ می نماید.  
 ماده ۱۳۹ - شخص ثالث که جلب می شود خواننده محسوب و تمام مقررات راجع به خواننده درباره او جاری است. هرگاه دادگاه احراز نماید که جلب شخص ثالث به منظور تاخیر رسیدگی است می تواند دادخواست جلب را از دادخواست اصلی تفکیک نموده به هر یک جداگانه رسیدگی کند.

در صورتی حکم دادرسی وقت داریم

نصف حداقل سه روز  
 رایان، اعتبار آن

\* در دعوی طاری ضمیمه به علی اهمیت ندارد اما با صلاحیت ذاتی باشد تا رسیدگی کند  
 در واقع دعوی طاری است با صلاحیت به علی آن.



قاری صداره در دفتر به قابل اعتراضه قاری صداره قاضی به قابل تجدیدنظر

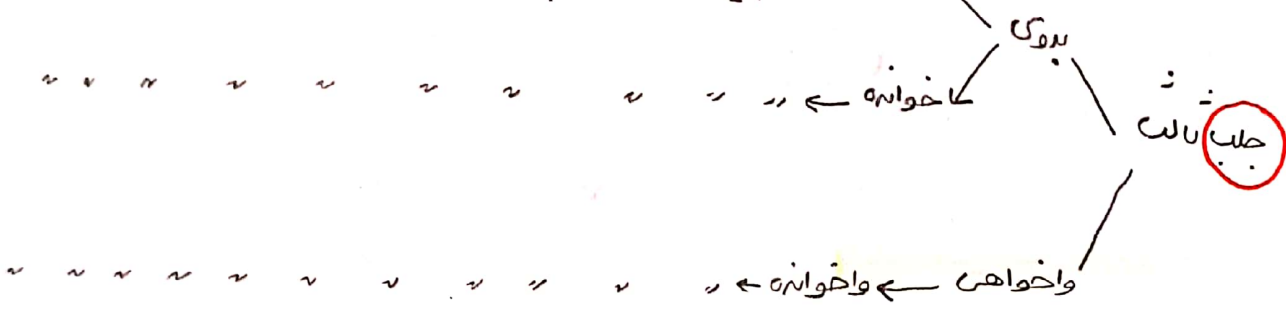
رد درخواست به همشاهی  
۱۰۹  
فقطایب جاود بر دفتر رسیدن  
نسخه نقض (باید قابل اعتراض)

قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی - ۸۱  
همیشه رد درخواست در دفتر طرف اول در همان دادگاه قابل اعتراض است

در ماده ۱۴۰ - قرار رد درخواست جلب شخص ثالث، با حکم راجع به اصل دعوا قابل تجدیدنظر است.

در صورتی که قرار در مرحله تجدیدنظر فسخ شود، پس از فسخ قرار، رسیدگی به آن با دعوی اصلی، در دادگاهی که به عنوان تجدیدنظر رسیدگی

می نماید، به عمل می آید. نکته: اصل این است که اگر در دادگاه تجدیدنظر قرار داده شود، آن وقت آنقضی کننده پرونده را به دادگاه دیگری برای رسیدگی بر سر گرفته است. آن م ۱۳۰ است که اگر دادگاه تجدیدنظر قرار رد درخواست جلب ثالث آنقضی کننده آن را به وقت اعاده نمی کند خود رسیدگی می کند.



کا وخواه = دادخواست واخواهی + درخواست جلب ثالث  
(طابق ماده ۱۰۹ درخواست جداگانه نیست بلکه درخواست جداگانه)

در صورتی که جلب ثالث، دادخواست جلب ثالث را مسترد کند در این صورت:

قرار ابطال درخواست / قرار رد دعوا / قرار رد ادخواست / صادر در صورت

تجدیدخواه در مرحله تجدیدنظر درخواست جلب ثالثی من گایم و در اصل تجدیدخواه درخواست را رد می کند در این صورت این قرار رد درخواست: نصف قطعی است ✓ (استفاداً قابل تجدیدنظر است)

چ به همراه اصل دعوا قابل تجدیدنظر است (در ظرف ۱۵ روز قابل تجدیدنظر است)

\* فعلاً جلب ثالث در پرونده باشد لیکن تجدیدنظر خواهی در تجدیدنظر رد کند قطعی است اما پرونده جلب ثالث را رد کند با حکم راجع به اصل دعوا قابل تجدیدنظر است

### مبحث چهارم - دعوی متقابل

ماده ۱۴۱- خواننده می تواند در مقابل ادعای خواهان، اقامه دعوا نماید. چنین دعوی در صورتی که با دعوی اصلی ناشی از یک منشأ بوده یا ارتباط کامل داشته باشد، دعوی متقابل نامیده شده و تماماً رسیدگی می شود و چنانچه دعوی متقابل نباشد، در دادگاه صالح به طور جداگانه رسیدگی خواهد شد.

بین دو دعوا وقتی ارتباط کامل موجود است که اتخاذ تصمیم در هر یک مؤثر

اصلاً طرح دعوا در دیگری باشد.

ماده ۱۴۲- دعوی متقابل به موجب دادخواست اقامه می شود، لیکن دعوی نهاتر، صلح، فسخ، رد خواسته و امثال آن که برای دفاع از دعوی اصلی اظهار می شود، دعوی متقابل محسوب نمی شود و نیاز به تقدیم دادخواست جداگانه ندارد.

ماده ۱۴۳- دادخواست دعوی متقابل باید تا پایان اولین جلسه دادرسی تقدیم شود و اگر خواهان دعوی متقابل را در جلسه دادرسی اقامه نماید، خواننده می تواند برای تهیه پاسخ و ادله خود تأخیر جلسه را درخواست نماید. شرایط و موارد رد یا ابطال دادخواست همانند مقررات دادخواست اصلی خواهد بود.

دعوی متقابل هم مثل هر وجهی ثالث باید همراه با دعوی اصلی رسیدگی شود.

خواسته این دعوا، موجب دعوی خودخواسته نیست  
 تا اولین جلسه دادرسی  
 خواننده در وقت است که این دعوا را  
 فسخ کند - دعوی متقابل  
 نیست بلکه دفاع است

نص درخواست	وقت درخواست	وضعیت
دارخواست	تا قبل از ختم دادرسی اولین جلسه	ویدئو ثابت
دارخواست	جلسه اول جهت ویدئو و ظرف ۳ روز دادخواست (از روز اظهاری)	طلب ثابت
دارخواست	تا پایان جلسه اول	دعوی متقابل
دارخواست	تا پایان جلسه اول	دعوی اضافی

تفاوت

تأمین اتباع بیعانه

تأمین رعوی واهن

خوانده ایرانی

خوانده

برای حق الوکاله و هزینه دادرسی

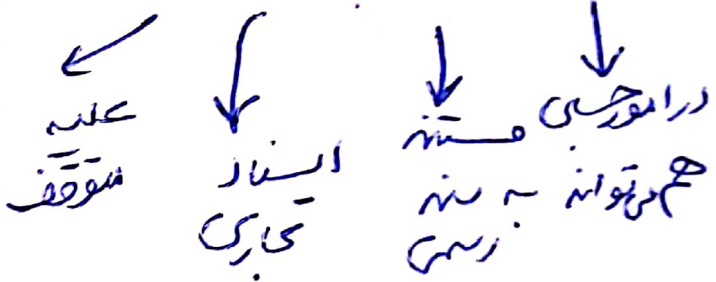
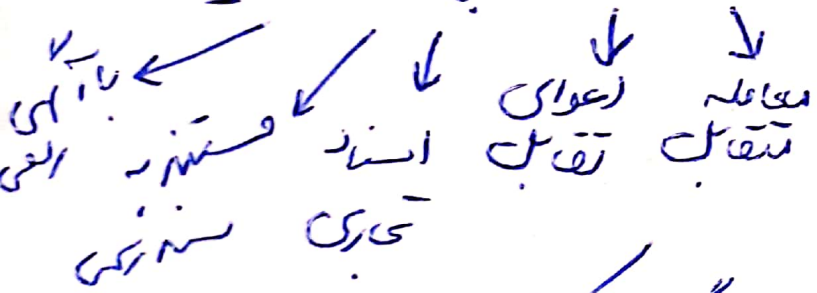
برای حق الوکاله و هزینه دادرسی

تا پایان اولین جلسه دادرسی

تا اولین جلسه دادرسی

در جانبازب پرداخت تأمین است

در جانبازب پرداخت تأمین است



دارگاه خلاف

دارگاه محترم

نوی یا کی می نوی

نوی

نقده بود هم در اصل هم در طاری

نکته: در رعوی تقابل می توانیم تأمین رعوی واهن تطالب کنیم

اگر می توانیم تقاضای اخذ تأمین از اتباع بیعانه بنماییم

هر وقت تأمین می توانه هم نقده باشه هم غیر نقدی

درخواست لافعی است

تأمین خواسته، تأمین دلیل و دستور

درجایی که استفاده از دلیل در آن

ممکن است متعذر یا متعسر شود این

می تواند تقاضای تأمین دلیل کند

### فصل هفتم: تأمین دلیل و اظهارنامه

درخواستی که در آن

#### مبحث اول - تأمین دلیل

چه خوانده چه خواننده

ماده ۱۴۹- در مواردی که اشخاص ذی نفع احتمال دهند که در آینده استفاده از

دلایل و مدارک دعوای آنان از قبیل تحقیق محلی و کسب اطلاع از مطلعین و

استعلام نظر کارشناسان یا دفاتر تجاری یا استفاده از قراین و آمارات موجود در

محل و یا دلایلی که نزد طرف دعوا یا دیگری است، متعذر یا متعسر خواهد

شد، می توانند از دادگاه درخواست تأمین آنها را بنمایند.

مقصود از تأمین در این موارد فقط ملاحظه و صورت برداری از این گونه

تأمین خواسته

دلایل است.

ماده ۱۵۰- درخواست تأمین دلیل ممکن است در هنگام دادرسی و یا قبل از

اقامه دعوا باشد.

تأمین دلیل + دستور عفو

ماده ۱۵۱- درخواست تأمین دلیل چه کتبی یا شفاهی باید حاوی نکات زیر باشد:

۱- مشخصات درخواست کننده و طرف او.

۲- موضوع دعوایی که برای اثبات آن درخواست تأمین دلیل می شود.

۳- اوضاع و احوالی که موجب درخواست تأمین دلیل شده است.

ماده ۱۵۲- دادگاه طرف مقابل را برای تأمین دلیل احضار می نماید ولی عدم

حضور او مانع از تأمین دلیل نیست. در اموری که فوریت داشته باشد دادگاه

بدون احضار طرف، اقدام به تأمین دلیل می نماید.

ماده ۱۵۳- دادگاه می تواند تأمین دلیل را به دادرسی علی البدل یا مدیر دفتر

دادگاه ارجاع دهد مگر در مواردی که فقط تأمین دلیل مبنای حکم دادگاه قرار

گیرد در این صورت قاضی صادرکننده رأی باید شخصاً اقدام نماید یا گزارش

تأمین دلیل موجب وثوق دادگاه باشد.

ماده ۱۵۴- در صورتی که تعیین طرف مقابل برای درخواست کننده تأمین دلیل

ممکن نباشد، درخواست تأمین دلیل بدون تعیین طرف پذیرفته و به جریان

گذاشته خواهد شد.

ماده ۱۵۵- تأمین دلیل برای حفظ آن است و تشخیص درجه ارزش آن در

موارد استفاده، با دادگاه می باشد. فقط برای حفظ آن است و به معنای ارزش و

اعتبار آن نیست

نکته: وفق قانون شورای

حل اختلاف رجال حاضر

درخواست تأمین دلیل با

شورای حل اختلاف تقیم

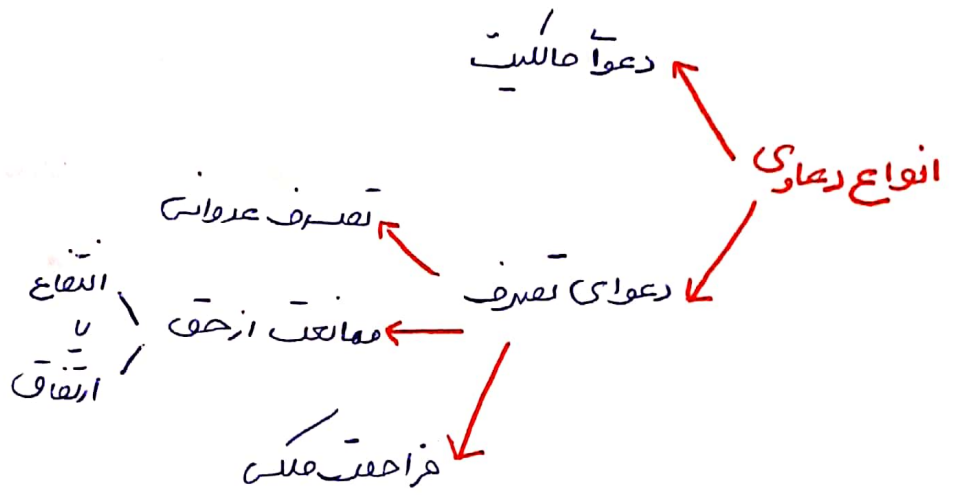
شور و وقت ۲۲ هفت

قانون تأمین دلیل در شورا

تولیدی از اعضا شورا

انجام می شود در شورا

ملاحظه کنید تأمین دلیل اعضا



۹۹۱ اصل در طرح نوال

۱۴۴۲

اگر در ملک مورد تصرف عدوانی  
غریب اشجار یا احداث نباشد باشد

اگر تصرف عدوانی مدعی  
مالکیت زمین نباشد  
تصرف عدوانی  
اشجار و بنا قلع  
و قلع می شود

اگر تصرف عدوانی

مدعی مالکیت زمین  
اگر ظرف ۱ ماه از تاریخ  
اجرای حکم رفع تصرف  
درخواست مالکیت بدهد  
طلب و اشجار باقی می ماند

۱۴۵۴

اگر در ملک مورد تصرف عدوانی  
زراعت شده باشد

اگر ظرف ۱ ماهه از تاریخ  
غریب می شود

اگر موعد برداشت محصول  
زیربسته باشد  
مدعی تصرف عدوانی محصول  
بر برداشت و ب صاحب  
زمین اجرت القتل می دهند

اگر موعد برداشت محصول  
زیربسته باشد

با رضایت مدعی تصرف عدوانی  
را به میزان آن به هم معلوم علیه ب او بدهد و ملک و  
مصرفیات را تصرف و عکس کند  
با رضایت مدعی تصرف عدوانی  
زراعت را ادامه دهد و ب صاحب زمین اجرت القتل  
بدهد

۴۸ ۴۵  
اجرای احکام، انقضای آن

صنف کردن تصرف عدوانی ب معرکه کردن زراعت و اصلاح  
آب و خاک

**ماده ۱۷۴**

دادگاه در صورتی رأی به نفع خواهان می دهد که به طور مقتضی احراز کند خوانده، ملک متصرفی خواهان را عدواناً تصرف و یا مزاحمت یا ممانعت از حق استفاده خواهان نموده است. چنانچه قبل از صدور رأی، خواهان تقاضای صدور دستور موقت نماید و دلایل وی را موجه تشخیص دهد، دستور جلوگیری از ایجاد آثار تصرف و یا تکمیل اعیانی از قبیل احداث بنا یا غرس اشجار یا کشت و زرع، یا از بین بردن آثار موجود و یا جلوگیری از ادامه مزاحمت و یا ممانعت از حق را در ملک مورد دعوا صادر خواهد کرد.

اینجا در صورتی که دعوی احصالی است

اینجا در صورتی که دعوی غیر احصالی است

این دستور با صدور رأی به رد دعوا (مرتفع می شود) مگر این که مرجع تجدید نظر دستور مجددی در این خصوص صادر نماید.

**ماده ۱۷۵**

در صورتی که رأی صادره مبنی بر رفع تصرف عدوانی یا مزاحمت یا ممانعت از حق باشد، بلافاصله به دستور مرجع صادرکننده، توسط اجرای دادگاه یا ضابطین دادگستری اجرا خواهد شد و درخواست تجدیدنظر مانع اجرا نمی باشد. در صورت فسخ رأی در مرحله تجدیدنظر، اقدامات اجرایی به دستور دادگاه اجرا کننده حکم به حالت قبل از اجرا اعاده می شود و در صورتی که محکوم به، عین معین بوده و استرداد آن ممکن نباشد، مثل یا قیمت آن وصول و تأدیه خواهد شد. اجرای حکم اجرایی می شود اما اعاده گوناگون است.

در دعوی تصرف بنا بر قطعیت

در این مورد مصفوفه و اجراء می شود

اینجا اثر تعلیق ندارد

در باره واخواهی قانون کتب

است اما به نظر دیگر محققان با وجودت

فلاک تجدید نظر، درخواست واخواهی

هم مانع اجرا نمی باشد

اجرا همیشه  
اجرا با  
رأی است  
در صورتی  
که رأی  
موقت است  
اینجا  
تصرف  
عدوانی  
هم می تواند

**ماده ۱۷۶** - اشخاصی که پس از اجرای حکم رفع تصرف عدوانی یا رفع مزاحمت یا ممانعت از حق دوباره مورد حکم را تصرف یا مزاحمت یا ممانعت از حق نمایند یا دیگران را به تصرف عدوانی یا مزاحمت یا ممانعت از حق مورد حکم وادار نمایند، به مجازات مقرر در قانون مجازات اسلامی محکوم خواهند شد.

**ماده ۱۷۷** - رسیدگی به دعاوی موضوع این فصل تابع تشریفات آیین دادرسی

نیوده و خارج از نوبت به عمل می آید. خارج از ترتیب دفعه اول وقت و با حضور طرفین

حکم رفع تصرف را با بدوی می یا تجدید نظر - چه موقع تجدید نظر دستور رفع تصرف می شود؟

بدوی حکم تصرف را رد کرده اما تجدید نظر به تصرف برون پس چون رأی را تجدید نظر

می دهد رأی به اجراء می دهد و این تنها همین است که رأی را تجدید نظر رأی به اجراء می دهد

همه جا و همیشه اجرا با رأی است

**نکته:** گزارش اصلاحی رای نیست و اعتبار امر محکوم ندارد (فقط قابل اعتراض ثالث هست)

قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی ۹۳

دو نوع همیشه محدود - موضوع دعوت است اما در گزارش اصلاحی محدود بود و دعوت نیست  
سازش مخصوص به دعوی مطروحه بوده یا شامل دعاوی با امور دیگری باشد.  
ماده ۱۸۵ - هرگاه سازش محقق نشود، تعهدات و گذشت‌هایی که طرفین هنگام تراضی به سازش به عمل آورده‌اند لازم‌الرعایه نیست.

**مبحث دوم - درخواست سازش**

حقوقه  
در حال حاضر دادگاه می‌تواند  
سازش را به صورت اجبار کند

ماده ۱۸۶ - هرکس می‌تواند در مورد هر ادعایی از دادگاه **نخستین** به‌طور کتبی درخواست نماید که طرف او را برای سازش دعوت کند.

ماده ۱۸۷ - ترتیب دعوت برای سازش همان است که برای احضار خوانده مقرر است ولی در دعوت‌نامه باید قید گردد که طرف برای سازش به دادگاه دعوت می‌شود.

**نکته:** همیشه با درازت  
تکلیف محل اقامت خوانده

ماده ۱۸۸ - بعد از حضور طرفین، دادگاه اظهارات آنان را استماع نموده تکلیف به سازش و سعی در انجام آن می‌نماید. در صورت عدم موفقیت به سازش تحقیقات و عدم موفقیت را در صورت مجلس نوشته به امضای طرفین می‌رساند. هرگاه یکی از طرفین یا هر دو طرف نخواهند امضا کنند، دادگاه مراتب را در صورت مجلس قید می‌کند.

است حتی راجع به حال غیر بقول  
باشد

ماده ۱۸۹ - در صورتی که دادگاه احراز نماید طرفین حاضر به سازش نیستند آنان را برای طرح دعوا ارشاد خواهد کرد.

ماده ۱۹۰ - هرگاه بعد از ابلاغ دعوت‌نامه، طرف حاضر نشد یا به‌طور کتبی پاسخ دهد که حاضر به سازش نیست، دادگاه مراتب را در صورت مجلس قید کرده و به درخواست‌کننده سازش برای اقدام قانونی اعلام می‌نماید.

ماده ۱۹۱ - هرگاه طرف بعد از ابلاغ دعوت‌نامه حاضر شده و پس از آن استکفاف از سازش نماید، برابر ماده بالا عمل خواهد شد.

سازش  
اعتبار امر محکوم ندارد

**ماده ۱۹۲** - استکفاف طرف از حضور در دادگاه یا عدم قبول سازش بعد از حضور در هر حال مانع نمی‌شود که طرفین بار دیگر از همین دادگاه یا دادگاه دیگر خواستار سازش شوند.

اما همواره باید از دادگاه محل اقامت خوانده باشد

ماده ۱۹۳ - در صورت حصول سازش بین طرفین برابر مقررات مربوط به سازش در دادگاه عمل خواهد شد.

تبصره - درخواست سازش با پرداخت هزینه دادرسی دعوی غیرمالی و بدون تشریفات مطرح و مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

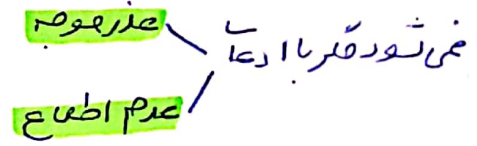
**نکته:**

رای عیابی چه ابلاخ واقعی شود چه ابلاخ قانونی بودن از انقضای واخواهی و بجهت تفریق

باجرائه اشته من شود ، فرق ابلاخ واقعی شدن رای و ابلاخ قانونی شدن رای در ادعا عدم

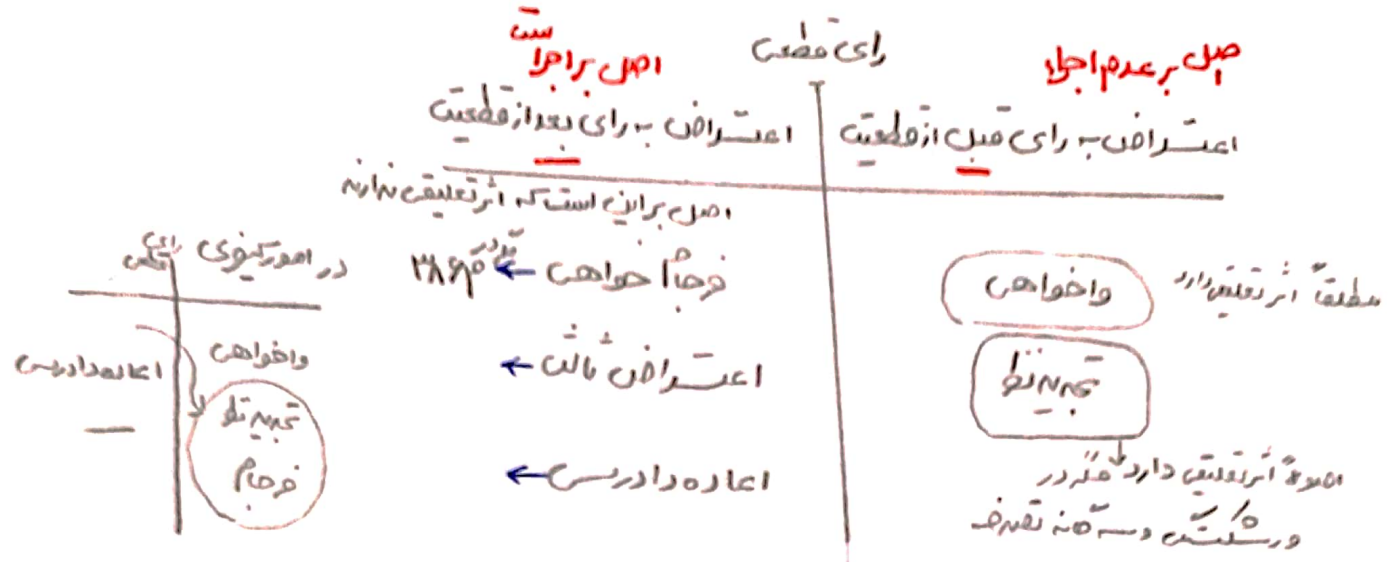
اطلاع است ب این معنی که اگر رای عیابی ابلاخ واقعی شود بعد از کاره کثیر واخواهی پذیرفته نمی شود

فکر با ادعا منزهوم اما اگر رای عیابی ابلاخ قانونی شود بعد از کاره کثیر واخواهی پذیرفته









خارج از مهلت (با عدم اطلاع)	در مهلت	قرار قبولی
قرار قبولی یا رد	X	واخواهی
~ "	X	تجسس
~ "	X	فراجا
~ "	X	اعتراف ثالث
~ "	✓	اعاده دادرسی

\* همه اعتراف و اگر در مهلت باشند قرار قبولی نمیخواهند مگر اعاده دادرسی اما واقع به همه شان اگر خارج از مهلت باشند داداً باید قرار قبولی یا رد صادر کند.

نکته: واخواهی اگر در مهلت باشد صورت بگیرد مطلقاً اثر تعلیق دارد اما بعد از آن اثر ندارد.  
 اما عدم اطلاع و عدم موضوع صورت بگیرد بعد از مهلت و قرار قبولی واخواهی اثر تعلیق دارد.

درخواست تامين خواسته ← دادگاه رسيدگي كنده به امين دعوا  
" تامين دليل ← دادگاهي كه حال رجوعيه مي آن است  
" دادرس فوري (دستور موقت) ← " " " " " "

\* كليه \* هميشه دادگاهي كه حال در آن است صالح مي باشد اما درخواست تامين خواسته  
استثنائاً در دادگاه رسيدگي كنده به امين دعوا مي رود

\* تامين خواسته فقط توقيف حال است اما دستور موقت مي تواند توقيف حال <sup>①</sup> - الزام به انجام عمل <sup>②</sup> \*  
يا الزام به ترك عمل باشد. (هم تامين خواسته مي تواند دائر بر توقيف حال باشد هم دستور موقت اما  
اگر فوري داشته باشد دستور موقت اگر فوري نداشته باشد تامين خواسته)

وَحْي	كَيْفِيَّة	اعْتِرَاف	
X	X	<input checked="" type="checkbox"/> (فقط صند)	قَارِبًا - خَوَاصَّةً
X	X	X	رَدًّا مَبِينًا حَوَاصَّةً
X	<input checked="" type="checkbox"/> مَعَهُ مَرَاهِدَعُوْا اصْلِي	X	تَبَوُّك وَأَزْرَدَتُوهُمُ
X	<input checked="" type="checkbox"/> مَعَهُ مَرَاهِدَعُوْا اصْلِي	X	رَدًّا مَبِينًا حَوَاصَّةً

به عقیده دکتر نفس موضوع دستور موقت باید از موضوع خود خواسته متفاوت باشد در غیر این صورت خواسته در اختیار خواهان قرار می‌گیرد که این امر با فلسفه دستور موقت منافات دارد.  
 ۱۲۶ مشاهیر دادآفرین

منظور اثبات دعوی خود به دادگاه صالح مراجعه و دادخواست خود را تقدیم و گواهی آن را به دادگاهی که دستور موقت صادر کرده تسلیم نماید. در غیر این صورت دادگاه صادرکننده دستور موقت به درخواست طرف، از آن رفع اثر خواهد کرد.

**ماده ۳۱۹** دادگاه **مکلف** است برای جبران خسارت احتمالی که از دستور موقت حاصل می‌شود از خواهان تأمین مناسبی اخذ نماید. در این صورت صدور دستور موقت منوط به سپردن تأمین می‌باشد.

نکته: فقط در این خواسته  
 پیراخته خسارت احتمالی  
 حتماً باید وجه تفرقه باشد  
 (فقط همین)  
 هم جا باید خسارت احتمالی  
 ادرت این خواسته نیاز نبود در اینجا

**ماده ۳۲۰** دستور موقت پس از ابلاغ قابل اجراست و نظر به **فوریت کار** دادگاه می‌تواند مقرر دارد که قبل از ابلاغ اجرا شود. در این صورت **پسین اجراء کنیم**.  
**ماده ۳۲۱** در صورتی که طرف دعوا تأمینی بدهد که متناسب با موضوع دستور موقت باشد، دادگاه **در صورت مصلحت** از دستور موقت رفع اثر خواهد نمود.

۳۳

**ماده ۳۲۲** هرگاه جهتی که موجب دستور موقت شده است مرتفع شود، دادگاه صادرکننده دستور موقت آن را لغو می‌نماید و اگر اصل دعوا در دادگاه مطرح باشد، دادگاه رسیدگی کننده، دستور را لغو خواهد نمود. هر چند در این مورد **اصلاً در کمره باشد**.

صده و دستور موقت بار ادعا است که مال  
 اراضع با ادعا است که به دعوا  
 رسیدگی نیست

**ماده ۳۲۳** در صورتی که برابر ماده (۳۱۸) اقامه دعوا نشود و یا در صورت اقامه دعوا، ادعای خواهان رد شود، متقاضی دستور موقت به جبران خساراتی که طرف دعوا در اجرای دستور متحمل شده است محکوم خواهد شد.

**ماده ۳۲۴** در خصوص تأمین اخذ شده از متقاضی دستور موقت یا رفع اثر از آن، چنانچه ظرف **یک ماه** از تاریخ ابلاغ **رای قطعی**، برای مطالبه خسارت طرح دعوا نشود، به دستور دادگاه، از مال مورد تأمین رفع توقیف خواهد شد.

نکته: تفاوت با این خواسته

در این مورد برای صدور دستور موقت خسارت احتمالی نمی‌دهیم  
 دعوی در باره تصرف عدوانی  
 در دیوان عدالت اداری

هم در خواسته بدهیم هم هزینه دادرس فقط فرستیم این که حال در باره

\* در اینجا برای صدور دستور موقت خسارت احتمالی نمی‌دهیم

ماده ۳۲۵- قبول یا رد درخواست دستور موقت مستقلاً قابل اعتراض و تجدیدنظر و فرجام نیست. لکن متقاضی می تواند ضمن تقاضای تجدیدنظر به اصل رأی نسبت به آن نیز اعتراض و درخواست رسیدگی نماید. ولی در هر حال رد یا قبول درخواست دستور موقت قابل رسیدگی فرجامی نیست.

تبصره ۱- اجرای دستور موقت مستلزم تأیید رییس حوزه قضایی می باشد. اجرای تأمین خواسته، تأمین رییس حوزه قضایی  
تبصره ۲- درخواست صدور دستور موقت مستلزم پرداخت هزینه دادرسی معادل دعاوی غیرمالی است.

### دستور موقت

توصیف حال - الزام به عمل - منع از عمل

فوریت شرط است

از دادگاه موضوع دستور موقت در حوزه ال است

طرفین اخصاری نمونه

دری تواند نقد یا غیر نقد باشد

مدت آقام دعوا ۲۰ روزه

مدت استفاده از خسارت یک ماه

استفاده از خسارت نیاز به درخواست دارد

تأمین رییس حوزه قضایی لازم دارد

قابل اعتراض نمی باشد

به همراه اصل دعوا قابل تجدیدخواسته است

### تفاوت تأمین خواسته

دایر بر فقط توصیف حال

در تأمین خواسته فوریت شرط نیست

از دادگاه رسیدگی کننده به اهل دعوا

برای رسیدگی طرفین اخصاری نمونه

خسارت احتمالی باید نقد باشد

مدت آقام دعوا پس از تأمین خواسته ۲۰ روزه

مدت استفاده از خسارت احتمالی ۲۰ روزه

استفاده از خسارت احتمالی نیاز به درخواست و جود دارد

اجرای نیاز به تأمین کسی ندارد

قاری قابل اعتراض است

به همراه اصل دعوا قابل تجدیدخواسته نیست

۱. بند ۱۳ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین (اصلاحی ۱۳۹۳): هزینه دادرسی در دعاوی غیرمالی و درخواست تأمین دلیل و تأمین خواسته در کلیه مراجع قضائی بسته نوع دعوا از دویست هزار (۲۰۰/۰۰۰) ریال تا یک میلیون (۱/۰۰۰/۰۰۰) ریال تعیین گردیده است.

در صورتی که طرفین کتاباً حق تجرید تلوی و وجهاً خواهی خود را اسقاط نموده باشند کدام ترتیب صحیح است؟

الف) مطلقاً قابل تجرید تلوی و وجهاً نیست

ب) قابل تجرید تلوی نسبتاً مگر با رعایت عدم صلاحیت قاضی یا دارگاه

ج) مطلقاً قابل وجهاً نیست

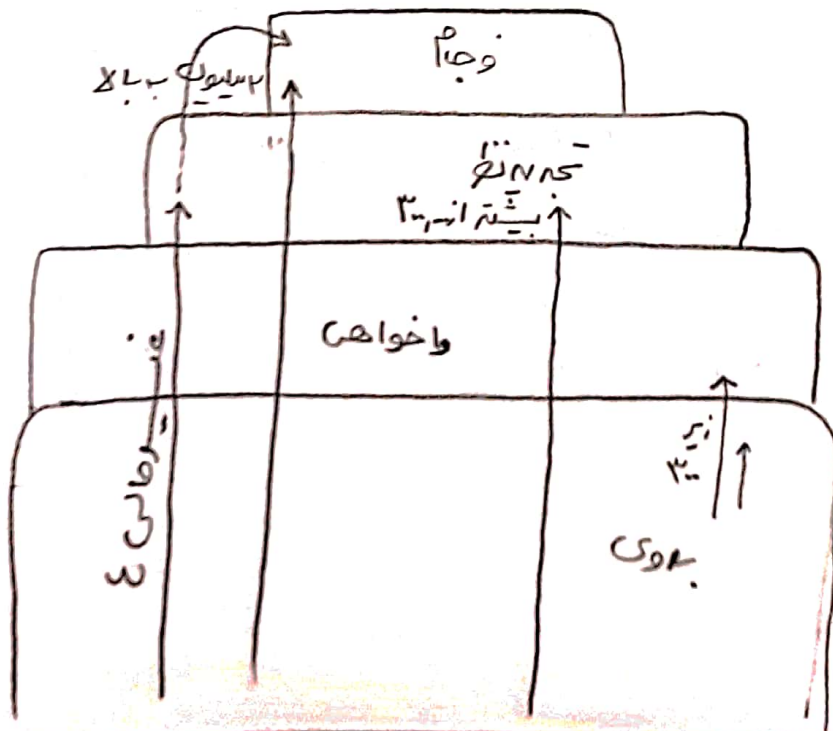
د) قابل وجهاً نیست مگر با رعایت عدم صلاحیت دارگاه یا قاضی - مطلقاً قابل تجرید تلوی نیست

\* اگر حق وجهاً را اسقاط کنیم مطلقاً قابل وجهاً نیست حتی

با رعایت عدم صلاحیت قاضی یا دارگاه!

$\frac{369}{م}$

با آرای قابل وجهاً، بفری قابل تجرید تلوی بودن

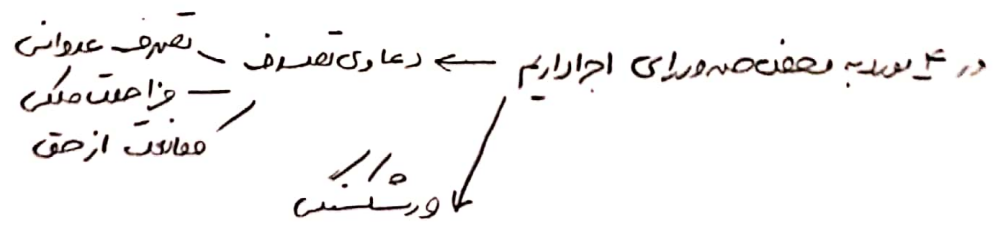


**تعلیق 3**

مخمس نبودن محقق و افاضه فوجا خواه	مخمس نبودن محقق و افاضه تجوخواه	مخمس نبودن محقق و افاضه خواه
۳۸۴ م قاضی بدوی قاضی دارط / تجویز	۳۴۴ م قاضی بدوی	۵۶ م میر دستر
پس از انقضای مهلت فوجا خواه	پس از انقضای مهلت تجویز خواهی	ظرف لاغر
قارردار خواست فوجا	قارردار خواست تجویز	قارردار خواست (ترباطی)
ظرف لاغر قابل اعتراف در دیوان	ظرف حاضر قابل اعتراف در تجویز (از تاریخ الصاق ب دیوار دارط مهلت اعتبار منقطع نشود)	غیر قابل اعتراف

**؟ در کدام یک از دعوی بر تجویز خواهی اثر تعلیق دارد ؟**

الف) تصرف عدوانی      ب) مزاحمت ملک      ج) معاقبت از حق      د) خلج بی ✓



**نکته:** در دعوی هم تجویز خواهی مانع اقرار حکم نمی باشد **قرارداد قرار تا خید اجراء دارند**

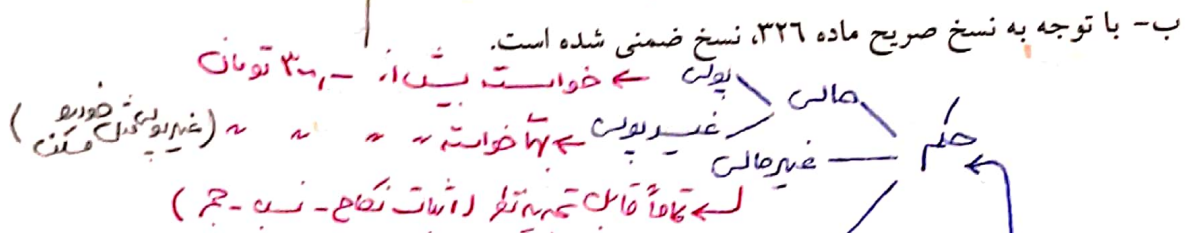


**نکته:** طبق ماده ۲۷ قانون امور عدلیه در این مورد قابل تجدیدنظر و مرجع نیست  
مگر قانون تقاضای تجدیدنظر

قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی ۱۳۳

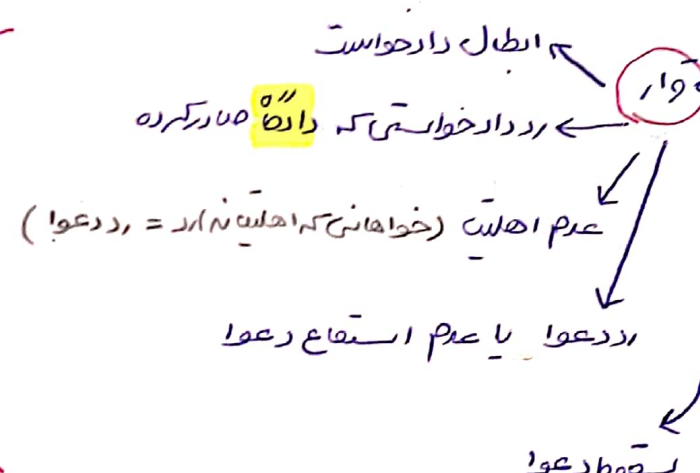
ماده ۳۳۴- مرجع تجدیدنظر آرای دادگاههای عمومی و انقلاب هر حوزه‌ای، دادگاه تجدیدنظر مرکز همان استان می‌باشد.

ماده ۳۳۵- اشخاص زیر حق درخواست تجدیدنظر دارند:  
الف- طرفین دعوا یا وکلا و یا نمایندگان قانونی آنها.  
ب- با توجه به نسخ صریح ماده ۳۲۶، نسخ ضمنی شده است.



۳۷۱ - ۳۷۲ - ۳۷۳ - ۳۷۴ - ۳۷۵ - ۳۷۶ - ۳۷۷ - ۳۷۸ - ۳۷۹ - ۳۸۰ - ۳۸۱ - ۳۸۲ - ۳۸۳ - ۳۸۴ - ۳۸۵ - ۳۸۶ - ۳۸۷ - ۳۸۸ - ۳۸۹ - ۳۹۰ - ۳۹۱ - ۳۹۲ - ۳۹۳ - ۳۹۴ - ۳۹۵ - ۳۹۶ - ۳۹۷ - ۳۹۸ - ۳۹۹ - ۴۰۰

ب شرط آنکه اصل دعوا قابل تجدیدنظر باشد یعنی حال یا غیره



**نکته:** قوا، عدم صلاحیت، قرار اضرار از رسیدگی، قرار تأمین خواسته، قرار تأمین دلیل، قرار تحقیق محل و معاینه محل، قرار کارشناسی قابل تجدیدنظر نیستند.

**نکته:** قرار رد درخواست جلب ثالث و قرار دستور فوقه به همراه اصل دعوا قابل تجدیدنظر است.

**نکته:** طبق رای وحدت رویه دعوی اعسار از مکلوم ۲ و اعسار از هفتاد داریس دعوی غیرحالی

۱. رأی وحدت رویه شماره ۶۱۱ - ۱۳۷۵/۸/۸: ... آرای دادگاههای عمومی که در زمان حکومت قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب اصدار یافته ولو اینکه سابقه رسیدگی و نقض در دیوان عالی کشور داشته باشد با رعایت میزان خواسته قابل تجدیدنظر در دادگاه تجدیدنظر مرکز استان مربوطه می‌باشد... ■

**نکته:** دعوی مقبول اگر کمتر از ۲ میلیون تومان باشد در شورای حل اختلاف مطرح می‌شود و کلاً آرای شورای حل اختلاف قابل تجدیدنظر در دادگاه بدوی است بجز غیر مقبول که در شورای حل اختلاف همان پولی و غیر پولی هستند

الف- در دعاوی مالی ده حواسه یا ارس - -  
متجاوز باشد.

ب- کلیه احکام صادره در دعاوی غیرمالی<sup>۱</sup>.

ج- حکم راجع به متفرعات دعوا در صورتی که حکم راجع به اصل دعوا قابل تجدیدنظر باشد.

تبصره- احکام مستند به اقرار در دادگاه یا مستند به رأی یک یا چند نفر کارشناس که طرفین کتباً رأی آنان را قاطع دعوا قرار داده باشند قابل درخواست تجدید نظر نیست مگر در خصوص صلاحیت دادگاه یا قاضی صادرکننده رأی.

ماده ۳۳۲- قرارهای زیر قابل تجدیدنظر است، در صورتی که حکم راجع به اصل دعوا قابل درخواست تجدیدنظر باشد:

الف- قرار ابطال دادخواست یا رد دادخواست که از دادگاه صادر شود.

ب- قرار رد دعوا یا عدم استماع دعوا.

ج- قرار سقوط دعوا.

د- قرار عدم اهلیت یکی از طرفین دعوا.

ماده ۳۳۳- در صورتی که طرفین دعوا با توافق کتبی حق تجدیدنظرخواهی خود را ساقط کرده باشند تجدیدنظرخواهی آنان مسموع نخواهد بود مگر در خصوص صلاحیت دادگاه یا قاضی صادرکننده رأی.

\* نکته: درگاه صالحی اگر

دعوا، قابل تجدیدنظر باشد

نمی توانیم از آن تجدیدنظرخواهی

کنیم : ۱- حکم مستند به اقرار در دادگاه

۲- اگر حکم مستند به رأی یک یا چند نفر کارشناس باشد

طرفین کتباً قاطع دعوا

وارد شده باشند

۳- طرفین با توافق کتبی حق تجدیدنظرخواهی خود را ساقط کرده باشند

خود را ساقط کرده باشند

۱. رأی وحدت رویه شماره ۶۶۲-۶۶۳/۷/۱۳۸۲: «طبق ماده ۲۶ قانون اعسار مصوب ۱۳۱۳ حکم رد یا قبول اعسار در مورد محکوم به قابل استیناف است و به موجب بند (ب) ماده ۳۳۱ قانون

آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی کلیه احکام صادره در دعاوی غیرمالی قابل درخواست تجدیدنظر می باشد. بنا به مراتب و با توجه به غیرمالی بودن دعوا اعسار رأی

شعبه دوم دادگاه تجدیدنظر استان همدان که دعوا مذکور را قابل تجدیدنظر دانسته مستنداً به ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری به اتفاق آرای اعضا

هیئت عمومی دیوان عالی کشور صحیح و منطبق با قانون تشخیص و تأیید می شود...» ■

صحت / قاضی یا دادگاه

۳ حالت قابل تجدیدنظر نیست مگر با ادعا عدم صلاحیت دادگاه

برای تجزیه نظر

دادخواست ← دفتر تجزیه نظر  
دفتر مدعی ← دفتر زنه ات

خارج از مهلت ← قاضی مدعی واررد درخواست صادر شده  
ناقص ← دفتر دفتر مدعی وار رفع نقص مهلت  
کامل ← دفتر دفتر مدعی یک نسخه از درخواست وضعیت آن را برای  
تجزیه نظر خواننده ارسال مهلت تا ظرف ۱۰ روز پاسخ دهد

نقص رفع نقص مهلت  
۳۳۹ ماده ۲  
قابل اعتراض ظرف ۱۵ روز در کمیته

طرف رسیدن تجزیه نظر

اندر دایره رابطه صلاحیت  
ذاتی  
مصلحت  
تجهیز دهه

حکم انقض و پرونده را با دایره صالح ارسال می کند

اگر تحقیقات ناقص باشد ← لا خود رفع نقص می کند یا برای رفع نقص به دایره مدعی خود قانوق حکم می دهد

اگر قرار انقض کند ← آن را با دایره صادر کننده قرار ارسال تا وارد فعالیت شود و حکم صادر کند

نقص حکم سایر دلایل ← خود دایره تجزیه نظر رسیدگی و رای صادر می کند

اگر حکم یا قرار مطابق قانون تعیین دهه ← آن را با این وجه دایره مدعی ارسال می کند

اگر در باره رد درخواست  
حکم ثالث فقط خودش  
رسیدگی میکند و با دایره مدعی  
عنیم است و این است

بقرار  
←  
با نظر  
به رایج  
دهه  
پرونده جهت رسیدگی  
به تجزیه نظر ارسال می شود

مهلت مقرر بوده رسیدگی و در صورت وجود عذر موجه نسبت به پذیرش دادخواست تجدید نظر اتخاذ تصمیم می‌نماید. و ارجحاً قبول یا رد تبصره - جهات عذر موجه همان موارد مذکور در ذیل ماده (۳۰۶) می‌باشد.

ماده ۳۴۱ - در دادخواست باید نکات زیر قید شود:

۱- نام و نام خانوادگی و اقامتگاه<sup>۱</sup> و سایر مشخصات تجدیدنظرخواه و وکیل او در صورتی که دادخواست را وکیل داده باشد.

- ۲- نام و نام خانوادگی، اقامتگاه و سایر مشخصات تجدیدنظرخوانده.
- ۳- حکم یا قراری که از آن درخواست تجدیدنظر شده است.
- ۴- دادگاه صادرکننده رای.
- ۵- تاریخ ابلاغ رای.
- ۶- دلایل تجدیدنظرخواهی. (دلیل و جهات)

ماده ۳۴۲ - هرگاه دادخواست‌دهنده عنوان قیمومت یا ولایت یا وصایت یا وکالت یا مدیریت شرکت و امثال آن را داشته باشد، باید رونوشت یا تصویر سندی را که مثبت سبب او می‌باشد، پیوست دادخواست نماید.

ماده ۳۴۳ - دادخواست و برگ‌های پیوست آن باید در دو نسخه و در صورت متعدد بودن طرف به تعداد آنها به علاوه یک نسخه باشد.

ماده ۳۴۴ - اگر مشخصات تجدیدنظرخواه در دادخواست معین نشده و معلوم نباشد که دادخواست‌دهنده چه کسی می‌باشد یا اقامتگاه او معلوم نباشد و قبل از انقضای مهلت، دادخواست تکمیل یا تجدید نشود، پس از انقضای مهلت، دادخواست یادشده به موجب قرار دادگاهی که دادخواست را دریافت نموده رد می‌گردد. این قرار نسبت به اصحاب دعوا ظرف ده روز از تاریخ الصاق به

اگر این موارد نباشد  
(ماده ۳۴۴) پس  
از انقضای مهلت تجدیدنظر  
درخواست را رد می‌کنیم

واظراً رفع نقص نمی‌دهیم اما  
در موارد ۹۵۲ رفع نقص می‌دهیم.

۱. رأی وحدت رویه شماره ۲۳-۱۳۶۰/۴/۶: «مستنبط از مقررات مواد ۴۹۱، ۴۹۶، ۵۳۱ و ۵۳۴ اصلاحی قانون (قدیم) آیین دادرسی مدنی (به ترتیب مواد ۳۴۱، ۳۴۵، ۳۸۰ و ۳۸۳ کنونی) این است که قانونگذار سابقه ابلاغ در مرحله بدوی دادرسی را برای ابلاغ دادخواست‌های پژوهشی و فرجامی کافی ندانسته و مقتضی دانسته است که در هر یک از مراحل دادرسی نشانی اقامتگاه طرف دعوا تعیین شود و از همین نظر است که قانونگذار پژوهش‌خواه و فرجام‌خواه را مکلف به تعیین محل اقامت پژوهش‌خوانده و فرجام‌خوانده کرده و عدم انجام این تکلیف را در ظرف مدت معین از موارد صدور قرار رد دادخواست‌های پژوهشی و فرجامی قرار داده است...» ■

مدیر دفتر دادگاه بدوی ظرف دو روز از تاریخ وصول دادخواست، نقایص را به طور  
 مهلت می دهد که نقایص را رفع کند و اگر محتاج به تجدید دادخواست است آن  
 را تجدید نماید، در غیر این صورت برابر تبصره (۲) ماده (۳۳۹) اقدام خواهد شد.

**ماده ۳۴۶-** مدیر دفتر دادگاه بدوی ظرف دو روز از تاریخ وصول دادخواست و  
 ضمایم آن و یا پس از رفع نقص، یک نسخه از دادخواست و پیوست های آن  
 را برای طرف دعوا می فرستد که ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ پاسخ دهد، پس از  
 انقضای مهلت یاد شده اعم از این که پاسخی رسیده یا نرسیده باشد، پرونده را  
 به مرجع تجدیدنظر می فرستد.

**ماده ۳۴۷-** تجدیدنظرخواهی از آرای قابل تجدیدنظر که در قانون احصا  
 گردیده (مانع اجرای حکم خواهد بود) هر چند دادگاه صادرکننده رأی آن را  
 قطعی اعلام نموده باشد مگر در مواردی که طبق قانون استثنا شده باشد.

اشرتعلقه \* در دعاوی کلاسه و فرقه ای که به موجب خواهی اشرتعلقه ندارد  
 و مانع اجرای حکم نیست.

? رای داری به حکم استنادی صادره شور در این صورت رای داری به حکم:  
 الف) قابل تجدیدنظر است مطلقاً  
 ب) قابل تجدیدنظر نیست مطلقاً

ج) قابل تجدیدنظر است مگر با اراضی عدم صلاحیت قاضی یا داری  
 د) قابل تجدیدنظر است مگر با اراضی عدم صلاحیت قاضی به ادله  
 اشرتعلقه است و اشرفین صاحب دعوا  
 و اراضی قابل تجدیدنظر نیست

۱. تبصره - مهلت مقرر در این ماده و ماده (۳۳۶) شامل موارد نقض مذکور در ماده (۳۲۶) نخواهد بود.

## فصل پنجم : جهات تجدیدنظر

ماده ۳۴۸ - جهات درخواست تجدیدنظر به قرار زیر است:

الف - ادعای عدم اعتبار مستندات دادگاه.

ب - ادعای فقدان شرایط قانونی شهادت شهود.

ج - ادعای عدم توجه قاضی به دلایل ابرازی.

د - ادعای عدم صلاحیت قاضی یا دادگاه صادرکننده رای.

ه - ادعای مخالف بودن رأی با موازین شرعی و یا مقررات قانونی.

همیشه نسبت به این ارجاع  
من توانم تجدید نظر خواهری کنم

تبصره - اگر درخواست تجدیدنظر به استناد یکی از جهات مذکور در این ماده

به عمل آمده باشد در صورت وجود جهات دیگر، مرجع تجدیدنظر به آن

جهت هم رسیدگی می نماید. اما در اعاده دادرسی فقط به جهت ذکر شده در این رسیدگی

ماده ۳۴۹ - مرجع تجدیدنظر فقط به آنچه که مورد تجدیدنظرخواهی است و سایر

در مرحله نخستین مورد حکم قرار گرفته رسیدگی می نماید.

جهات صحیح  
رسیدگی  
نم آید

ماده ۳۵۰ - عدم رعایت شرایط قانونی دادخواست و یا عدم رفع نقص آن در

نقص اولی

صحت خصلت مهم

موعد مقرر قانونی در مرحله بدوی، موجب نقض رأی در مرحله تجدیدنظر

نخواهد بود. در این موارد دادگاه تجدیدنظر به دادخواست دهنده بدوی اخطار

می کند که ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ نسبت به رفع نقص اقدام نماید. در

صورت عدم اقدام و همچنین در صورتی که نقص مهم سمت دادخواست دهنده محرز نباشد

این جا ابرافه نقص است

نقض و رد دعوی بدوی  
صدور می

دادگاه رأی صادره را نقض و قرار رد دعوی بدوی را صادر می نماید. که این جهت صحیح

رد دعوی

ماده ۳۵۱ - چنانچه دادگاه تجدیدنظر در رأی بدوی غیر از اشتباهاتی از قبیل

اعداد، ارقام، سهو قلم، مشخصات طرفین و یا از قلم افتادگی در آن قسمت از

خواستی که به اثبات رسیده اشکال دیگری ملاحظه نکند ضمن اصلاح رای، آن

را تأیید خواهد کرد.

ماده ۳۵۲ - هرگاه دادگاه تجدیدنظر، دادگاه بدوی را فاقد صلاحیت محلی یا

ذاتی تشخیص دهد رأی را نقض و پرونده را به مرجع صالح ارسال می دارد.

ماده ۳۵۳ - دادگاه تجدیدنظر در صورتی که قرار مورد شکایت را مطابق با موازین

قانونی تشخیص دهد، آن را تأیید می کند. در غیر این صورت پس از نقض، پرونده

۱؟ دادگاه تجدیدنظر در رسیدگی تجدیدنظر تقاضای تجدید می‌شود که بقیه را خواست دهنده می‌وی  
مقرنسیت و باین وجود رای صادر شده در این صورت تجدیدنظر :

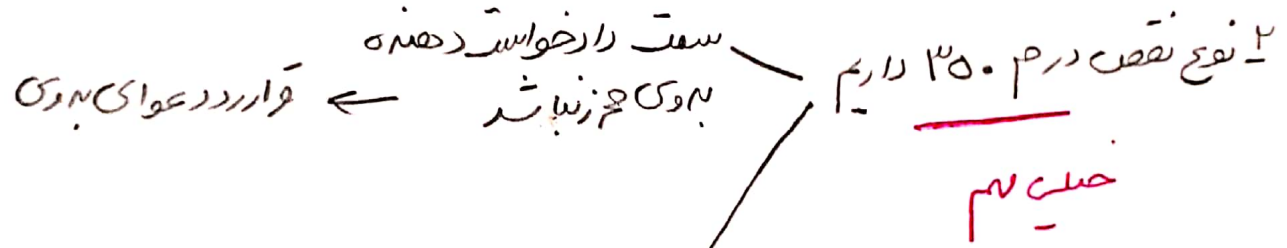
الف) قرار رد دعوی می‌وی صادر می‌کند

ب) " " " " تجدیدنظر صادر می‌کند

ج) خود برای خواهان مرحله می‌وی اخطار رفع نقص ارسال و در صورت عدم رفع نقص  
قرار رد دعوی می‌وی صادر می‌کند

د) پرونده را جهت صدور اخطار رفع نقص به دادگاه می‌وی ارسال می‌کند و در صورت عدم رفع نقص  
در موعد مقرر قرار رد دعوی می‌وی صادر می‌کند

صفت نقصی باشد در می‌وی که موقوف نشود باشد



حلیه م

در صورت عدم رفع نقص

سایر انواع نقص → رفتن دادگاه

دادگاه تجدیدنظر قرار

تجدیدنظر برای

رد دعوی می‌وی

را خواست دهنده اخطار رفع

صادر می‌کند

نقص می‌کند

اه صادرکننده قرار عودت می‌دهد.

محل در دادگاه تجدیدنظر توسط رییس دادگاه یا  
نارن شعبه اجرا می‌شود و چنانچه محل اجرای  
شد دادگاه تجدیدنظر می‌تواند اجرای قرار را از  
ر صورتی که محل اجرای قرار در حوزه قضایی  
قضایی به دادگاه محل، درخواست اجرای قرار  
نه دادگاه تجدیدنظر

دادگاه فقط گواهی گواه یا معاینه محل باشد  
م خواهد شد مگر این که گزارش مورد وثوق

جدیدنظر قرار دادگاه بدوی را در مورد رد یا  
در قرار، موجه نداند ولی به جهات قانونی  
آن را نقض نمی‌کند  
ماع تشخیص دهد، در نهایت قرار صادره را

بدوی رعایت می‌شود در مرحله تجدیدنظر  
ب قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

X حلیه ۳

نکته: اگر دادگاه تجدیدنظر اجرای قرار  
تقصیر یا معاینه محل را در پس از  
تبرها است آن خود لازم نباشد  
دادگاه آن نیز درخواست می‌دهد  
تا آن امر را انجام دهد اما اگر انجام  
تقصیر یا معاینه در شهر  
است آن نیز لازم بود در این  
صورت مستقیماً به دادگاه آن شهر  
(نه دادگاه تجدیدنظر آن استان)  
نهایت می‌دهد.



ماده ۳۶۰- هرگاه در تنظیم و نوشتن رأی دادگاه تجدیدنظر، سهو یا اشتباهی رخ دهد همان دادگاه با رعایت ماده (۳۰۹) آن را اصلاح خواهد کرد.

ماده ۳۶۱- تنظیم دادنامه و ابلاغ آن به ترتیب مقرر در مرحله بدوی می باشد.

ماده ۳۶۲- ادعای جدید در مرحله تجدیدنظر مسموع نخواهد بود ولی موارد خواسته جدید

زیر ادعای جدید محسوب نمی شود: این موارد ادعا جدید نیستند و از ادعای بدوی محسوب می شوند

- ۱- مطالبه قیمت محکوم به که عین آن، موضوع رأی بدوی بوده و یا مطالبه عین مالی که قیمت آن در مرحله بدوی مورد حکم قرار گرفته است.
- ۲- ادعای اجاره بها و مطالبه بقیه اقساط آن و اجرت المثل و دیونی که موعد پرداخت آن در جریان رسیدگی بدوی، رسیده و سایر متفرعات از قبیل ضرر و زیان که در زمان جریان دعوا یا بعد از صدور رأی بدوی به خواسته اصلی تعلق گرفته و مورد حکم واقع نشده یا موعد پرداخت آن بعد از صدور رأی رسیده باشد.

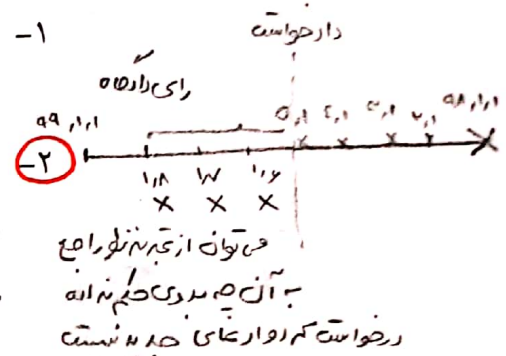
۳- تغییر عنوان خواسته از اجرت المسمی به اجرت المثل یا بالعکس. (مثلاً اجرت المثل را به اجرت المسمی تبدیل کند)

ماده ۳۶۳- چنانچه هریک از طرفین دعوا دادخواست تجدیدنظر خود را مسترد بخواهد نمایند، مرجع تجدیدنظر، قرار ابطال دادخواست تجدیدنظر را صادر می نماید.

ماده ۳۶۴- در مواردی که رأی دادگاه تجدیدنظر مبنی بر محکومیت خوانده باشد و خوانده یا وکیل او در هیچ یک از مراحل دادرسی حاضر نبوده و لایحه دفاعیه و یا اعتراضیه ای هم نداده باشند رأی دادگاه تجدیدنظر ظرف مدت بیست روز پس از ابلاغ واقعی به محکوم علیه یا وکیل او قابل اعتراض و درخواست تجدیدنظر است.

ماده ۳۶۵- آرای صادره در مرحله تجدیدنظر جز در موارد مقرر در ماده (۳۲۶) قطعی می باشد.

ادعای جدید بدوی محسوب نمی شود  
ادعای جدید بدوی محسوب نمی شود  
است

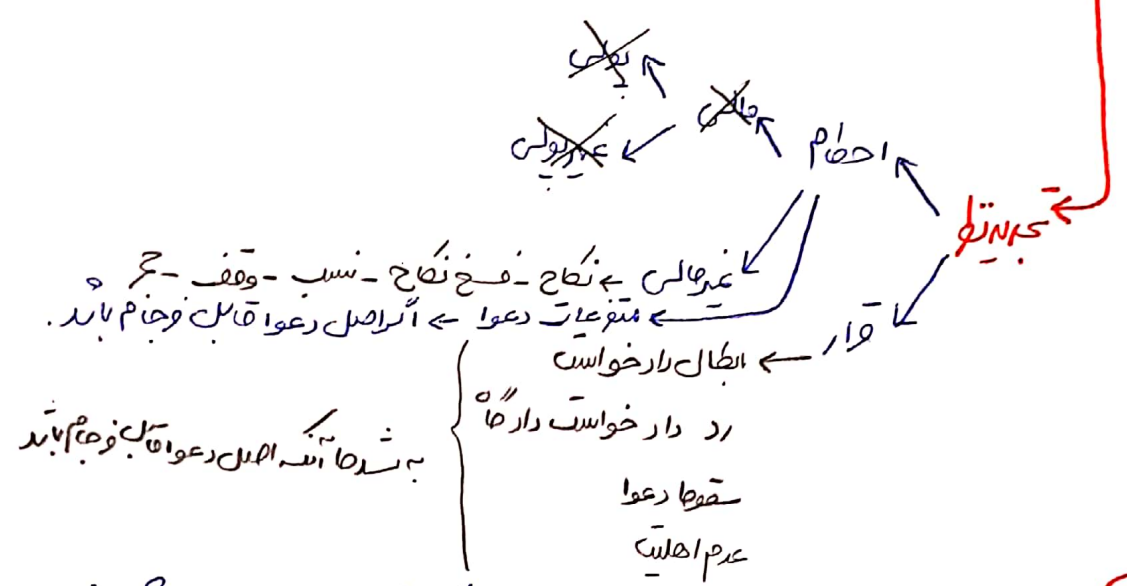
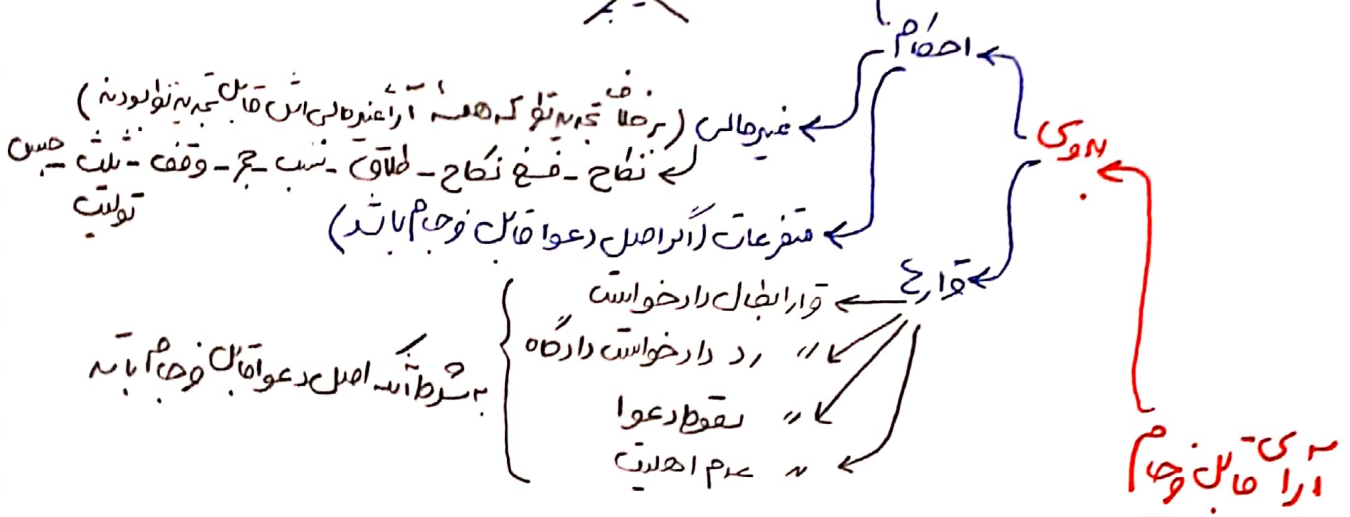


استرداد در تجدیدنظر  
مردود قرار ابطال دادخواست  
توسط خور حکم بدوی

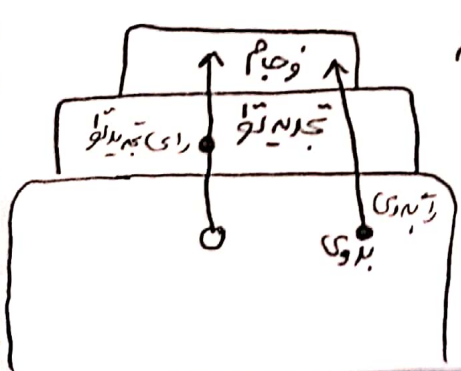
رای تجدیدنظر قبول نمی شود  
رای غیاب است  
خوانده حاضر نمی شود  
رای بدوی با نفع خوانده  
خوانده نیار  
لازم هم نیست

در حکم بدوی با ابلاغ واقعی نهم نیست که خوانده نیار لازم نیست برای واخواهی

← پولى ← بين از ۱۰ ميليون تومان  
 ← ~~عبدالولى~~



**نکته:** اگر از دعوی عالی تجدید نظر خواهی کنیم رای دارا تجدید نظر محسوب می شود و آرای عالی تجدید نظر قابل وجہ نیستند پس برای استیفاء از آرای عالی، وجہ خواهی کنیم بنام از آرای تجدید نظر خواهی کنیم و آنرا از احکام راجح ثبت، حسن و تولیت تجدید نظر خواهی کنیم رای دارا تجدید نظر محسوب می شود و آرای تجدید نظر در باب ثبت، حسن و تولیت قابل وجہ نیستند



\* اگر از حسن و ثبت و تولیت تجدید نظر خواهی کنیم رای دارا تجدید نظر محسوب می شود و آرای تجدید نظر در باب ثبت، حسن و تولیت قابل وجہ نیستند

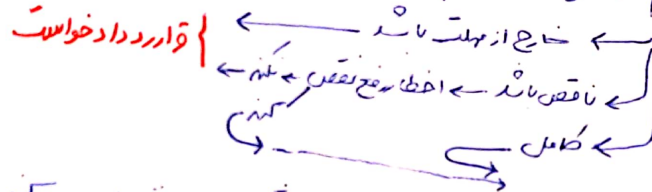
\* اگر از احکام عالی پولى بدوی تجدید نظر خواهی کنیم رای دارا تجدید نظر محسوب می شود و آرای تجدید نظر در باب ثبت، حسن و تولیت قابل وجہ نیستند



**برای فرجه خواهی**

دارا خواست

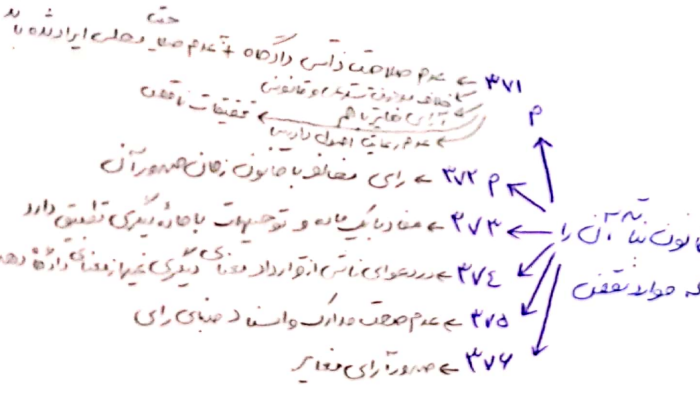
بررسی منگنه و



دارا نسخه ای از دادخواست  
 ← را برای طرف ارسال منگنه  
 تا طرف ۲۰ روز پاسخ دهد بعد از  
 ۲۰ روز پاسخ دهد نه  
 پرونده فرج می باشد همراه پرونده اصلی  
 به دیوان ارسال می شود

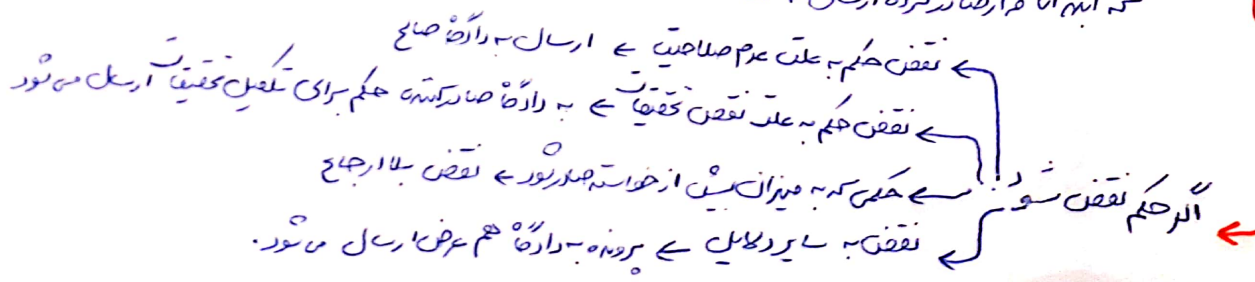
توسط این شعبه بانی  
 از متاراج از پرونده  
 گزارش تهیه و برای  
 بعد قرائت می شود و پس  
 به این شرح اقدام  
 رسیدگی می کند

اگر ابطال قانون باشد ← **آزاد ابرام** و به تبع صادر کننده اعاد می کند



اگر قرار تقصیر نورد ← جهت رسیدگی به دارا  
 که اینها آثار صادر کرده ارسال می شود

اتمام این از  
 تقصیر



**نکته:** در صورت صدور رای معارض در خصوص یک موضوع

اگر در رای معارض از <sup>تعلق</sup> تبعه صادر شده باشد موضوع  
از سواری فرجم و اگر در رای از یک تبعه صادر شده باشد

موضوع از سواری اعاده دادرسی است. (م ۳۷۶ و مورد ۴ م ۳۷۱)

**؟ دیوان چه اقدامی انجام میدهد؟** حسن رویه و

روسی رونقش میدهد و عیار اولی رو هم بررسی میکند

اگر اولی مطابق قانون باشد باید می‌کنه اما اگر مخالف

قانون باشد آن را نقض می‌کنه و پرونده به تبعه دیگری برای

صدور رای ارجاع می‌نور (م ۴۰۶ دارا مرجوع الیه اگر امه امی

را لازم می‌انند چون تعیین وقت رسیدگی می‌کنه و ...)

**در اعاده دادرسی چه می‌کنند؟** چنانچه در پیوند و رای دوم را احصا

نقش می‌کنند و رای اول لازم الاجاست.

**یادآوری:** در آیین دادرسی کیفری م ۳۷۵ و آرای معارض در یک موضوع مساوی فوق

در خصوص از جهات اعاده دادرسی (یاد دیوان) است و چون از برای  
که مطابق قانون باشد یا م ۳۷۱ رای اول یا دوم) و رای دیگر نقض می‌نور.

به رأی فرجام‌خواسته، به دیوان‌عالی کشور می‌فرستد.

**ماده ۳۸۶** درخواست فرجام، اجرای حکم را تا زمانی که حکم نقض نشده است به تأخیر نمی‌اندازد و لکن به ترتیب زیر عمل می‌گردد:

صلح ۳۷ \*

الف- چنانچه محکوم به مالی باشد، در صورت لزوم به تشخیص دادگاه قبل از اجرا از محکوم‌له تأمین مناسب اخذ خواهد شد. در حالی که تأخیر نمی‌اندازد

ب- چنانچه محکوم‌به غیرمالی باشد و به تشخیص دادگاه صادرکننده حکم، محکوم‌علیه تأمین مناسب بدهد اجرای حکم تا صدور رأی فرجامی به تأخیر خواهد افتاد.

عدم اصل بر عدم اجراست

**ماده ۳۸۷** - هرگاه از رأی قابل فرجام در مهلت مقرر قانونی فرجام‌خواهی نشده، یا به هر علتی در آن موارد قرار رد دادخواست فرجامی صادر و قطعی شده باشد و ذی‌نفع<sup>۱</sup> مدعی خلاف شرع یا قانون بودن آن رأی باشد، می‌تواند از طریق دادستان کل کشور تقاضای رسیدگی فرجامی بنماید. تقاضای یادشده مستلزم تقدیم دادخواست و پرداخت هزینه دادرسی فرجامی است.

نفع ضمنی  
با کیفیتی

تبصره- مهلت تقدیم دادخواست یک‌ماه حسب مورد از تاریخ انقضای مهلت فرجام‌خواهی یا قطعی شدن قرار رد دادخواست فرجامی یا ابلاغ رأی دیوان عالی کشور در خصوص تأیید قرار رد دادخواست فرجامی می‌باشد.

**ماده ۳۸۸** - دفتر دادستان کل کشور دادخواست رسیدگی فرجامی را دریافت و در صورت تکمیل بودن آن از جهت ضمایم و مستندات و هزینه دادرسی

نفع ضمنی

نکته: اگر رای دیوان عالی کشور در رأی دیوان عالی کشور باشد تا قبل از آن که از آن حکم نهی خواص شده باشد خود دیوان آن را اصلاح و اگر حکم نهی شده باشد خود حکم نهی آن را اصلاح می کند  
قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی ۱۵۱ و اسرای حکم نهی دیوان عالی کشور

### مبحث ششم - اقدامات پس از نقض

با صدور اسباب از فرجام خواهی

اصلاح آن با دادگاه حکم نهی

و بعد از فرجام خواهی اصلاح آن

با دیوان عالی کشور است.

اسرای دیوان عالی کشور

در رأی دیوان عالی کشور

دیوان آن را اصلاح می کند

(مورد ۳۰۹ و ۳۶۰ و تبصره ۴۳)

ماده ۴۰۱- پس از نقض رأی دادگاه در دیوان عالی کشور، رسیدگی مجدد به دادگاهی که به شرح زیر تعیین می گردد ارجاع می شود و دادگاه مرجوع الیه مکلف به رسیدگی می باشد:

الف- اگر رأی منقوض به صورت قرار بوده و یا حکمی باشد که به علت نقص تحقیقات نقض شده است، رسیدگی مجدد به دادگاه صادرکننده آن ارجاع می شود.

ب- اگر رأی به علت عدم صلاحیت دادگاه نقض شده باشد، به دادگاهی که دیوان عالی کشور صالح بداند ارجاع می گردد.

ج- در سایر موارد نقض، پرونده به شعبه دیگر از همان حوزه دادگاه که رأی منقوض را صادر نموده ارجاع می شود و اگر آن حوزه بیش از یک شعبه دادگاه نداشته باشد به نزدیک ترین دادگاه حوزه دیگر ارجاع می شود.

ماده ۴۰۲- در صورت نقض رأی به علت نقص تحقیقات، دیوان عالی کشور مکلف است نواقص را به صورت یکجا و مشروح ذکر نماید.

ماده ۴۰۳- اگر رأی مورد درخواست فرجام از نظر احتساب محکوم به یا خسارات یا مشخصات طرفین دعوا و نظیر آن متضمن اشتباهی باشد که به

اساس رأی لطمه وارد نکند، دیوان عالی کشور آن را اصلاح و رأی را ابرام

می نماید (همچنین اگر رأی دادگاه به صورت حکم صادر شود ولی از حیث

استدلال و نتیجه منطبق با قرار بوده و متضمن اشکال دیگری نباشد، دیوان

عالی کشور آن را قرار تلقی و تأیید می نماید) و نیز آن قسمت از رأی دادگاه که

خارج از خواسته خواهان صادر شده باشد، نقض بلا ارجاع خواهد شد.

تبصره- هرگاه سهو یا اشتباه یاد شده در این ماده در رأی فرجامی واقع شود، تصحیح آن با دیوان عالی کشور خواهد بود.

ماده ۴۰۴- رأی فرجامی دیوان عالی کشور نمی تواند مورد استفاده غیر طرفین

فرجام خواهی قرار گیرد، مگر در مواردی که رأی یادشده قابل تجزیه و تفکیک

نباشد که در این صورت نسبت به اشخاص دیگر هم که مشمول رأی فرجام

خواسته بوده و درخواست فرجام نکرده اند، تسری خواهد داشت.

سوال  
مید

ماده ۴۰۵- دادگاه مرجوع‌الیه به شرح زیر اقدام می‌نماید:

الف- در صورت نقض حکم به علت نقص تحقیقات، تحقیقات مورد نظر دیوان عالی کشور را انجام داده، سپس با در نظر گرفتن آن مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

ب- در صورت نقض قرار، دادگاه مکلف است برابر رأی دیوان عالی کشور به دعوا رسیدگی کند مگر اینکه بعد از نقض، سبب تازه‌ای برای امتناع از رسیدگی به ماهیت دعوا حادث گردد. در این خصوص چنانچه قرار منقوض ابتدائاً در مرحله تجدیدنظر صادر شده باشد، به دادگاه صادر کننده قرار ارجاع می‌شود و اگر در تأیید قرار دادگاه بدوی بوده، پرونده برای رسیدگی به همان دادگاه بدوی ارجاع می‌گردد.

حکمی اولین بار صادر  
کر

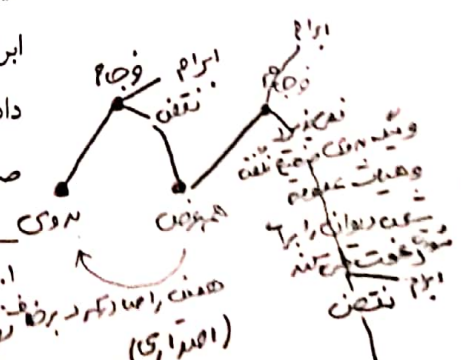
ماده ۴۰۶- در مورد ماده قبل و سایر موارد نقض حکم، دادگاه مرجوع‌الیه با لحاظ رأی دیوان عالی کشور و مندرجات پرونده، اگر اقدام دیگری را لازم نداند، بدون تعیین وقت، رسیدگی کرده و مبادرت به انشای رأی می‌نماید والا با تعیین وقت و دعوت از طرفین، اقدام لازم را معمول و انشای رأی خواهد نمود.

ماده ۴۰۷- هرگاه یکی از دو رأی صادره که مغایر با یکدیگر شناخته شده، مقتضای اول است → موافق قانون بوده و دیگری نقض شده باشد، رأی معتبر لازم‌الاجرا می‌باشد و چنانچه هر دو رأی نقض شود برابر ماده قبل (ماده ۴۰۶) اقدام خواهد شد.

سوال ۹۷

ماده ۴۰۸- در صورتی که پس از نقض حکم فرجام خواسته در دیوان عالی کشور دادگاه با ذکر استدلال طبق رأی اولیه اقدام به صدور رأی اصراری نماید و این رأی مورد درخواست رسیدگی فرجامی واقع شود، شعبه دیوان عالی کشور در صورت پذیرش استدلال، رأی دادگاه را ابرام، در غیر این صورت پرونده در هیئت عمومی شعب حقوقی مطرح و چنانچه نظر شعبه دیوان عالی کشور مورد ابرام قرار گرفت حکم صادره نقض و پرونده به شعبه دیگری ارجاع خواهد شد. دادگاه مرجوع‌الیه طبق استدلال هیئت عمومی دیوان عالی کشور حکم مقتضی صادر می‌نماید. این حکم ~~فرضاً منکر در حکم قطعی می‌باشد.~~

مثل سبوی  
گفته شده  
بجز همین  
کلمه



۱. ماده ۳۲۶ صریحاً نسخ شده است.

هم عرض ریند و طبق توهمات عمومی را می‌دهد که قطعی است

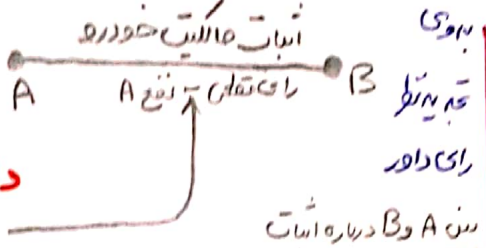


ضمانه در اعتراض ثالث محکوم له و محکوم علیه حکم بدو می‌باشد

**فصل دوم: اعتراض شخص ثالث** (همان ورثه است اما بعد از رای قطعی)

ماده ۴۱۷- اگر در خصوص دعوایی، <sup>صاحب دعوی</sup> رأی صادر شود که به حقوق شخص ثالث خللی وارد آورد و آن شخص یا نماینده او در دادرسی که منتهی به رأی شده است به عنوان اصحاب دعوا دخالت نداشته باشد، می‌تواند نسبت به آن رأی اعتراض نماید.

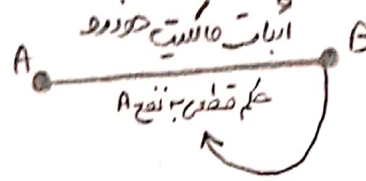
**اعتراض ثالث**



صلی

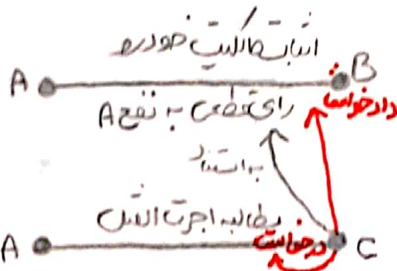
دادخواست علیه A و B

**اعاره دادرسی**



صلی

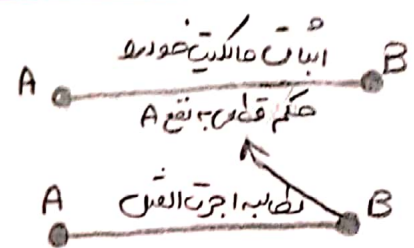
این A و B درباره ایات صلایت خودرو حکم قطعی به نفع A صادر شد که C از بزرگ میارد به این حکم اعتراض می‌کند و این خودرو مال من و علیه A و B دعا می‌کند



طاری

تفاوتی که یک دادگاه می‌تواند

بین A و B یک دعوا مطرح شد که حکم قطعی به نفع A صادر شد و A فهمید که این خودرو مال من است و C بود می‌باید استناد حکم قطعی مطالبه اجرت الفسخ از C می‌کند و C می‌داند که حکم قطعی به نفع A صادر شده اعتراض می‌کند که می‌تواند این دادگاه را به اول حکم بدو هم رسیدگی کند ثالث طاری است



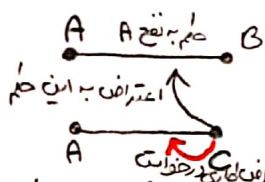
طاری

بین A و B دعوی ایات صلایت خودرو قیوح بود که حکم به نفع A صادر شد و به استناد این حکم A بیه مطالبه اجرت الفسخ از B هم می‌کند اما B می‌داند که استناد اون حکم اولی به مطالبه اجرت الفسخ اعاده دادرسی می‌کند

**ماده ۴۱۸** - در مورد ماده قبل، شخص ثالث حق دارد به هرگونه رأی صادره از دادگاه‌های عمومی، انقلاب و تجدیدنظر اعتراض نماید و نسبت به حکم داور نیز کسانی که خود یا نماینده آنان در تعیین داور شرکت نداشته‌اند می‌توانند به‌عنوان شخص ثالث اعتراض کنند. هم احکام دادگاه‌ها هم قرارها هم حکم داور قابل اعتراض است.

**ماده ۴۱۹** - اعتراض شخص ثالث بر دو قسم است:

**الف** - اعتراض اصلی عبارت است از اعتراضی که ابتدا از طرف شخص ثالث صورت گرفته باشد. یعنی ضمن دعوی رفته نیست.



**ب** - اعتراض طاری (غیر اصلی) عبارت است از اعتراض یکی از طرفین دعوا به رأی که سابقاً در یک دادگاه صادر شده و طرف دیگر برای اثبات مدعی خود، در اثنای دادرسی آن رأی را ابراز نموده است.

این دادگاه جدید به حکم اولیه هم رسیدگی میکند و قرار است در دادگاه اول از دادگاه جدید بالاتر باشد که اون وقت C باید بره به دادگاه اول درخواست

**ماده ۴۲۰** - اعتراض اصلی باید به موجب دادخواست و به طرفیت محکوم‌له و محکوم‌علیه رأی (مورد اعتراض) باشد. این دادخواست به دادگاهی تقدیم می‌شود که رأی قطعی معترض‌عنه را صادر کرده است. ترتیب دادرسی مانند دادرسی نخستین خواهد بود.

دادگاه دوم (ب اون رأی قطعی هم رسیدگی میکنه) به (دادگاه بهی) حق بستن رأی دادگاه بالاتر را ندارد

**ماده ۴۲۱** - اعتراض طاری در دادگاهی که دعوا در آن مطرح است بدون تقدیم دادخواست به عمل خواهد آمد، ولی اگر درجه دادگاه پایین‌تر از دادگاهی باشد که رأی معترض‌عنه را صادر کرده، معترض دادخواست خود را به دادگاهی که رأی را صادر کرده است تقدیم می‌نماید و موافق اصول، در آن دادگاه رسیدگی خواهد شد.

**ماده ۴۲۲** - اعتراض شخص ثالث قبل از اجرای حکم مورد اعتراض، قابل طرح است و بعد از اجرای آن در صورتی می‌توان اعتراض نمود که ثابت شود حقوقی

که اساس و مأخذ اعتراض است به جهتی از جهات قانونی ساقط نشده باشد. (اعتراض بعد از اجرا هم پذیرفته است در صورتی که ثابت شود حق ثالث از بین نرفته)

**ماده ۴۲۳** - در صورت وصول اعتراض طاری از طرف شخص ثالث چنانچه دادگاه تشخیص دهد حکمی که در خصوص اعتراض یاد شده صادر می‌شود مؤثر در اصل دعوا خواهد بود، تا حصول نتیجه اعتراض، رسیدگی به دعوا را به تأخیر می‌اندازد. در غیر این صورت به دعوی اصلی رسیدگی کرده رأی می‌دهد و اگر رسیدگی به اعتراض برابر ماده (۴۲۱) با دادگاه دیگری باشد به

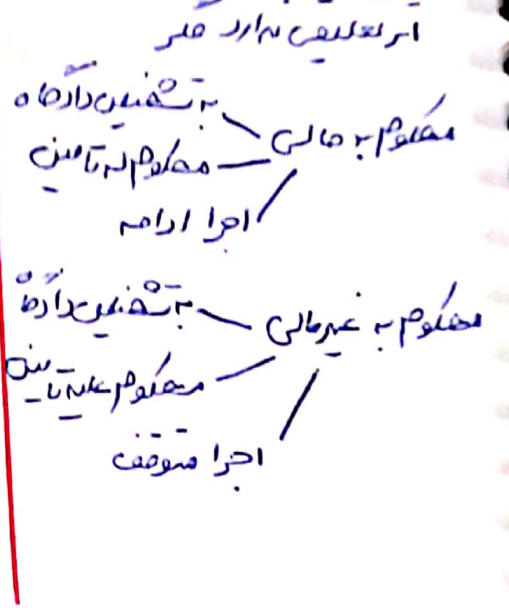
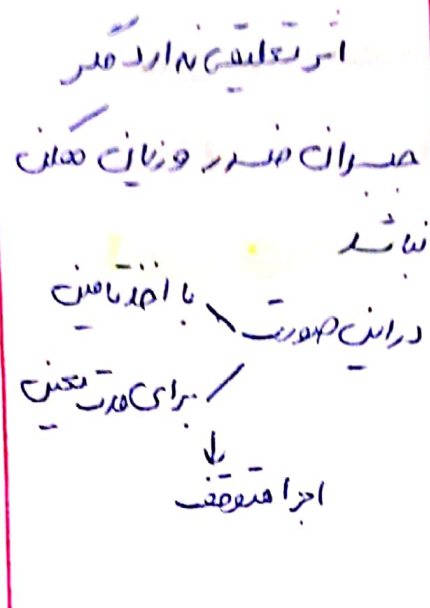
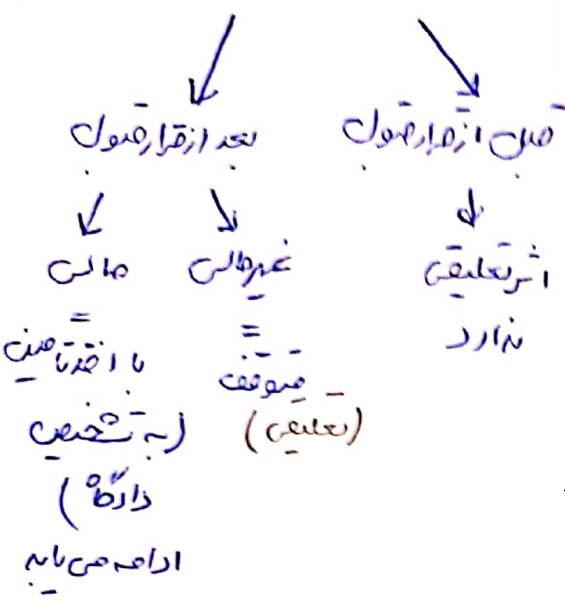
یعنی دادگاه اول درجه آن بالاتر باشد (حکم قطعی صادر میکنه)

این جدول  
حتماً سوال

اعاده دادرسی

اعتراض ثالث

نقص



درخواست اعاده دادرسی : الف) مطلقاً اثرتعلیق ندارد و حکم اجرائی فوراً

ب) در دعاوی غیرمالی اثرتعلیق دارد اما در دعاوی مالی اصولاً اثرتعلیق ندارد

ج) در دعاوی مالی اثرتعلیق دارد و در دعاوی غیرمالی اصولاً اثرتعلیق ندارد

د) در صورت اثرتعلیق دارد

- هیچ اثری ندارد
- صرف درخواست موجب توقف نمی شود
- بعد از صدور قبول غیرمالی را تعلیق و مالی را اصولاً ادا می نماید

### مبحث دوم - مهلت درخواست اعاده دادرسی

- مهلت درخواست اعاده دادرسی برای اشخاص مقیم ایران **بیست** **ماه** ۴۲۷ و **روز** و برای اشخاص مقیم خارج از کشور **دوماه** به شرح زیر می باشد:
- نسبت به آرای حضوری قطعی، از تاریخ ابلاغ.
  - نسبت به آرای غیابی، از تاریخ انقضای مهلت واخواهی و درخواست تجدیدنظر.
- تبصره - در مواردی که درخواست کننده اعاده دادرسی عذر موجهی داشته باشد طبق ماده (۳۰۶) این قانون عمل می شود.

**آیا در اعاده دادرسی طاری دادگاه دوم که دعوا در آن طرح اندک دهرت وصول اعاده دادرسی رسیدگی بر دعوا را متوقف میکند؟**

- با تشخیص دادگاه (دوم) بستگی دارد که اگر رایین اعاده دادرسی را قوی بماند رسیدگی را متوقف میکند و الا رسیدگی ادامه میدهد.

**نکته:** اعاده دادرسی اصلین به موجب درخواست است و دادگاه صادرکننده حکم قطعی تعیین می شود اما اعاده دادرسی طاری ابتداء درجاست و درخواست فرستنده طرف ثالث را در خواست آن داده می شود و دادگاه دوم که درخواست را دریافت کرده عطف است آن را با دادگاه صادرکننده حکم قطعی ارسال کند و بر خلاف اعتراض ثالث طاری دادگاه دوم هیچگاه حق رسیدگی به اعاده دادرسی طاری ندارد و چون دادگاه هم در جریان است.

حکم قطعی = قابل واخواهی و تجدید نظر نیست  
 حکم نهایی = حکمی که قابل واخواهی و تجدید نظر و تجدید نظر  
 قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی ۱۶۳

آرای متعارض

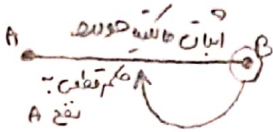
ماده ۴۲۸- چنانچه اعاده دادرسی به جهت مغایر بودن دو حکم باشد ابتدای مهلت از تاریخ آخرین ابلاغ هر یک از دو حکم است. (در رأی استواری ثالث هم صدق میکند)

ماده ۴۲۹- در صورتی که جهت اعاده دادرسی جعلی بودن اسناد یا حيله و تقلب طرف مقابل باشد، ابتدای مهلت اعاده دادرسی، تاریخ (ابلاغ حکم نهایی) مربوط به اثبات جعل یا حيله و تقلب می باشد.

سوال و جواب ۹۷ کلاس ۹۵

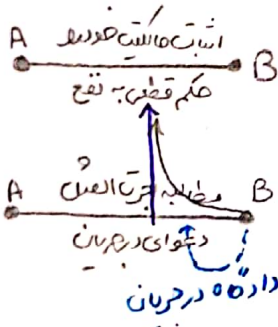
ماده ۴۳۰- هرگاه جهت اعاده دادرسی وجود اسناد و مدارکی باشد که مکتوم بوده، ابتدای مهلت از تاریخ وصول اسناد و مدارک یا اطلاع از وجود آن محاسبه می شود. تاریخ یادشده باید در دادگاهی که به درخواست رسیدگی می کند، اثبات گردد.

اعاده اصلی



ماده ۴۳۱- مفاد مواد (۳۳۷) و (۳۳۸) این قانون در اعاده دادرسی نیز رعایت می شود.

اعاده طاری



مبحث سوم - ترتیب درخواست اعاده دادرسی و رسیدگی

ماده ۴۳۲- اعاده دادرسی بر دو قسم است:

- الف- اصلی که عبارت است از این که متقاضی اعاده دادرسی به طور (مستقل) آن را درخواست نماید (یعنی ضمن دعوی رسیدگی نیست) اثبات تا اینه
- ب- طاری که عبارت است از این که در اثنای یک دادرسی حکمی به عنوان دلیل ارایه شود و کسی که حکم یاد شده علیه او ابراز گردیده نسبت به آن درخواست اعاده دادرسی نماید.

ماده ۴۳۳- (دادخواست) اعاده دادرسی اصلی به دادگاهی تقدیم می شود که صادرکننده همان حکم بوده است و درخواست اعاده دادرسی طاری به دادگاهی تقدیم می گردد که حکم در آنجا به عنوان دلیل ابراز شده است.

تبصره- پس از درخواست اعاده دادرسی طاری باید دادخواست لازم ظرف سه روز به دفتر دادگاه تقدیم گردد.

دادگاه دوم (در جریان)

ماده ۴۳۴- دادگاهی که دادخواست اعاده دادرسی طاری را دریافت می دارد مکلف است آن را به دادگاه صادر کننده حکم ارسال نماید و چنانچه دلایل درخواست را (قوی) بداند و تشخیص دهد حکمی که در خصوص درخواست دادگاه دوم

اعلامه دادرسی صلوات می گویند **توقیف در دعوی** می باشد رسیدگی به دعوی  
مطروحه را در تقصیر که حکم رایج به اعلامه دادرسی در آن توقیف است تا  
صلوات حکم نسبت به اعلامه دادرسی به تقصیر می باشد و در توقیف صلوات به  
رسیدگی نمود ادامه می باشد.

اصول  
**تقصیر چیست هم**  
رسیدگی در اعلامه دادرسی  
بر رسیدگی در دوران مقام  
است

**تقصیر** در دوره دعوای در دوران صلوات تقصیر است رسیدگی به دعوی است  
اعلامه دادرسی نسبت به آن تقصیر در صلوات است که دادگاه صلوات تقصیر را  
می گویند. در صورت **تقصیر در صلوات** باید صلوات در صلوات تقصیر  
**دوران های صلوات** تا صلوات حکم تقصیر صلوات صلوات

**ماده ۳۵-** در دادخواست اعلامه دادرسی در صلوات باید صلوات  
۱- نام و نام خانوادگی و مهمل قلمت و سایر مشخصات در صلوات صلوات صلوات صلوات  
۲- حکمی که مورد درخواست اعلامه دادرسی است.  
۳- مشخصات دادگاه صلوات صلوات صلوات صلوات صلوات  
۴- جهتی که موجب درخواست اعلامه دادرسی صلوات صلوات  
در صورتی که درخواست اعلامه دادرسی را در صلوات صلوات صلوات صلوات صلوات  
در دادخواست ذکر و وکالت صلوات صلوات صلوات صلوات صلوات صلوات  
**تقصیر** دادگاه صلوات صلوات صلوات صلوات صلوات صلوات صلوات صلوات صلوات  
لازم را صلوات صلوات صلوات صلوات صلوات صلوات صلوات صلوات صلوات صلوات  
معهوی خواهد نمود.  
سایر تزییات رسیدگی مطابق مقررات مربوط به دعوای است.

صلوات صلوات صلوات صلوات صلوات صلوات صلوات صلوات صلوات صلوات  
صلوات صلوات صلوات صلوات صلوات صلوات صلوات صلوات صلوات صلوات  
صلوات صلوات صلوات صلوات صلوات صلوات صلوات صلوات صلوات صلوات  
صلوات صلوات صلوات صلوات صلوات صلوات صلوات صلوات صلوات صلوات صلوات

**ماده ۳۶-** در اعلامه دادرسی به تقصیر که در دادخواست اعلامه دادرسی ذکر  
شده است جهت دیگری علیه رسیدگی قرار می گیرد تقصیر صلوات صلوات صلوات صلوات صلوات  
**ماده ۳۷-** با درخواست اعلامه دادرسی در صلوات صلوات صلوات صلوات صلوات صلوات صلوات صلوات  
ذیل اقدام می کنند.

تقصیر در صلوات اعلامه دادرسی  
اجرای بایر امداد صلوات صلوات صلوات صلوات صلوات صلوات صلوات صلوات  
(رسیدگی در صلوات صلوات صلوات صلوات صلوات صلوات صلوات صلوات صلوات)

الف- چنانچه **حکومیه غیر صلوات** باشد اجرای حکم تقصیر صلوات صلوات صلوات صلوات صلوات  
ب- چنانچه **حکومیه صلوات** است و امکان صلوات صلوات صلوات صلوات صلوات صلوات صلوات  
احتمالی باشد، تشخیص دادگاه از **حکومیه** تعیین صلوات صلوات صلوات صلوات صلوات صلوات  
حکم ادامه می باشد.

بجز رای امراری که همیشه قاضی است بقیه جاع همیشه قابل تجدید نظر و فرجامی

ج- در مواردی که درخواست اعاده دادرسی مربوط به یک قسمت از حکم باشد حسب مورد مطابق بندهای (الف) و (ب) اقدام می گردد.

ماده ۴۳۸- هرگاه پس از رسیدگی، دادگاه درخواست اعاده دادرسی را وارد تشخیص دهد، حکم مورد اعاده دادرسی را **نقض** و **حکم مقتضی صادر** می نماید. در صورتی که درخواست اعاده دادرسی راجع به قسمتی از حکم باشد، فقط همان قسمت **نقض** یا اصلاح می گردد. این حکم از حیث تجدیدنظر و فرجام خواهی تابع مقررات مربوط خواهد بود.

**ماده ۴۳۹-** اگر جهت اعاده دادرسی **مغایرت دو حکم** باشد، دادگاه پس از قبول اعاده دادرسی **حکم دوم را نقض** و **حکم اول** به قوت خود باقی خواهد بود.

ماده ۴۴۰- نسبت به حکمی که پس از اعاده دادرسی صادر می گردد، دیگر اعاده دادرسی از همان جهت پذیرفته نخواهد شد. اما از جهات دیگر می توان -

ماده ۴۴۱- در اعاده دادرسی غیر از طرفین دعوا شخص دیگری به هیچ عنوان نمی تواند داخل در دعوا شود.

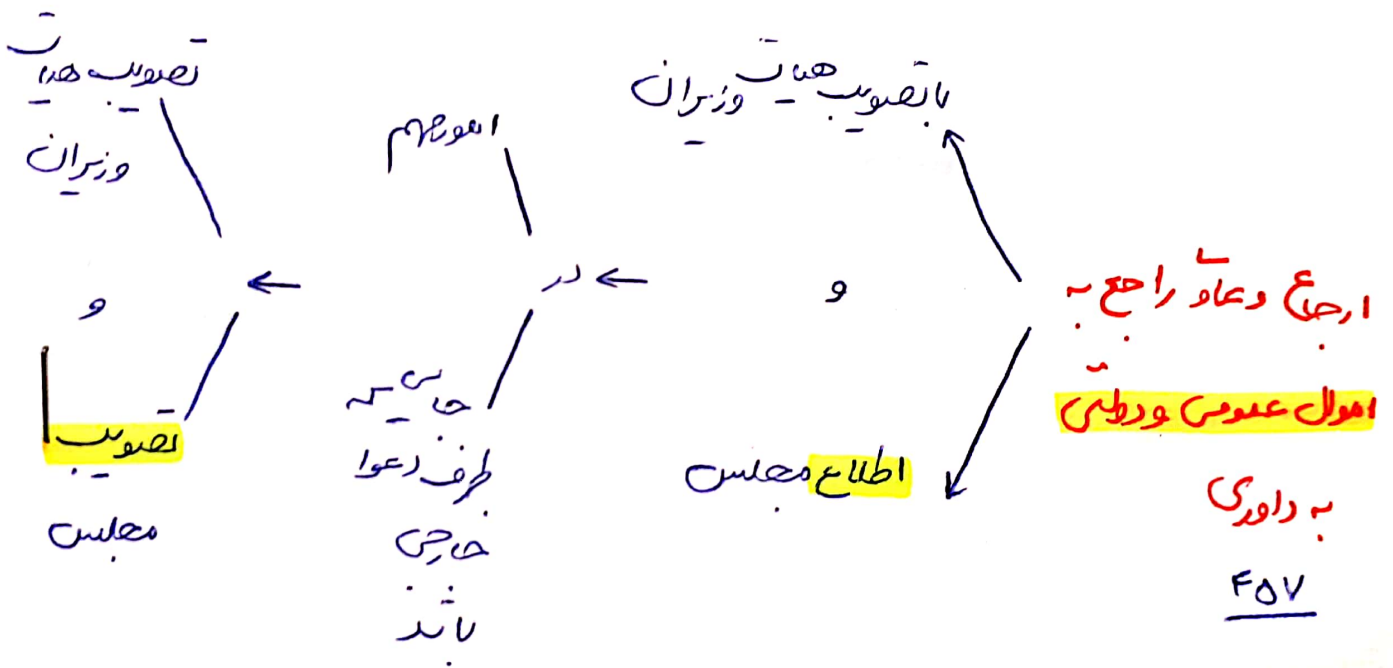
در اعاده دادرسی هیچ یک از دعوی طرفی راه ندارد

**کلیه:** هیچ یک از دعوی طرفی در فرجام و اعتراض ثالث و اعاده دادرسی راه ندارد \*

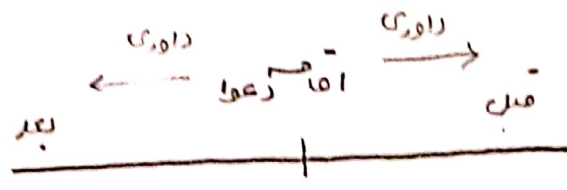
(البته به توجیهی که در متن و در متن است در فرجام) اما قانون صراحتاً میگوید فقط مورد در دعوی تجدید نظر هست در دادگاه هم عرض

دعوی	وراثت	جنبه ثالث	مقابل	اضافی
فرجام	✓	x	x	x
اعتراض	x	x	x	x
اعاده	x	x	x	x

در اعتبار این ثالث حکم صریح است  
 نمیکنند بلکه فقط نقض میکنند  
 بعد از صدور و فرجام قبول  
 حتی معترض قرار قبول بزنیم هم در  
 بعد از رسیدگی معلوم می شود  
 این جهت اعاده دادرسی مغایرت  
 دو حکم باشد فقط دوم را نقض  
 می شود و حکم صریح صادر می شود  
 و اولی بسجای خود می ماند  
 (این تنها جایی که در اعاده حکم صادر  
 می شود)







رجوع به داوری = قرار داد داوری = به طور مستقل

شروط داوری = ضمن قرارداد  
 یا بعد از آن  
 ضروری به داوری مراجعه کنیم

## باب هفتم: داوری

**ماده ۴۵۴-** کلیه اشخاصی که اهلیت اقامه دعوا دارند می توانند با تراضی یکدیگر منازعه و اختلاف خود را خواه در دادگاهها طرح شده یا نشده باشد و در صورت طرح در هر مرحله ای از رسیدگی باشد، به داوری یک یا چند نفر ارجاع دهند. *بخواهی - داخواهی - مجامعتی - صلواتی*

شروط داوری

**ماده ۴۵۵-** متعاملین می توانند ضمن معامله ملزم شوند و یا به موجب قرارداد جداگانه تراضی نمایند که در صورت بروز اختلاف بین آنان به داوری مراجعه کنند و نیز می توانند داور یا داوران خود را قبل یا بعد از بروز اختلاف تعیین نمایند.

**تبصره-** در کلیه موارد رجوع به داور، طرفین می توانند انتخاب داور یا داوران را به شخص ثالث یا دادگاه واگذار کنند.

**ماده ۴۵۶-** در مورد معاملات و قراردادهای واقع بین اتباع ایرانی و خارجی، تا زمانی که اختلافی ایجاد نشده است *تسلی از اختلاف می تواند* طرف ایرانی نمی تواند به نحوی از انحاء ملتزم شود که در صورت بروز اختلاف حل آن را به داور یا داوران یا هیئتی ارجاع نماید که آنان دارای همان تابعیتی باشند که طرف معامله دارد. هر معامله و قراردادی که مخالف این منع قانونی باشد در قسمتی که مخالفت دارد باطل و بلااثر خواهد بود.

بعد از اصراف به داوری  
 حق رجوع دارند

**ماده ۴۵۷-** ارجاع دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی که داوری پس از تصویب هیئت وزیران و اطلاع مجلس شورای اسلامی صورت می گیرد. در مواردی که طرف دعوا خارجی و یا موضوع دعوا از موضوعاتی باشد که قانون آن را مهم تشخیص داده، تصویب مجلس شورای اسلامی نیز ضروری است.

**ماده ۴۵۸-** در هر مورد که داور تعیین می شود باید موضوع و مدت داوری نیز مشخصات طرفین و داور یا داوران به طوری که رافع اشتباه باشد گردد. در صورتی که تعیین داور بعد از بروز اختلاف باشد، موضوع به داوری ارجاع شده باید به طور روشن مشخص و مراتب به

کدامیک از اشخاص زیر با طرفین می‌توانند به عنوان داور انتخاب شوند؟  
 الف) قضات دادگاه  
 ب) اشخاص نفیہ  
 ج) اشخاصی که به موجب حکم قطعی یا  
 ۱۷۲ مشاهیر دادآفرین مجازات تعیین از داور کی مردم شده اند  
 ✓ د) کسانی که با اصحاب دعوا قرابت نسبی درجه اول دارند

داور یا داوران و مدت داوری را کتباً به داوران ابلاغ می‌نماید. در این مورد ابتدای مدت داوری تاریخ ابلاغ به همه داوران می‌باشد.

ممنوعیت نسبی → ماده ۴۶۹- دادگاه نمی‌تواند اشخاص زیر را به سمت داور معین نماید مگر با تراضی طرفین:

- ۱- کسانی که سن آنان کمتر از بیست و پنج سال تمام باشد.
- ۲- کسانی که در دعوا ذی‌نفع باشند.
- ۳- کسانی که با یکی از اصحاب دعوا قرابت سببی یا نسبی تا درجه دوم از طبقه سوم داشته باشند.
- ۴- کسانی که قیم یا کفیل یا وکیل یا مباشر امور یکی از اصحاب دعوا می‌باشند یا یکی از اصحاب دعوا مباشر امور آنان باشد.
- ۵- کسانی که خود یا همسرانشان وارث یکی از اصحاب دعوا باشند.
- ۶- کسانی که با یکی از اصحاب دعوا یا با اشخاصی که قرابت نسبی یا سببی تا درجه دوم از طبقه سوم با یکی از اصحاب دعوا دارند، در گذشته یا حال دادرسی کیفری داشته باشند.
- ۷- کسانی که خود یا همسرانشان و یا یکی از اقربای سببی یا نسبی تا درجه دوم از طبقه سوم او با یکی از اصحاب دعوا یا زوجه و یا یکی از اقربای نسبی یا سببی تا درجه دوم از طبقه سوم او دادرسی مدنی دارند.
- ۸- کارمندان دولت در حوزه مأموریت آنان.

ممنوعیت مطلق → ماده ۴۷۰-<sup>(۱۳)</sup> کلیه قضات و کارمندان اداری شاغل در محاکم قضایی نمی‌توانند داوری نمایند هرچند با تراضی طرفین باشد.

ماده ۴۷۱- در مواردی که داور با قرعه تعیین می‌شود، هریک از طرفین می‌توانند پس از اعلام در جلسه، در صورت حضور و در صورت غیبت از تاریخ ابلاغ (تا ده روز) داور تعیین شده را (رد کنند) مگر این که موجبات رد بعداً حادث شود که در این صورت ابتدای مدت روزی است که علت رد حادث گردد. دادگاه پس از وصول اعتراض، رسیدگی می‌نماید و چنانچه اعتراض را وارد تشخیص دهد داور دیگری تعیین می‌کند.

جایی که دادگاه داور را  
انتخاب می‌کند هریک از  
طرفین تا ۱۰ روز حق رد  
داور را دارند

چون توسط طرفین یا توسط دادگاه

ماده ۴۷۲

بعد از تعیین داور یا داوران طرفین حق عزل آنان را ندارند مگر با تراضی.

ماده ۴۷۳ - چنانچه داور پس از قبول داورى بدون عذر موجه از قبیل مسافرت یا بیماری و امثال آن در جلسات داورى حاضر نشده یا استعفا دهد و یا از دادن رأی امتناع نماید، علاوه بر جبران خسارات وارده تا پنج سال از حق انتخاب شدن به داورى محروم خواهد بود.

روین موردی که برای حل اختلاف به دادگاه می‌رود

ماده ۴۷۴ - نسبت به امری که از طرف دادگاه به داورى ارجاع می‌شود اگر یکی از داوران استعفا دهد یا از دادن رأی امتناع نماید و یا در جلسه داورى دوبار متوالی حضور پیدا نکند دو داور دیگر به موضوع رسیدگی و رأی خواهند داد. چنانچه بین آنان در صدور رأی اختلاف حاصل شود، دادگاه به جای داورى که استعفا داده یا از دادن رأی امتناع نموده یا دوبار متوالی در جلسه داورى حضور پیدا نکرده ظرف مدت ده روز داور دیگری به قید قرعه انتخاب خواهد نمود، مگر این که قبل از انتخاب به اقتضای مورد، طرفین داور دیگری معرفی کرده باشند. در این صورت مدت داورى از تاریخ قبول داور جدید شروع می‌شود.

چون در دادگاه داورى نامیده داورى ازین وقت و نقض دادگاه رسیدگی است

در صورتی که داوران در مدت قرارداد داورى یا مدتی که قانون معین کرده است نتوانند رأی بدهند و طرفین به داورى اشخاص دیگر تراضی نکرده باشند، دادگاه به اصل دعوا وفق مقررات قانونی رسیدگی و رأی صادر می‌نماید. تبصره - در موارد فوق رأی اکثریت داوران ملاک اعتبار است، مگر این که در قرارداد ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

دعا در این جا در دادگاه به جریان و مطرح است و ثالثی جلب شود و تراضی در این وقت اتفاق می‌افتد و در صورت موافقت گفته که به داورى بهر جهات به دعوا رسیدگی می‌شود

ماده ۴۷۵ - (شخص ثالثی که برابر قانون به دادرسی جلب شده) یا قبل یا بعد از ارجاع اختلاف به داورى وارد دعوا شده باشد، می‌تواند با طرفین دعواى اصلی در ارجاع امر به داورى و تعیین داور یا داوران تعیین شده تراضی کند و اگر موافقت حاصل نگردد، به دعواى او برابر مقررات به طور مستقل رسیدگی خواهد شد.

ماده ۴۷۶

طرفین باید اسناد و مدارک خود را به داوران تسلیم نمایند. داوران

نیز می‌توانند توضیحات لازم را از آنان بخواهند و اگر برای اتخاذ تصمیم جلب

نظر کارشناس ضروری باشد، کارشناس انتخاب نمایند. اما داور حق جلب کارشناس ندارد فقط داور حق جلب دارد

ماده ۴۷۷

ماده ۴۷۷- داوران در رسیدگی و رای، تابع مقررات قانون آیین دادرسی نیستند

ولی باید مقررات مربوط به داور را رعایت کنند. (ماده ۴۷۸ تا ۴۸۴)

داور حق رسیدگی به جرمی  
امور دارد: ۱- دعوی جزایی  
۲- دعوی و بوطا اصل نصاب  
و طلاق و نسب و  
ورسالت

ماده ۴۷۸

ماده ۴۷۸- هرگاه ضمن رسیدگی مسایلی کشف شود که مربوط به وقوع

جرمی باشد و در رأی داور مؤثر بوده و تفکیک جهات مدنی از جزایی ممکن

نباشد (و همچنین در صورتی که دعوا مربوط به نکاح یا طلاق یا نسب بوده و

رفع اختلاف در امری که رجوع به داور شده متوقف بر رسیدگی به اصل

نکاح یا طلاق یا نسب باشد) رسیدگی داوران تا صدور حکم نهایی از دادگاه

صلاحیت دار نسبت به امر جزایی یا نکاح یا طلاق یا نسب متوقف می گردد.

و ماده ۴۷۷

ماده ۴۷۹

ماده ۴۷۹- ادعای جعل و تزویر در سند بدون تعیین عامل آن و یا در صورتی که

تعقیب وی به جهتی از جهات قانونی ممکن نباشد مشمول ماده قبل نمی باشد.

\* نسبت به  
داور حق رسیدگی به امور  
علی محضه باید  
جزایی ندارد مگر در مورد  
ارعا جعل و تزویر آن  
هم به شرط آنکه  
علی محضه نباشد  
یا به جهات قانونی مشمول  
تعقیب نباشد که در این  
صورت می تواند به آن  
رسیدگی کند

ماده ۴۸۰- حکم نهایی ایاد شده در ماده (۴۷۸) توسط دادگاه ارجاع کننده دعوا

به داور یا دادگاهی که داور را انتخاب کرده است به داوران ابلاغ می شود و

آنچه از مدت داور در زمان توقف رسیدگی داوران باقی بوده از تاریخ ابلاغ

حکم یادشده حساب می شود. هرگاه داور بدون دخالت دادگاه انتخاب شده

باشد، حکم نهایی وسیله طرفین یا یک طرف به او ابلاغ خواهد شد.

داوران نمی توانند برخلاف مفاد حکمی که در امر جزایی یا نکاح یا طلاق

یا نسب صادر شده رأی بدهند.

ماده ۴۸۱

ماده ۴۸۱- در موارد زیر داور از بین می رود:

۱- با تراضی کتبی طرفین دعوا.

۲- با فوت یا حجج یکی از طرفین دعوا. با صوت داور، داور که از بین نمی رود مرد و در بعضی

ماده ۴۸۲- رأی داور باید موجه و مدلل بوده و مخالف با قوانین موجد حق نباشد.

ماده ۴۸۳

ماده ۴۸۳- در صورتی که داوران اختیار صلح داشته باشند می توانند دعوا را با

صلح خاتمه دهند. در این صورت صلح نامه ای که به امضای داوران رسیده باشد

معتبر و قابل اجراست.

ماده ۴۸۴- داوران باید از جلسه ای که برای رسیدگی یا مشاوره و یا صدور رأی

تشکیل می شود مطلع باشند و اگر داور از شرکت در جلسه یا دادن رأی یا امضای

آن امتناع نماید، رأیی که با اکثریت صادر می‌شود منوط اعتبار است مگر این که در قرارداد ترتیب دیگری مقرر شده باشد. مراتب نیز باید در برگ رأی قید گردد. ترتیب تشکیل جلسه و نحوه رسیدگی و دعوت برای حضور در جلسه، توسط داوران تعیین خواهد شد. در مواردی که ارجاع امر به داوری از طریق دادگاه بوده، دعوت به حضور در جلسه به موجب اخطاریه دفتر دادگاه به عمل می‌آید.

قبصره- در مواردی که طرفین به موجب قرارداد ملزم شده‌اند که در صورت بروز اختلاف بین آنان شخص یا اشخاص معینی داوری نماید اگر مدت داوری معین نشده باشد **مدت آن سه ماه** و ابتدای آن از روزی است که موضوع برای انجام داوری به داور یا تمام داوران ابلاغ می‌شود. این مدت با توافق طرفین قابل تمدید است.

**ماده ۴۸۵-** چنانچه طرفین در قرارداد داوری طریق خاصی برای ابلاغ رأی داوری پیش‌بینی نکرده باشند، داور مکلف است رأی خود را به دفتر دادگاه ارجاع‌کننده دعوا به داور یا دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را دارد تسلیم نماید.

دفتر دادگاه اصل رأی را بایگانی نموده و رونوشت گواهی شده آن را به دستور دادگاه برای اصحاب دعوا ارسال می‌دارد.

**ماده ۴۸۶-** هرگاه طرفین، رأی داور را به اتفاق به طور کلی و یا قسمتی از آن را رد کنند، آن رأی در قسمت مردود بلااثر خواهد بود.

**ماده ۴۸۷-** تصحیح رأی داوری در حدود ماده (۳۰۹) این قانون قبل از انقضای مدت داوری **راساً** یا داور یا داوران است و پس از انقضای آن تا پایان مهلت اعتراض به رأی داور، به **درخواست** طرفین یا یکی از آنان با داور یا داوران صادرکننده رأی خواهد بود. داور یا داوران مکلفند ظرف **بیست روز** از تاریخ تقاضای تصحیح رأی اتخاذ تصمیم نمایند. رأی تصحیحی به طرفین ابلاغ خواهد شد. در این صورت رسیدگی به اعتراض در دادگاه تا اتخاذ تصمیم داور یا انقضای مدت یادشده متوقف می‌ماند.

**ماده ۴۸۸-** هرگاه محکوم‌علیه تا بیست روز بعد از ابلاغ، رأی داوری را اجرا ننماید، دادگاه ارجاع‌کننده دعوا به داوری و یا دادگاهی که صلاحیت رسیدگی

آیا رأی داور طرفین می‌تواند رد کنند؟ بله در صورتی که در آن رأی قید شده باشد

با توافق

داور قابل تجدیدنظر است اما می‌توان تا ظرف ابطال آن درخواست

اول رأی داور به محکوم علیه ابلاغ می‌شود که خورشید ظرف ۲۰ روز اجرا کند اگر نکرده باشد در دادگاه صالح می‌رود و در آن وقت است که برای داور اجرائیه صادر کند

تبصره - در مواردی که ارجاع امر به داوری از طریق دادگاه نبوده و رأی داور باطل گردد، رسیدگی به دعوا در دادگاه با تقدیم دادخواست به عمل خواهد آمد.

**ماده ۴۹۲** - در صورتی که درخواست ابطال رأی داور خارج از موعد مقرر استماع برای داور به موجب باشد دادگاه قرار رد درخواست را صادر می‌نماید. این قرار قطعی است. درخواست استماع

**ماده ۴۹۳** - اعتراض قوی باشد. در این صورت دادگاه قرار توقف اجرای آن را تا پایان رسیدگی به اعتراض و صدور حکم قطعی صادر می‌نماید و در صورت اقتضا تأمین مناسب نیز از معترض اخذ خواهد شد.

**ماده ۴۹۴** - چنانچه دعوا در مرحله فرجامی باشد، و طرفین با توافق تقاضای ارجاع امر به داوری را بنمایند یا مورد از موارد ارجاع به داوری تشخیص داده شود، دیوان عالی کشور پرونده را برای ارجاع به داوری به دادگاه صادرکننده رأی فرجام خواسته ارسال می‌دارد.

**ماده ۴۹۵** - رأی داور فقط درباره طرفین دعوا و اشخاصی که دخالت و شرکت در تعیین داور داشته‌اند و قائم مقام آنان معتبر است و نسبت به اشخاص دیگر تأثیری نخواهد داشت.

**ماده ۴۹۶** - دعاوی زیر قابل ارجاع به داوری نیست:

- ۱- دعاوی ورشکستگی.
- ۲- دعاوی راجع به اصل نکاح، فسخ آن، طلاق و نسب. ۳- دعاوی جزایی
- ماده ۴۹۷** - پرداخت حق الزحمه داوران به عهده طرفین است مگر آن که در قرارداد داوری ترتیب دیگری مقرر شده باشد.
- ماده ۴۹۸** - میزان حق الزحمه داوری براساس آیین‌نامه‌ای است که هر سه سال یکبار توسط وزیر دادگستری تهیه و به تصویب رییس قوه قضاییه خواهد رسید.
- ماده ۴۹۹** - در صورت تعدد داور، حق الزحمه بالتسویه بین آنان تقسیم می‌شود.
- ماده ۵۰۰** - چنانچه بین داور و اصحاب دعوا قراردادی در خصوص میزان حق الزحمه منعقد شده باشد، برابر قرارداد عمل خواهد شد.

۱. در متن روزنامه رسمی، پس از واژه «توقف» واژه «منع» آورده شده که زاید است. ■

**کارشناسی**

درخواست طرفین یا به تکراراً صادر می شود

در قرار کارشناسی مدت اظهار نظر کارشناس نوشته می شود که این مورد مورد اعتراض نیست

کارشناس به قلم قرعه انتخاب می شود و در صورت تعدد کارشناسان عدد آن باید فرد باشد

پراخت هزینه کارشناسی برعهده هیئت قضایی است (خواهان - خوانده) اما اگر به تحقیق داری باشد برعهده خوانده

قبلت پراخت هزینه کارشناسی پذیر است در صورت عدم پراخت کارشناسی

**از عداد دلائل خارج می شود**

اگر کارشناسی به تکراراً باشد هزینه کارشناسی در مرحله دیگری با خوانده

در مرحله تجدید نظر یا تجدید خواه است در صورت عدم پراخت هزینه کارشناسی

در مرحله دیگری اگر داری نتواند باسودن رای دهد ابطال دادخواست ایا  
در مرحله تجدید نظر و توقف تجدید خواهی (مانع اجرای رای نمی شود)

پس از اعلام تلو کارشناسی وصول تلو کارشناسی به طرفین ابلاغ می شود

طرفین اهلقت دارند  
تا جنانچه اظهار دارند  
داره اعلام کنند

کارشناسی خلاف به قبول امر مورد کارشناسی است مگر عذر موصوفه داشته باشد عوارر عذر موصوفه او همان موارد رد دارند است

در صورت لزوم تحقیقات یا اخذ توضیح از کارشناسی کارشناسی اهلقت و در صورت عدم حضور کارشناس عذر موصوفه طلب می شود

اگر کارشناسی در مهلت مقرر تلو خود را اعلام کنند به کارشناسی دیگری انتخاب می شود اما اگر تا قبل از انتخاب کارشناسی جدید یا اظهار او تلو کارشناسی و اهلقت شود داری آن ترتیب اثر میدهد و خلاف کارشناسی را اعلام می کند

اثبات صحت سند  
 عهده ای ارائه کننده سند  
 است نه اظهار کننده  
 نه تزیین کننده  
 اثبات باید عمل  
 است

اظہار انکار  
 اظہار تردید  
 ۹۹

اصل بر عدم صحت

قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی

۱ استرداد دادخواست - اعتراض ۳ مه ای خواسته

اظہار تردید یا انکار باید تا اولین جلسه دادرسی به عمل آید.

اصل بر صحت

ارجاع جعل

ماده ۲۱۸

در مقابل تردید یا انکار، هرگاه ارایه کننده سند، سند خود را استرداد نماید، دادگاه به اسناد و دلایل دیگر رجوع می کند. استرداد سند دلیل بر بطلان آن نخواهد بود. چنانچه صاحب سند، سند خود را استرداد نکرد و سند مؤثر در دعوا باشد، دادگاه مکلف است به اعتبار آن سند رسیدگی نماید.

ج - ادعای جعلیت

حتی الامکان تا اولین جلسه دادرسی

ماده ۲۱۹ - ادعای جعلیت نسبت به اسناد و مدارک ارایه شده باید برابر ماده (۲۱۸) این قانون (با ذکر دلیل) اقامه شود (مگر اینکه دلیل ادعای جعلیت بعد از موعد مقرر و قبل از صدور رأی یافت شده باشد) در غیر این صورت دادگاه به آن ترتیب اثر نمی دهد. پس از صدور رأی اگر دلیل ادعای جعلیت بیست و یکم باشد، باید جداگانه اقامه شود.

ماده ۲۲۰

ادعای جعلیت و دلایل آن به دستور دادگاه به طرف مقابل ابلاغ می شود. (در صورتی که طرف به استفاده از سند باقی باشد، موظف است ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ، اصل سند موضوع ادعای جعل را به دفتر دادگاه تسلیم نماید. مدیر دفتر پس از دریافت سند، آن را به نظر قاضی دادگاه رسانیده و دادگاه آن را فوری مهر و موم می نماید.

اوپا بدعوی مهر و قرار ابطال درخواست خواهد شد.

سند از عداد دلایل او خارج خواهد شد. و اگر خواهان باشد آن سند تنها ادله او باشد و حجت مهر و قرار ابطال نبوده - در مواردی که وکیل یا نماینده قانونی دیگری در دادرسی مداخله داشته باشد، چنانچه دسترسی به اصل سند نداشته باشد حق استمهال دارد و دادگاه مهلت مناسبی برای ارایه اصل سند به او می دهد.

خلع ید

ماده ۲۲۱ - دادگاه مکلف است ضمن صدور حکم راجع به ماهیت دعوا نسبت به سندی که در مورد آن ادعای جعل شده است، تعیین تکلیف نموده (اگر آن را مجعول تشخیص ندهد، دستور تحویل آن را به صاحب سند صادر نماید) و در صورتی که آن را مجعول بداند، تکلیف اینکه باید تمام سند از بین برده شود و یا قسمت مجعول در روی سند ابطال گردد یا کلماتی محو و یا تغییر داده شود



جلسه	انکار	تردید
✓	✓	✓
۹۸	مشاهیر دادآفرین	✓

خواهند بود.

تبصره ۳- چنانچه در موعدی که دادگاه معین کرده است نتوانند اسناد و اطلاعات لازم را بدهند، باید در پاسخ دادگاه با ذکر دلیل تأخیر، تاریخ ابراز اسناد و اطلاعات را اعلام نمایند.

ماده ۲۱۳- در مواردی که ابراز اصل سند لازم باشد ادارات، سازمانها و بانکها پس از دریافت دستور دادگاه، اصل سند را بهطور مستقیم به دادگاه میفرستند. فرستادن دفاتر امور جاری به دادگاه لازم نیست بلکه قسمت خارجنویسی شده از آن دفاتر که از طرف اداره گواهی شده باشد کافی است.

ماده ۲۱۴- هرگاه یکی از اصحاب دعوا به استناد پرونده کیفری ادعایی نماید که رجوع به آن پرونده لازم باشد، دادگاه می تواند پرونده را مطالبه کند. مرجع ذی ربط مکلف است پرونده درخواستی را ارسال نماید.

ماده ۲۱۵- چنانچه یکی از اصحاب دعوا استناد به پرونده دعوای مدنی دیگری نماید، دادگاه به درخواست او خطاب به مرجع ذی ربط تقاضانامه ای به وی می دهد که رونوشت موارد استنادی در مدت معینی به او داده شود. در صورت لزوم دادگاه می تواند پرونده مورد استناد را خواسته و ملاحظه نماید.

### ب- انکار و تردید

موضوع سند  
امضا  
انگشت

ماده ۲۱۶- کسی که علیه او سند غیررسمی ابراز شود می تواند خط یا مهر یا امضا و یا اثر انگشت منتسب به خود را انکار نماید و احکام منکر بر او مترتب می گردد و اگر سند ابرازی منتسب به شخص او نباشد می تواند تردید کند.

ماده ۲۱۷- اظهار تردید یا انکار نسبت به دلایل و اسناد ارایه شده حتی الامکان باید تا اولین جلسه دادرسی به عمل آید و چنانچه در جلسه دادرسی منکر شود و یا نسبت به صحت و سقم آن سکوت نماید حسب مورد آثار انکار و سکوت بر او مترتب خواهد شد. در مواردی که رأی دادگاه بدون دفاع خواننده صادر می شود، خواننده ضمن واخواهی از آن، انکار یا تردید خود را به دادگاه اعلام می دارد. نسبت به مدارکی که در مرحله واخواهی مورد استناد واقع می شود نیز

در صورتی  
تا اولین جلسه  
برای واخواهی  
ضمن درخواست واخواهی  
برای واخواهی تا اولین جلسه دادرسی

اثبات صحت سند  
 عهده ای ارائه کننده سند  
 است نه انکار کننده  
 اثبات باید عرض جعل  
 است

اظهار انکار  
 اظهار تردید  
 ۹۹

اصل بر عدم صحت

قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی

۱) استرداد درخواست - اعتراض به بی حقی است

اظهار تردید یا انکار باید تا اولین جلسه دادرسی به عمل آید.

ماده ۲۱۸

در مقابل تردید یا انکار، هرگاه ارایه کننده سند، سند خود را استرداد نماید، دادگاه به اسناد و دلایل دیگر رجوع می کند. استرداد سند دلیل بر بطلان آن نخواهد بود. چنانچه صاحب سند، سند خود را استرداد نکرد و سند مؤثر در دعوا باشد، دادگاه مکلف است به اعتبار آن سند رسیدگی نماید.

اصل بر صحت

ج - ادعای جعلیت  
 نیازمند اثبات  
 نیازمند ارائه دلیل

حق الايمان تا اولین جلسه دادرسی

ماده ۲۱۹ - ادعای جعلیت نسبت به اسناد و مدارک ارایه شده باید برابرماده

(۲۱۷) این قانون با ذکر دلیل اقامه شود (مگر اینکه دلیل ادعای جعلیت بعد از موعده مقرر و قبل از صدور رأی یافت شده باشد) در غیر این صورت دادگاه به آن ترتیب اثر نمی دهد. پس از صدور رأی اگر دلیل ادعای جعلیت به استناد ماده جداگانه اقامه شود

ماده ۲۲۰

ادعای جعلیت و دلایل آن به دستور دادگاه به طرف مقابل ابلاغ می شود. (در صورتی که طرف به استفاده از سند باقی باشد، موظف است ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ، اصل سند موضوع ادعای جعل را به دفتر دادگاه تسلیم نماید. مدیر دفتر پس از دریافت سند، آن را به نظر قاضی دادگاه رسانیده و دادگاه آن را فوری مهر و موم می نماید.)

اوپا شد موجب مهر و قرار ابطال درخواست خواهد شد.

چنانچه در موعده مقرر صاحب سند از تسلیم آن به دفتر خودداری کند، سند از عداد دلایل او خارج خواهد شد. و درخواست کننده تنها ادله او باشد موجب مهر و قرار ابطال تبصره - در مواردی که وکیل یا نماینده قانونی دیگری در دادرسی مداخله داشته باشد، چنانچه دسترسی به اصل سند نداشته باشد حق استمهال دارد و دادگاه مهلت مناسبی برای ارایه اصل سند به او می دهد.

خلع ید

ماده ۲۲۱ - دادگاه مکلف است ضمن صدور حکم راجع به ماهیت دعوا نسبت به سندی که در مورد آن ادعای جعل شده است، تعیین تکلیف نموده (اگر آن را مجعول تشخیص ندهد، دستور تحویل آن را به صاحب سند صادر نماید) و در صورتی که آن را مجعول بداند، تکلیف اینکه باید تمام سند از بین برده شود و با قسمت مجعول در روی سند ابطال گردد یا کلماتی محو و یا تغییر داده شود

**در امور حقوقی اصل بر صلاحیت فعل اقامت خوانده است اما استثنای متعدد دارد:**

۱- اقامت خوانده ندارد اما سکونت توسط دارد <sup>۱۴۴</sup> ۲- حال غیر منقول دارد

۳- هیچ کدام را نه است خواهان در محل اقامت خود ۴- دعوی مربوط به غیر منقول

۵- دعوی بازرگانی و منقول ناشی از عقد و قرارداد (۱۴۴) ۶- موضوع دعوا مالی باشد

یک منقول بین غیر منقول بیم به غیر منقول ۷- خوانده کن متعدد و رصع به هر کدام از آن

که منقول ۸- راجع به اموال غیر منقول متعدد در شهرهای مختلف (انتخاب یک شهر به اختیار)

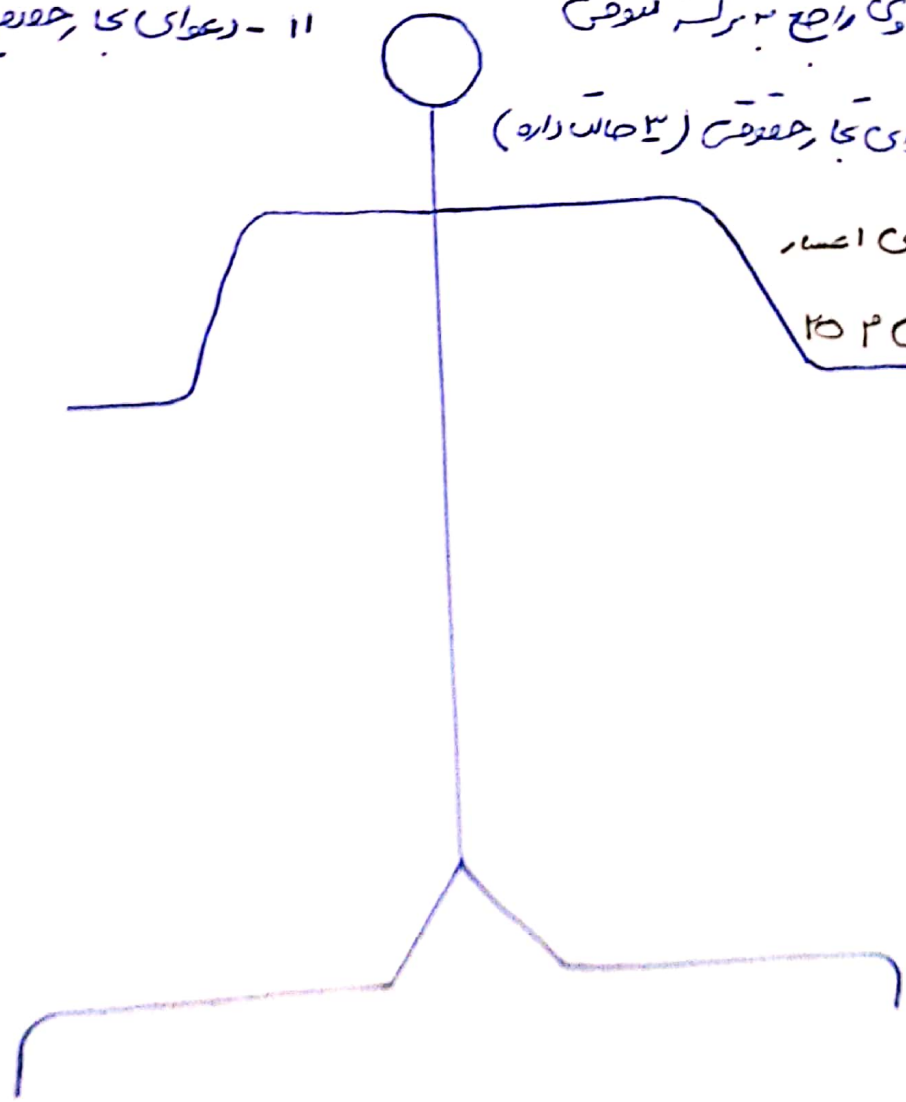
۹- اگر دعوی طاری با اصله مرتبط باشد (یا) و حرت منشاء داشته باشد غیر دعوا اصله

۱۰- دعوی راجع به ترک منقوسی ۱۱- دعوی بجا حقوقی

۱۲- دعوی بجا حقوقی (۳ حالت دارد)

۱۳- دعوی اعسار

۱۴- دعوی ۲ ۱۵



### فصل دوم: بهای خواسته

اگر خواسته ارزیابی از اسباب بهای خواسته  
نرخ رسمی بانک مرکزی مصوبه  
من شود اما در صورت ذی حق بودن  
خواهان بهای واقعی را طلب  
می‌شود (در مرحله اجرا)

ماده ۶۱- بهای خواسته از نظر هزینه دادرسی و امکان تجدیدنظرخواهی همان مبلغی است که در دادخواست قید شده است، مگر این که قانون ترتیب دیگری معین کرده باشد.

ماده ۶۲- بهای خواسته به ترتیب زیر تعیین می‌شود:

۱- اگر خواسته پول رایج ایران باشد، بهای آن عبارت است از مبلغ مورد مطالبه، و اگر پول خارجی باشد، ارزیابی آن به نرخ رسمی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در تاریخ تقدیم دادخواست بهای خواسته محسوب می‌شود.

۱۷ خواسته در برهه  
پول و منافع قابل  
اعتراض نمی‌باشند

۲- در دعوی چند خواهان که هر یک قسمتی از کل را مطالبه می‌نمایند بهای خواسته مساوی است با حاصل جمع تمام قسمت‌هایی که مطالبه می‌شود.

۱ اموال خوانده قوه اعتراض  
دارد آن جمع با ۳ شرط =  
۱- تا اولین جلسه آقا مه‌شور  
۲- اعتراض مه‌شور در مراحل بعدی باید  
(قابلیت تجدیدنظر)

۳- در دعوی راجع به منافع و حقوقی که باید در مواعد معین استیفا و یا پرداخت شود، بهای خواسته عبارت است از حاصل جمع تمام اقساط و منافع که خواهان خود را ذی‌حق در مطالبه‌ی آن می‌داند.

۳- خوانده از ۱۰ تا ۱۵ روز زودتر  
(برای تظلم قابل تجدیدنظر بودن  
در مراحل بعدی)

در صورتی که حق نام برده محدود به زمان معین نبوده و یا مادام‌العمر باشد بهای خواسته مساوی است با حاصل جمع منافع ده سال یا آنچه را که ظرف ده سال باید استیفا کند.

حق اعتراض در چگونگی برای  
خوانده جمع آثار دارد

۴- در دعوی راجع به اموال، بهای خواسته مبلغی است که خواهان در دادخواست معین کرده و خوانده تا اولین جلسه دادرسی به آن ایراد و یا اعتراض نکرده مگر اینکه قانون ترتیب دیگری معین کرده باشد.

ماده ۶۳- چنانچه نسبت به بهای خواسته بین اصحاب دعوا اختلاف حاصل شود و اختلاف مؤثر در مراحل بعدی رسیدگی باشد، دادگاه قبل از شروع رسیدگی با جلب نظر کارشناس، بهای خواسته را تعیین خواهد کرد.

بهای خواسته مستور مبلغ واقعی است.

۱۷۸ تا ۱۸۵

### حین اقامت دعوا

در دادگاه (۱۸۲) ← معتبر  
 ← شش هفتین اجرا توسط دادگستری  
 در دادگاه  
 دفتر اسناد رسمی (۱۸۱) ← معتبر و اجراء شش هفتین نام  
 مطابق اسناد رقم اجرا  
 در خارج از دادگاه (م ۱۸۴)  
 ← معتبر نیست مگر طرفین در دادگاه  
 به جهت آن اقرار کنند

شش هفتین

صورت  
 گزارش  
 اصلاحی

← اگر شش هفتین در دادگاه  
 دفتر اسناد رسمی  
 خارج از دادگاه (به شرط فوق و با اقرار)  
 در دادگاه

### قبل اقامت دعوا

← آن باز دادگاه درخواست شد و شش هفتین انجام شد  
 دادگاه گزارش اصلاحی صادر میکند (م ۱۹۳)

۱۸۲ تا ۱۹۳

\* شش هفتین بدون تشریفات

دعوی خوانندگی

م ۱۲۰ (درخواست استغناء از خسارت احتمالی) بدون تشریفات

در شورای حل اختلاف بدون تشریفات

در دعوی تصرف بدون تشریفات

؟ کدام مورد در خصوص گزارش اصلاحی است؟

الف) حکم تلقی می شود و قابل تجدید است

ب) ... وین از قطعیت اجراء می شود

ج) مانند حکم دادگاه به موقع اجراء است می شود

د) مانند حکم دادگاه به اجراء است می شود و قابل واخواهی و تجدید نیست ✓

هرای ۳ قسمت دارد:

۳۷۳ م

۱- مقدمه رای که خلاصه ای از ادعاها و ادله و دفاعیات  
در آن نوشته می شود

۲- اسباب مواجهه به در آن دارا<sup>ه</sup> ارنه خود را بیان می کند  
با بخت خون رای تقضیه است

۳- نتیجه یا نظر رای: که به موجب آن موضوع اختلاف طرفین فصل یا  
دعوا رد می شود

دارگاه بروی در دعوی حکم به تعلوقیت خوانده صادر می کند ؟

و دارگاه تجدیتاً حکم را فسخ و قرار عدم اهلیت صادر می کند

در صورتی که از این قرار فرجه خواهد بود، دیوان پرونده را

الف) به دارگاه بروی ارسال می کند

ب) به دارگاه تجدیتاً ارسال می کند ✓

ج) پرونده را به دارگاه هم عرض ارسال می کند

د) خود رسیدگی و رای صادر می کند .

کم یا قراری که از آن فرجام سواست  
موجب نقض یا ابرام حکم یا قرار می شود به طور روشن و کامل ذکر می گردد  
پس از امضای آن در دفتر مخصوص با قید شماره و تاریخ ثبت خواهد شد.

۵۱۱- به موجب ماده ۳۹ الحاقی ۱۳۸۱/۷/۲۸ قانون اصلاح قانون تشکیل  
دگاه های عمومی و انقلاب، **صریحاً نسخ شده** است.<sup>۱</sup>

۵۱۲- به موجب ماده ۳۹ الحاقی ۱۳۸۱/۷/۲۸ قانون اصلاح قانون تشکیل  
دگاه های عمومی و انقلاب، **صریحاً نسخ شده** است.<sup>۲</sup>

**دوال وطن ۹۸**  
در صورتی که در مجلس شورای اسلامی قرار دادخواست صادر و توسط دادگاه  
تایید شود و سپس مورد فرجه خواهد واقع شود دیوان عالی کشور پس از  
تفصیح قرار (الف) پرونده را با دادگاه هم عرض صادر کننده رای قطعی ارسال می کند

✓ (ب) پرونده را با دادگاه شورای عالی ارسال می کند

(ج) پرونده را با دادگاه تجدید نظر ارسال می کند

(د) خود رسیدگی می کند و رای صادر می کند

\* اگر دیوان عالی قرار را نقض کند پرونده را با دادگاه که اولین بار قرار صادر کرده  
می فرستد.

۴۱۱- منسوخ (مصوب ۱۳۷۹) - مقررات ماده (۳۲۶) نسبت به احکام صادره از دادگاه  
تجدیدنظر و شعب دیوان عالی کشور لازم الرعایه می باشد.

۴۱۲- منسوخ (مصوب ۱۳۷۹) - مرجع رسیدگی به ادعای موضوع ماده (۳۲۶) نسبت به  
کام دادگاه تجدیدنظر، دیوان عالی کشور است که چنانچه پس از رسیدگی آن را نقض نمود  
ت رسیدگی به یکی از شعب دادگاه تجدیدنظر همان استان و یا در صورت فقدان شعبه  
نزدیک ترین شعبه دادگاه تجدیدنظر استان دیگر ارسال می دارد. مرجع رسیدگی به  
ای مذکور نسبت به احکام شعب دیوان عالی کشور، رییس دیوان عالی کشور است که پس از  
دگی و نقض آن، رسیدگی به پرونده را به شعبه دیگر دیوان عالی کشور ارجاع می نماید. ■



بررسی و آردار که اصل وجود دارد یا نه  
**ماده ۴۶۱-** هرگاه نسبت به اصل معامله یا قرارداد راجع به داوری بین طرفین اختلافی باشد دادگاه ابتدا به آن رسیدگی و اظهار نظر می‌نماید.

**ماده ۴۶۲-** در صورتی که طرفین نسبت به دادگاه معینی برای انتخاب داور <sup>۱</sup> **ترازی** نکرده باشند، دادگاه صلاحیت‌دار برای تعیین داور، دادگاهی خواهد بود که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را دارد. <sup>۲</sup>

**ماده ۴۶۳-** هرگاه طرفین ملتزم شده باشند که در صورت بروز اختلاف بین <sup>۳</sup> **دو** طرف معین آنها **شخص معینی** داوری نماید و آن شخص <sup>۴</sup> نخواهد یا نتواند به‌عنوان داور رسیدگی کند و به داور یا داوران دیگری نیز ترازی ننمایند، رسیدگی به اختلاف در صلاحیت دادگاه خواهد بود (عوض در اینجا از طرفین داور شخص خاصی بوده و این جور داوری از بین می‌رود)

**ماده ۴۶۴-** در صورتی که در قرارداد داوری، تعداد داور معین نشده باشد و خود طرفین نتوانند در تعیین داور یا داوران توافق کنند، هریک از طرفین باید یک نفر داور اختصاصی معرفی و یک نفر به‌عنوان داور سوم به اتفاق تعیین نمایند.

**ماده ۴۶۵-** در هر مورد که داور یا داوران، وسیله یک طرف یا طرفین انتخاب می‌شود، انتخاب کننده مکلف است قبولی داوران را اخذ نماید. ابتدای مدت داوری روزی است که داوران قبول داوری کرده و موضوع اختلاف و شرایط داوری و مشخصات طرفین و داوران به همه آنها ابلاغ شده باشد. از تاریخ ابلاغ این داور تاریخ شروع داوری است

**ماده ۴۶۶-** اشخاص زیر را هر چند با ترازی نمی‌توان به‌عنوان داور انتخاب نمود:

- ۱- اشخاصی که فاقد اهلیت قانونی هستند (بالج - عاقل - رشید) دارای اهلیت و قوی بعد از این شرایط را ندارد (صفت - معنون - بنین)
- ۲- اشخاصی که به موجب حکم قطعی دادگاه و یا در اثر آن از داوری محروم شده‌اند. (ب موجب حکم بنوی)

**ماده ۴۶۷-** در مواردی که دادگاه به جای طرفین یا یکی از آنان داور تعیین می‌کند، باید حداقل از بین دو برابر تعدادی که برای داوری لازم است و واجد شرایط هستند داور یا داوران لازم را به طریق قرعه معین نماید.

**ماده ۴۶۸-** دادگاه پس از تعیین داور یا داوران و اخذ قبولی، نام و نام خانوادگی و سایر مشخصات طرفین و موضوع اختلاف و نام و نام خانوادگی

درگاه

به اصل دعوا را دارد مکلف است به درخواست طرف ذی نفع طبق رأی داور برگ اجرایی صادر کند. اجرای رأی برابر مقررات قانونی می باشد.

در این مورد رأی داور ماده ۴۸۹- رأی داور در موارد زیر باطل است و قابلیت اجرایی ندارد:

- ۱- رأی صادره مخالف با قوانین موجد حق باشد.
- ۲- داور نسبت به مطلبی که موضوع داوری نبوده رأی صادر کرده است.
- ۳- داور خارج از حدود اختیار خود رأی صادر نموده باشد. در این صورت فقط آن قسمت از رأی که خارج از اختیارات داور است ابطال می گردد.
- ۴- رأی داور پس از انقضای مدت داوری صادر و تسلیم شده باشد.
- ۵- رأی داور با آنچه در دفتر املاک یا بین اصحاب دعوا در دفتر اسناد رسمی ثبت شده و دارای اعتبار قانونی است مخالف باشد.
- ۶- رأی به وسیله داورانی صادر شده که مجاز به صدور رأی نبوده اند.
- ۷- قرارداد رجوع به داوری بی اعتبار بوده باشد.

در این مورد رأی داور باطل است و فوق ۴۹۰ ماده از طرفین می تواند بعد از ابلاغ رأی اعتراض و بطلان رأی داور را درخواست کند

در شروع اعتراض ۲۰ روز متوقف می شود

ماده ۴۹۰- در مورد ماده فوق هر یک از طرفین می تواند ظرف بیست روز بعد از ابلاغ رأی داور از دادگاهی که دعوا را ارجاع به داوری کرده یا دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را دارد، حکم به بطلان رأی داور را بخواهد (در این صورت دادگاه مکلف است به درخواست رسیدگی کرده، هرگاه رأی از موارد مذکور در ماده فوق باشد حکم به بطلان آن دهد و تا رسیدگی به اصل دعوا و قطعی شدن حکم به بطلان، رأی داور متوقف می ماند.)

اگر رأی داور اعتراض شود رأی متوقف می شود

اعتراض

تبصره- مهلت یاد شده در این ماده و ماده (۴۸۸) نسبت به اشخاصی که مقیم خارج از کشور می باشند دو ماه خواهد بود.

شروع مهلت های تعیین شده در این ماده و ماده (۴۸۸) برای اشخاصی که دارای عذر موجه به شرح مندرج در ماده (۳۰۶) این قانون و تبصره (۱) آن بوده اند پس از رفع عذر احتساب خواهد شد.

ماده ۴۹۱- چنانچه اصل دعوا در دادگاه مطرح بوده و از این طریق به داوری ارجاع شده باشد، در صورت اعتراض به رأی داور و صدور حکم به بطلان آن، رسیدگی به دعوا تا قطعی شدن حکم بطلان رأی داور متوقف می ماند.

رسمی داور رسیدگی می نماید

? در صورتی که نسبت به امضای کسبی رسمی ادعا جعل نور

در این صورت :

الف) امضا این سند نمی تواند اساس تطبیق قرار گیرد

ب) مطلقاً این سند می تواند اساس تطبیق قرار گیرد

ج) در صورتی که حکم به صحت آن شده باشد می تواند اساس

تطبیق قرار گیرد ✓

د) خطا، هر و امضا و اثر نیست این سند را نمی توان اساس تطبیق

قرار داد م ۲۲۴ ناظر به اسناد عاری است و در صورت سوال گفته شده  
رسمی

? نسبت به سند عادی اظهار انکار، من ثور وین از رسیدگی هیات

کارشناسان صحت سند صادره نور در این صورت :

الف) مطلقاً نمی توان آن را اساس تطبیق قرار داد

ب) مطلقاً نمی توان آن را اساس تطبیق قرار داد ✓

ج) اصولاً نمی توان آن را اساس تطبیق قرار داد

د) اصولاً می توان آن را اساس تطبیق قرار داد

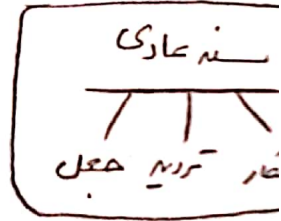
مفاد یعنی مفهوم

تعیین خواهد کرد) اجرای رأی دادگاه در این خصوص منوط است به قطعی شدن حکم دادگاه در ماهیت دعوا<sup>است</sup> و گذشتن مدت درخواست تجدیدنظر یا ابرام حکم در مواردی که قابل تجدیدنظر می باشد و در صورتی که وجود اسناد و نوشته های راجع به دعوای جعل در دفتر دادگاه لازم نباشد، دادگاه دستور اعاده اسناد و نوشته ها را به صاحبان آنها می دهد.

**ماده ۲۲۲-** کارمندان دادگاه مجاز نیستند تصویر یا رونوشت اسناد و مدارکی را که نسبت به آنها ادعای جعلیت شده مادام که به موجب حکم قطعی نسبت به آنها تعیین تکلیف نشده است، به اشخاص تسلیم نمایند، مگر با اجازه دادگاه که در این صورت نیز باید در حاشیه آن تصریح شود که نسبت به این سند ادعای جعلیت شده است. تخلف از مفاد این ماده مستلزم محکومیت از سه ماه تا یک سال انفصال از خدمات دولتی خواهد بود.

**د- رسیدگی به صحت و اصالت سند**

**ماده ۲۲۳-** خط، مهر، امضا و اثر انگشت اسناد عادی را که نسبت به آن انکار یا تردید یا ادعای جعل شده باشد، نمی توان <sup>مطلقاً</sup> اساس تطبیق قرار داد، هرچند که حکم به صحت آن شده باشد. اما مفارش معتبر است (اما نمی توان مفارش را اس



اثر حکم به صحت آن راه نبرد

**ماده ۲۲۴-** می توان کسی را که خط یا مهر یا امضا یا اثر انگشت منعکس در سند به او نسبت داده شده است، اگر در حال حیات باشد، برای استکتاب یا اخذ اثر انگشت یا تصدیق مهر دعوت نمود. عدم حضور یا امتناع او از کتابت یا زدن انگشت یا تصدیق مهر می تواند **قرینه صحت سند تلقی شود.** <sup>تطبیق قرار داد</sup> <sup>استکتاب و تصدیق سند است</sup>

**ماده ۲۲۵-** اگر اوراق و نوشته ها و مدارکی که باید اساس تطبیق قرار گیرد در یکی از ادارات یا شهرداری ها یا بانک ها یا مؤسساتی که با سرمایه دولت تأسیس شده است موجود باشد، برابر مقررات ماده (۲۱۲) آنها را به محل تطبیق می آورند. چنانچه آوردن آنها به محل تطبیق ممکن نباشد و یا به نظر دادگاه مصلحت نباشد و یا دارنده آنها در شهر یا محل دیگری اقامت داشته باشد به موجب قرار دادگاه می توان در محلی که نوشته ها، اوراق و مدارک یادشده قرار دارد، تطبیق به عمل آورد.

حالت درم ۲۲۷

متصور است:

① دعوی حقوق در جریان است ←  
ارثاً جعل هم در همان داراها نبود به هوای رسیدن  
داراها

② دعوی حقوق در جریان

ارثاً جعل در وضع کنونی مطرح و حکم  
قطعی منب بر جعلیت افزود  
رای قطعی کنونی برای  
داراها حقوق لازم الاتباع

③ در دعوی حقوقی رای قطعی صادر و سپس

جعلیت منب بر حسب رای قطعی اثبات شود  
از جهات اعاده  
دادگی

می گردد که ممکن است موجب علم یا اطمینان قاضی دادگاه یا مؤثر در آن باشد.  
 ماده ۲۵۶ - عدم تهیه وسیله اجرای قرار معاینه محل یا تحقیق محلی توسط  
 متقاضی، موجب خروج آن از عداد دلایل وی می باشد. و اگر اجرای قرار  
 مذکور را دادگاه لازم بداند، تهیه وسایل اجرا در مرحله بدوی با خواهان دعوا و  
 در مرحله تجدیدنظر با تجدیدنظرخواه می باشد. در صورتی که به علت عدم تهیه  
 وسیله، اجرای قرار مقدور نباشد و دادگاه بدون آن نتواند انشای رأی نماید  
 دادخواست بدوی ابطال و در مرحله تجدیدنظر، تجدیدنظرخواهی متوقف، ولی  
 مانع اجرای حکم بدوی نخواهد بود.

اگر درخواست طرفین برون باشد ← از عداد دلایل خارج می شود

عدم تهیه و  
 تحقیق و معاینه

در مرحله بدوی ← قرار ابطال دادخواست

محل توسط  
 متقاضی

اگر درخواست دادگاه برون باشد

در مرحله بدوی متوقف می شود  
 موجب توقف اجرای حکم نمی شود